



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

تقدیرات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیرات

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	تقدیرات
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۶	پیش گفتار
۱۷	مقصود از خلقت
۱۷	اشاره
۱۷	عقل؛ مرزی بین انسان یا حیوان بودن
۱۸	صبر جزئی از عقل است
۱۹	امتحان؛ سنت حتمی الهی
۲۲	تفاوت آزمایش پیشینیان با ما
۲۴	امتحان عصر غیبت
۲۶	دلایل امتحان
۲۶	هدف از امتحان ها
۲۶	۱. جنبه های امتحانی و آموزشی
۲۶	۱-۱. آشکار شدن باطن انسان
۳۳	۲-۱. آشکار شدن میزان عقل و اخلاص انسان ها
۳۴	۲. رسیدن به مقام تسلیم و رضا
۳۸	بلا؛ عامل تنفر از دنیا
۴۰	بلا موجب رفع کبر و غرور می شود
۴۱	بلا؛ سبب قرب
۴۵	بلا مطابق عمل کرد انسان هاست
۵۱	توبه

۵۶	مهر حق تعالی بر بیماران
۶۱	تحلیلی دربارهٔ احادیث واردشده دربارهٔ پاداش بیماری ها
۶۹	علت امتحانات انبیا و اولیا
۷۱	امتحان و صبر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)
۷۷	امتحان و صبر حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)
۸۱	آزمایش و استقامت حضرات معصومین (علیهم السلام)
۸۵	صبر و تحمل مؤمنان حقیقی
۸۶	ابوذر (رحمة الله)
۸۷	تحمل و استقامت زنان مؤمن
۹۰	بلا؛ هدیه ای برای مخلصین
۹۴	راضی بودن به قضای الهی
۹۹	علت فقر در امرار معاش
۱۰۲	حقیقت ایمان
۱۰۸	واگذاری امور به خدای تعالی
۱۱۳	گشایش در کارها با صبر
۱۲۸	اقسام صبر
۱۳۱	دعا کلید رهایی از بلاست
۱۳۵	صدقه؛ بهترین وسیلهٔ نجات
۱۳۶	نقش دعا و توسل
۱۳۹	شرایط استجاب دعا
۱۴۴	حقیقت توکل
۱۴۸	صبر بر شدائد
۱۵۲	مصائب جان سوز امام حسین (علیه السلام)
۱۵۴	پناهگاهی به نام امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۵۷	نقش گریه بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)
۱۶۱	کتاب نامه

سرشناسه : ملازاده تقی پور، علیرضا، 1340-

عنوان و نام پدیدآور : تقدیرات/علی تقی پور؛ ویراستار بهلولی، محسن حسینی.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 1402.

مشخصات ظاهری : 152 ص.؛ 14/5×21/5 س م.

شابک : : 3-115-415-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه:ص. [150] - 152.

موضوع : امتحان الهی -- احادیث

Ordeal-- Hadiths

قضا و قدر -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Fate and fatalism -- Religious aspects -- Islam

قضا و قدر -- جنبه های مذهبی -- اسلام -- احادیث

Fate and fatalism -- Religious aspects -- Islam -- Hadiths

دعا (اسلام) -- تاثیر

Prayer -- Islam -- Influence*

دعا -- احادیث

Prayer -- Hadiths

رده بندی کنگره : BP225

رده بندی دیویی : 297/464

شماره کتابشناسی ملی : 9171188

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

يا صاحب الزمان

تقدیرات

علی نقی پور

ص: 3

پیشگفتار 7

مقصود از خلقت 8

تفاوت آزمایش پیشینیان با ما 12

امتحان عصر غیبت 14

دلایل امتحان 16

هدف از امتحان ها 16

بلا؛ عامل تنفر از دنیا 28

بلا موجب رفع کبر و غرور می شود 30

بلا؛ سبب قرب 31

بلا مطابق عملکرد انسانهاست 35

توبه 41

مهر حق تعالی بر بیماران 46

تحلیلی درباره احادیث وارد شده درباره پاداش بیماریها 51

علت امتحانات انبیا و اولیا 59

امتحان و صبر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) 61

امتحان و صبر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) 67

آزمایش و استقامت حضرات معصومین (علیهم السلام) 71

صبر و تحمل مؤمنان حقیقی 75

ابوذر (رحمة الله) 76

تحمل و استقامت زنان مؤمن 77

بلا؛ هدیه ای برای مخلصین:80

راضی بودن به قضای الهی 84

علت فقر در امرار معاش 89

حقیقت ایمان 92

واگذاری امور به خدای تعالی 98

ص: 5

گشایش در کارها با صبر 103

اقسام صبر 117

دعا کلید رهایی از بلاست 120

صدقه؛ بهترین وسیله نجات 124

نقش دعا و توسل 125

شرایط استجاب دعا 128

حقیقت توکل 133

صبر بر شدائد 137

مصائب جانسوز امام حسین (علیه السلام) 141

پناهگاهی به نام امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 143

نقش گریه بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) 146

کتابنامه 150

ص: 6

اتفاقاتی که در زندگی انسان رخ می‌دهد از رفتار خود انسان تأثیر پذیرفته است. بدی و خوبی انعکاس افعال و گفتار انسان است که به خود او باز می‌گردد. زندگی انسان‌ها نیز مجموعه‌ای از گفتارها و رفتارهاست که در هر لحظه چگونگی مواجهه انسان با رویدادها امتحانی الهی برای او محسوب می‌شود. این که باید در زندگی چه دیدی داشته باشیم و از چه زاویه‌ای به مسائل این چنینی بنگریم، موضوع بحث کتاب حاضر است که تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

فرمایش‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در هر زمینه، باعث باروری فکر مؤمن گشته و به وی اجازه می‌دهد با قدرتی بهتر و عزمی راسخ‌تر با بلاها و حتی نعمت‌ها که نوعی امتحان هستند رویه‌رو گردد. این کتاب به کلمات دُرر بار ائمه اطهار (علیهم‌السلام) زیور یافته است و سعی در نمایاندن چهره دیگری از اتفاق‌های زندگی انسان دارد. امید است که در سایه پر عزت‌خاندان وحی (علیهم‌السلام) بتوان به خواسته ایشان، یعنی عبودیت، جامه عمل پوشانید.

قرآن کریم می فرماید:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ) (1)

«خدای شما کسی است که مرگ و زندگانی را آفرید تا شما بندگان را بیازماید تا مشخص شود کدام یک از شما نیکوکارتر است. او مقتدر و آمرزنده است.»

پدیده خلقت و این سؤال که هدف از آن چیست، مسأله ای است که انسان را به تفکری عمیق وامی دارد. بافته های فکری بشر نتوانسته پاسخ مناسبی برای این مسئله پیدا نماید. لذا برای دست یابی به آرامش و سعادت به ارضاء شکم و شهوت روی آورده و به پوچی و انحطاط دچار شده است. این پوچی انسان را به مرحله ای می رساند که گاهی مرگ را بر زندگی بی معنای خود ترجیح می دهد و به خودکشی پناه می برد. گاهی هم آن قدر انسان را در لذت های مادی غرق می کند که بشر از خوی انسانی دور می شود و همانند حیوانی وحشی، به ضعیف ترها تعرض و تجاوز می کند.

عقل؛ مرزی بین انسان یا حیوان بودن

آنچه موجب تمایز انسان از حیوان می گردد عقل است. هرچه عقلانیت در زندگی انسان بیشتر باشد، زندگی او سالم تر و آرام تر و هدف مندتر خواهد بود؛ زیرا کار عقل هدایت انسان از ظلمت به سوی نور است. هرچه قوای عقل در انسان بارورتر گردد، ضلالت او را از بین می برد و سعادت را به ارمغان می آورد. امیرالمؤمنین می فرمایند:

ص: 8

«عقل انسان را به سوی معبود یگانه خویش دعوت می کند و با دلایل محکم به یقین می رساند. وقتی که به وسیله دلایل عقلانی برای انسان یقین حاصل شد، اوامر و نواهی خداوند که برای سعادت و خوشبختی بشر در دنیا وضع شده است، رعایت خواهد شد. در واقع عقل اهرم بازدارنده از بدی ها و پلیدی ها و نیروی هدایت کننده به سوی نیکی هاست. بنابراین صاحبان عقل که همان دین داران حقیقی می باشند، به پیروی از عقل، به بندگی خدا می گرایند و بقیه مردم چون از وادی عقل به دور هستند در دایره بهائم (1) وارد می شوند. آنان در باغ وحش دنیا، زندگی را فقط و فقط با ارضاء شکم و شهوت و پرورش خوی قدرت طلبی و درندگی سپری می کنند.»

صبر جزئی از عقل است

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره عقل فرمودند:

«حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ وَ حُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ وَ حُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ.» (2)

«عقل به سه قسمت تقسیم شده است. اگر این سه صفت در کسی باشد عقلش کامل است و در غیر این صورت فاقد عقل خواهد بود: خدا را خوب بشناسد؛ از خدا اطاعت کند؛ بر قضا و قدر پروردگار صبر کند.»

حال اگر کسی این سه مرحله از عقل را داشته باشد، سعادت مندترین و خوشبخت ترین انسان در دنیا و آخرت است و اگر فاقد این اوصاف باشد جزو چهارپایان اسیر باغ وحش دنیاست.

آنچه در این نوشتار مقصود است پرداختن به سومین ویژگی عقل، یعنی صبر در

ص: 9

1- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «الناس كلهم بهائم (ثلاثاً) الآ قليلاً من المومنين و المومن غريب (ثلاثاً)؛ همه مردم مانند چهارپایان هستند (سه بار فرمودند) جز اندکی از مؤمنان (و باز سه بار فرمودند). مؤمن غریب و تنها وی کس است.» الکافی، الإسلامیة، 2، 242؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 200 و 64، 159.

2- روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، 13، 185؛ بحار الأنوار، بیروت، 1، 106؛ تحف العقول، 54.

امتحانات الهی، می باشد. بدون شک صبر از ویژگی هایی است که همانند دیگر کمالات انسانی در این دنیا با تمرین و به دست آوردن آگاهی، زیادشده است. صبر عامل آرامش انسان در دنیا و سعادت وی در آخرت است.

امتحان؛ سنت حتمی الهی

به شهادت قرآن و روایات بلایا و امتحان های الهی اتفاقی قطعی برای تمام انسان ها هستند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون) (1)

«آیا مردم پنداشته اند که اگر به زبان ایمان آورند رها می شوند و هرگز آزمایش نمی شوند؟»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز هدف از زیستن در دنیا را چنین تعریف می فرمایند:

«ابْتِلَاءٌ عَظِيمًا وَ اِمْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اِخْتِبَارًا مُبِينًا وَ تَمَحِیصًا بَلِیغًا جَعَلَهُ اللهُ تَعَالَى سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وُضْعًا لِجَنَّتِهِ.» (2)

توضیحات بیشتر را از زبان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می آموزیم:

«لَا یُقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمَلٌ عَلَی فِتْنَةٍ وَ لَكِنَّ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَ تَعْدُ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ.»

(3)

ص: 10

1- سورة مبارکه ملک، آیه شریفه 2،

2- نهج البلاغه للصبیحی صالح، 293؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، 13، 156؛ بحار الأنوار، بیروت، 14، 470 و 96، 46.

3- حکمت 93 از نهج البلاغه؛ نهج البلاغه للصبیحی صالح، 483؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، 18، 428؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 12، 364؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 215 و 91، 197. قصد خدا از امتحان بندگان این است که حقیقت درونی انسان ها در روز جزا ظاهر گردد. خداوند در سوره عنکبوت می فرماید: (الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا یَفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ آیا مردم گمان کردند به محض این که گفتند ما ایمان آوردیم، دیگر امتحان نمی شوند؟ البته چنین نیست، باید امتحان شوند تا صدق و کذب آن ها معلوم گردد) همچنین خداوند می فرماید: (وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ به تحقیق امت هایی که پیش از شما بودند امتحان شدند). مؤلف گرامی کتاب ” پژوهشی پیرامون جمع میان علم و امتحان الهی “، می فرماید: «این دانستن علم فعل است نه علم ذات و چون علم فعل است به معنای حضور فعل بنفسه نزد خداوند متعال و وجود خارجی پیدا کردن آن است. لذا اشکالی ندارد خداوند بخواهد بداند؛ چون دانستن خداوند متعال، تحقق پیدا کردن قصد و غرض فرمان الهی است، نه علم پیدا کردن به چیزی؛ لذا دانستن خداوند به معنای مرتفع شدن جهل نیست؛ بلکه به معنای فعلیت پیدا کردن معلوم عند الله است. یک مورد دیگر از فرمودن «تا بدانیم؛ لنعلم» دانستن و علم پیدا کردن باطن افراد برای دیگران است. پس دانستن و علم پیدا کردن خداوند از افراد خالص و ناخالص نه بدان معناست که خداوند آن ها را نمی شناسد؛ بلکه می خواهد او را به دیگران بشناساند. بنابراین امتحان امری

ضروری است تا صادق از کاذب شناخته شود. آیه سوم سوره عنکبوت نیز اشاره به همین مطلب دارد. یکی از دلایل امتحانات مطلع شدن خود بشر از حال خویش است؛ زیرا انسان ها غالباً خودبین هستند و از احوالات خود خبر ندارند و به وسیله امتحان به احوال خویش علم پیدا می کنند و همین موضوع باعث اصلاح نفس و تزکیه انسان می گردد. در این باره قرآن کریم در سوره اعراف می فرماید: (وَبَلَّوْنَاھُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّھُمْ یَرْجِعُونَ؛ آن ها را با خوبی ها و بدی ها بیازمودیم. باشد که به حق باز گردند). در روایت از حضرات معصوم (علیهم السلام) وارد شده است که فرمودند: «همچنان که طلای ناخالص به وسیله آتش به طلای ناب و خالص می رسد، مؤمن نیز با امتحان به حقیقت ایمان خواهد رسید». برای توضیح و فهم بیشتر این کلام گهربار در جداسازی خالص از ناخالص به وسیله امتحانات، عرض می کنیم که کلمه امتحان از ماده مَحَنَ گرفته شده است و هنگامی که گفته شود «محن الفتنه»، یعنی سیم را گداخته و ناخالصی های آن گرفته می شود. یا وقتی گفته می شود «محن فلانا»، یعنی فلانی را در کوره آزمودند. قرآن کریم در سوره حجرات می فرماید: (أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى؛ آنان کسانی هستند که خداوند دل هایشان را برای تقوا خالص کرده است).

«فردی از شما نگوید: ”خدایا از فتنه و امتحان به تو پناه می برم“. زیرا همه در فتنه هستند؛ لکن آن که می خواهد از آزمایش های گمراه کننده رهایی یابد، باید به خدا پناه ببرد. خدای سبحان می فرماید: ”بدانید که اموال و فرزندان شما برای تان فتنه هستند“. معنای این آیه آن است که خداوند انسان ها را با اموال و فرزندانشان می آزماید تا کسی که از رزق

ص: 11

خود ناخشنود است از آن که خرسند است شناخته شوند. گرچه خداوند به احوال شان از خودشان آگاه تر است تا کرداری که استحقاق پاداش یا کیفر دارد را آشکار کند. چه آن که بعضی از مردم فرزند پسر را دوست دارند و فرزند دختر را نمی پسندند و بعضی دیگر فراوانی مال را دوست دارند و از کاهش سرمایه شان نگرانند.»

از امام معصوم (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

«يَفْتُنُونَ كَمَا يَفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يَخْلَصُونَ كَمَا يَخْلَصُ الذَّهَبُ.» (1)

«همان گونه که فشار آتش ناخالصی های طلا را از بین می برد و آن را خالص می کند، شما هم آزمایش می شوید و در نهایت خالص می گردید.»

غبار جهل از دامن کبریاپی حق تعالی به دور است. امتحان ها برای آن هستند که در فردای قیامت کسی مدعی بیشتر از آنچه به او می دهند نشود. با این توصیف هدف از امتحان ها دست یافتن به رحمت وسیع و الهی و جاودانگی در بهشت است.

تفاوت آزمایش پیشینان با ما

در این امتحان ها از سختی گریزی نیست و باید با آغوشی باز برای جلب خشنودی حق تعالی به استقبال مشکلات رفت و از خداوند متعال شکر کرد؛ چراکه امتحان های این روزگار با امتحان های اوایل اسلام تفاوت های زیادی دارد: در آن زمان فشار و بارهای گران، مشقت های بیشماری را به همراه داشت. اما در عصر حاضر به برکت مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نعمت ها به فراوانی گراییده است و به واسطه پیشرفت انواع تکنولوژی و گسترده شدن رفاه اوضاع تمدن بشری بهتر گردیده است.

نگرش حضرات معصومین (علیهم السلام) به بلا یا با تعقل همراه بوده است و همواره تقدیر

ص: 12

1- الکافی، الإسلامية، 1، 370؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 4، 185؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 219 و 52، 115؛ إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1، 240.

پروردگار را، حتی در هنگام بلا، برای خویش رحمت می دیدند. امام صادق (علیه السلام) در هنگام مصیبت می فرمودند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ شَاءَ أَنْ تَكُونَ مُصِيبَتِي أَعْظَمَ مِمَّا كَانَ كَانَتْ.» (1)

«سپاس خدایی را که مصیبت مرا در دین قرار نداد و شکر خدایی را که اگر می خواست مصیبتم بزرگ تر از این باشد، بر زیادکردن آن توانا بود.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز برای آرامش دل مصیبت زدگان در امتحان می فرمایند:

«در احوالات مؤمنان پیشین اندیشه کنید که چگونه در زمان آزمایش و امتحان به سر بردند. آیا بیش از همه، مشکلات بر دوش آن ها نبود؟ آیا از همه مردم جهان بیشتر در تنگنا قرار نداشتند؟ فرعون های زمان، آن ها را به بردگی کشاندند و همواره بدترین شکنجه ها را بر آنان وارد کردند و انواع تلخی ها را به کامشان ریختند که اگر در این دوران این ذلت و هلاکت و مغلوب بودن تداوم می یافت نه راهی وجود داشت که سرپیچی کنند و نه چاره ای که از خود دفاع کنند.»

البته خداوند وعده داده است که پس از هر سختی و ظلمتی، فرج و روشنایی باشد. لذا حضرت در ادامه می فرمایند:

«تا آن که خداوند متعال تلاش و استقامت و بردباری شان را در برابر ناملایمات در راه دوستی خود و قدرت شان را بر تحمل ناراحتی ها برای ترس از خویش مشاهده کرد و آنان را از تنگناهای بلا و سختی نجات داد و ذلت آنان را به عزت و بزرگواری و ترس آن ها را به امنیت تبدیل نمود. سپس آن ها را حاکم و زمام دار و پیشوای انسان ها قرار داد. خداوند متعال کرامتی به آن ها داد که خیال آن را نیز در سر

ص: 13

پس باید در طوفان بلاها در پناه گاهی که عناصر اصلی آن توکل، تسلیم، رضا به قضاء الهی و واگذار نمودن کارها به خداوند است، جای گرفت. این مقاومت زمانی بر فراز قلعه عبادت خواهد رسید که همراه با چشم انتظاری برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد. چنان که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَ الصَّمْتُ وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.» (2)

«برترین عبادت صبر و سکوت و انتظار فرج است.»

امتحان عصر غیبت

تا ظهور دولت حق و قیام نماینده خدا، دائماً حوادثی بر مردم فرود می آید و بلاهایی آن ها را دربر می گیرد. همه این اتفاق ها به دلیل کفران نعمت امام و بی اعتنایی به وجود مقدس وی پدید آمده است و منشأ آن نیز از شهادت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع گشته بود. سیره مؤمنین در عصر غیبت صبر بر سختی ها و بلاها و سفارش دیگر برادران دینی به بردباری و همچنین ذکر کلام اهل بیت (علیهم السلام) بوده است تا دل شیعه قوت گرفته و به چشمه الهی وصل شود. امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (3) فرمودند:

«منظور از این آیه امتحان مؤمنین قبل از قیام قائم ما خواهد بود. یعنی

ص: 14

1- خطبه 192.

2- تحف العقول، 201؛ کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)، 183؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 96 و 74، 420 و 75، 38.

3- «همانا شما را به وسیله ترس، گرسنگی، کم کردن (ضرر) در مال و جان و آفات درختان و زراعات آزمایش می کنیم و مژده باد صابران را». (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 155)

خداوند متعال می فرماید که انسان ها را به ترس از حکام یا بالابردن قیمت اجناس یا به کسادى تجارت یا به مرگ پی در پی و کم شدن میوه ها و زراعت ها آزمایش می کنیم. پس بشارت باد بر صبرکنندگان بر این امتحان ها که به زودی فرج قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما حاصل می شود.» (1)

هدف از جمع آوری این دسته از روایات در کتاب معرفی پناهگاهی برای مردم در آخرالزمان است تا هر مؤمنی در زیر باران بلاها قرار گرفت، با تسلیم به قضاء الهی و دیدگاهی ولایتی، همه این شداید را برکت پندارد و به سعادت برسد.

باید توجه داشت که فتنه در دین به مراتب سخت تر از امتحان در مال و جان است. به همین علت مؤمن باید با آگاهی از کلام امامان معصوم (علیهم السلام) ابزارها و معیارهای شناخت نوآوری در دین را برای تشخیص حق از باطل به دست آورد. (2) برای همین خدای متعال در عصر غیبت دریچه بوستان مهدویت را در قلب هر محبی قرار داده است تا هر کسی با ارتباط هر روزه و به وسیله راز و نیاز و گریه به درگاهش بتواند آن را باز نموده و تحت رحمت وسیع حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار بگیرد و برای در امان بودن از حوادث و فتنه های دینی و مالی و جانی، پناهگاه و حصنی بسیار محکم که به وسیله انتظار پدید می آید، فراهم سازد. ناگفته نماند که وجود این پناهگاه منوط به ایجاد ارتباط قلبی و هر روزه با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رعایت توصیه های ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

ص: 15

1- تفسیر جامع، 1، 392؛ کمال الدین، 2، 649.

2- درباره شناسایی فتنه های دینی در آخر الزمان در کتاب "فتنه دینی" به طور مفصل حقایق بسیار شگفت از بعضی از فرقه ها و مدعیان بررسی شده است که بر هر شیعه ای لازم است از چنین دام ها و آفت هایی آگاهی یابد.

دلایل تقدیرات و امتحان ها

با توجه به روایات هر انسانی که بخواهد در دنیا به آرامش و در آخرت جزورستگاران باشد، باید صفت صبر را در خود ایجاد و تقویت کند. یکی از راه های تقویت صبر در هنگام بلا این است که با مراجعه به روایات، دانسته های خود را راجع به بلا و فلسفه آن افزایش دهیم.

هدف از امتحان ها

1. جنبه های امتحانی و آموزشی

1-1. آشکار شدن باطن انسان

خدای منان در آیه شریفه 76 از سوره مبارکه یس می فرماید:

(إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَ مَا يَعْزُبُونَ) (1)

«آنچه آشکار و مخفی می کنند، می دانیم.»

همچنین در آیه 31 سوره هود می فرماید:

(اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ) (2)

«خدا به آنچه در دل آنان است آگاه تر است.»

اگرچه خداوند از درون تمام انسان ها باخبر است؛ اما برای این که حجت را بر تمام انسان ها تمام کند، دنیا را محل آشکار شدن حقایق سینه ها و ابراز تفکر و کردار انسان ها قرار داده است تا هرکسی نتواند مدعی انسان بودن و دین داری کند. همچنین آزمایش برای آن است که آدمیان جایگاه خود را برای آخرت مشخص کنند؛ زیرا با امتحان است که حقیقت انسان هویدا می گردد و منافق از مؤمن جدا می شود.

باید دانست که سختی ها دارای مصالحی از ناحیه خداوند متعال هستند که برای

ص: 16

1- سوره مبارکه یس، آیه شریفه 76.

2- سوره مبارکه هود، آیه شریفه 31.

تربیت نفوس، تحت عنوان امتحان بر مخلوقات، نازل می شوند. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«کسی که برای هر مصیبتی صبری و برای هر نعمتی شکری و برای هر مشکلی راهی فراهم نکند، درمانده و ناتوان می شود.»

یعنی انسان باید در اقسام بلاها، همانند مرگ عزیزان و نابودی مال و... صبر و استقامت را بر احوال خود مسلط گرداند. همه نعمت ها ابزاری برای امتحان بشریت هستند و تمام آن ها در نهایت از انسان گرفته می شوند. ملاک در این حالت برخورد انسان با این نعمت هاست: صبر کند یا از خود بی تابی نشان دهد:

(فَإِنَّمَا يَقْبِضُ عَارِيَتَهُ وَ يَأْخُذُ هَبْتَهُ لِيُؤَلِّقَ فِيهِمَا صَبْرَكَ وَ شُكْرَكَ.) (1)

«زیرا خداوند امانتی را که داده دریافت می کند و بخشش خود را بازپس می گیرد تا به این وسیله صبر و مقاومت تو را بیازماید.»

برای نمونه خداوند متعال، جهت آشکار شدن حقیقت درون بشر، با مسئله قبله مسلمانان را در معرض امتحان قرار می دهد: خداوند در صدر اسلام قبله مسلمانان را از بیت المقدس به مکه مکره تغییر داد تا مسلمان حقیقی از غیر حقیقی تمیز داده شود. این حکم برای بعضی از افراد دشوار بود و نمی توانستند آن را قبول کنند. خداوند هم در قرآن به این مطلب اشاره می کند و می فرماید:

(وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ) (2)

«ما قبله ای که بر آن بودی (بیت المقدس) را تغییر دادیم تا بدانیم چه کسانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تبعیت می کنند و چه کسانی با او به مخالفت بر می خیزند و از دین او عقب نشینی می کنند.»

این امتحان نیز برای مخلوقات دیگر مثل ملائکه وضع شد تا در میان مخلوقات

ص: 17

1- تحف العقول، 304؛ الوافی، 26، 275؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 282.

2- سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 143.

آسمانی، مؤمن از منافق جدا گردد. شیطان ملعون (لعنت الله علیه) در این آزمایش بزرگ جزو مردودشدگان واقع گردید. آنچه از کلام امامان معصوم (علیهم السلام) برداشت می گردد این است که خداوند متعال حضرت آدم (علیه السلام) را با همان هیأت بشری و بدون جلوه های نورانی و ملکوتی خلق نمود تا ملائکه با همین وضعیت بشری ایشان فرامین الهی را ارج نهاده و بر موجودی که از خاک آفریده شده است سجده کنند.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای در این باره چنین می فرماید:

«اگر خداوند اراده می کرد، حضرت آدم (علیه السلام) را از نوری که چشم ها را خیره کند و زیبایی اش عقل ها را مبهوت سازد و عطر و پاکیزگی اش حس بویایی را تسخیر کند، می آفرید. اگر چنین می کرد گردن ها در برابر حضرت آدم فروتنی می کردند و آزمایش فرشتگان برای سجده بر آدم آسان می شد.»

همچنین می فرماید:

«اگر خداوند سبحان می خواست، می توانست به پیامبرانش در هنگام بعثت گنج هایی از طلا و باغ هایی با همه گونه درخت بدهد و پرندگان آسمان و جانوران زمین را با آن ها همراه سازد. اما اگر چنین کاری می کرد آزمایش ساقط می شد، دادن پاداش نادرست می گردید، وعده های الهی سودی نداشت، برای قبول شدگان در آزمایش دادن پاداش ها لزومی نداشت، مؤمنان شایسته ثواب و کارهای نیک نمی شدند.»

ولی خداوند سبحان پیغمبرانش را در اداره و تصمیم های شان توانا گردانید و در آنچه دیده ها به حالاتشان می نگرند ناتوانشان قرار داد، با قناعتی که دلها و چشمها را از بی نیازی پر می کرد و با فقر و تنگدستی که چشمها و گوشها را از رنج و آزار آکنده می ساخت.

اگر پیغمبران دارای توانایی خارق العاده بودند، دیگر کسی قصد تسلط

بر ایشان نمی کرد. آن ها نیز ستم نمی دیدند و سلطنت و پادشاهی داشتند و از شدت عظمت چشم ها به آن دستگاه پادشاهی خیره می شد.

این حالت برای مردم در پندپذیرفتن آسان تر و از خودپسندی دورتر بود. مردم نیز از روی ترس یا علاقه ای که داشتند، ایمان می آوردند. در آن صورت نیت های خالص یافت نمی شد و اهداف غیرالهی در ایمانشان راه می یافت و با انگیزه های گوناگون به سوی نیکی ها می شتافتند. اما خدای سبحان اراده فرمود که پیروی از پیامبران، تصدیق کتب آسمانی، فروتنی در عبادت، تسلیم در برابر فرمان خدا و اطاعت محض تنها برای خودش صورت پذیرد و اهداف غیرخدایی در آن راه نیابد؛ که هر مقدار آزمایش و مشکلات بزرگ تر باشد ثواب و پاداش نیز بزرگ تر خواهد بود.

آیا نمی بینید که خداوند سبحان پیشینیان را از زمان جناب آدم (علیه السلام) تا آخرین نفر از مردم این جهان، به سنگ های [کعبه مقدس] آزمایش کرده که نه زیان دارند و نه سود می بخشند و نه می بینند و نه می شنوند. پس آن سنگ ها را بیت الحرام خود قرار داد. خانه ای که برای مردم برپا داشته است و آن را در دشوارترین مکان زمین از نظر سنگی بودن و کمترین جاهای بلند دنیا از جهت کلوخ و خاک داشتن. در دره هایی که بین کوه های ناهموار، ریگ های نرم، چشمه های کم آب و روستاهای دور از هم که نه شتر آنجا فربه می شود، نه اسب، نه گاو و نه گوسفند قرار داد؟

خداوند به جناب آدم و فرزندانش امر فرمود که به جانب آن روی آورند. از بیابان هایی بی آب و علف و دور از آبادی و از بلندی های دره های سرایشیب و از جزیره های دریا که جدا شده است. (یعنی با سختیهای بسیار به آن محل می رسند) تا اینکه شانه های خود را با خضوع و فروتنی حرکت دهند و در اطراف خانه خدا تهلیل (لا اله الا الله...) گویند و با پاهایشان هروله کنند. این همه در حالی است که برای رضای خدا

ژولیده مو و غبار آلوده روی هستند و جامه های شان را پشت سر انداخته اند (لباس همیشگی را از تن بیرون کرده و جامهٔ احرام پوشیده اند).

و بر اثر تراشیدن موها و بلند شدن آنها، نیکویی های خلقت خود را زشت کرده اند. خداوند ایشان را [به این امور] آزمود. امتحانی بزرگ، سخت، آشکار و کامل که آنرا سبب دریافت رحمت و رسیدن به بهشت خود گردانید. اگر خداوند سبحان می خواست خانهٔ محترم و معبد های بزرگ کعبهٔ خود را میان باغها و جویها و در زمین نرم و هموار با درخت های بسیار و با میوه های در دسترس و ساختمان های پیوسته و روستاهای نزدیک به هم قرار دهد و در میان گندم سرخ گونه و مرغزار سبز و زمین های پر گیاه بستان دار و کشتزار های تازه و شاداب و راه های آباد جای دهد، مقدار پاداش را به تناسب کمی آزمایش، اندک قرار می گردانید.

اگر پایه هایی که خانه خدا بر آن ها نهاده شده و سنگ هایی که به وسیله آن ها بنا گردیده است از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور بود، چنین ساختمانی در سینه ها شك و تردید را کم می کرد و کوشش و تلاش شیطان را از دل ها بر طرف می ساخت و اضطراب و نگرانی و تردید را از مردم دور می ساخت.

لکن خداوند بندگانش را به سختی های گوناگون می آزماید و با کوشش های رنگارنگ از آنان بندگی می خواهد. او انسان ها را به آنچه پسند طبعشان نیست امتحان می فرماید تا خود پسندی را از دل ها بیرون ببرد و فروتنی را در جان هایشان جای دهد. این آزمایش ها برای انسان ها در های گشوده شده به سوی احسان و بخشش خداست. «(1)

ص: 20

از الطاف بیکران حق تعالی این است که از ابتدا ما را به برکت وجود محمد و آل محمد (علیهم السلام) آفریده است تا به وسیله امتحانات، در دنیا، مستحق نعمت گردیم. اگر این ابتلائات و آزمایش ها، که در رأس آنها غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است نبود، دیگر کسی مستحق پاداش و بهشت نمی شد.

فردی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد که چرا خداوند تمامی خلق را اهل توحید و طاعت نیافرید. امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

«اگر خداوند بندگان را فرمان بردار می آفرید، دیگر ثواب دادن معنایی نداشت؛ چراکه در این صورت طاعت فعل ایشان نبود و بهشت و دوزخی در کار نبود. در عوض او خلق خود را آفرید، به طاعت خود امر نمود، از نافرمانی خویش نهی فرمود، به واسطه پیامبران خود حجت را بر ایشان تمام کرد و با فرستادن کتاب های آسمانی خود، عذر ایشان را قطع کرد تا اطاعت و نافرمانی منتسب به خود انسان ها باشد: با طاعت خود مستوجب ثواب شود و با نافرمانی خویش مستحق عقاب.» (1)

امام معصوم (علیه السلام) درباره حکمت امتحان های الهی می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ بِمَنْنِهِ وَرَحْمَتِهِ لَمَّا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْفَرَائِضَ لَمْ يَقْرِضْ ذَلِكَ عَلَيْكُمْ لِحَاجَةٍ مِنْهُ إِلَيْكُمْ بَلْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ.» (2)

«اگر خداوند متعال به لطف و رحمت خود شما را به انجام واجبات مکلف فرموده به علت این نبوده است که به شما نیازمند باشد؛ بلکه به دلیل مهربانی او بوده است که معبودی جز او نیست. او شما را مکلف فرمود تا انسان های بد و خوب از یک دیگر متمایز گشته و سبقت جسته و در نهایت مقامات شان در بهشت بالا برود.»

ص: 21

1- الإحتجاج علی أهل اللجاج، للطبرسی، 2، 340؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 18 و 10، 170؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 541.

2- الأمالی، للطوسی، 655 و 768؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 315 و 23، 99؛ چرا مرا آفریدند، 28.

امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا) (1) فرمودند:

«لَوْ فَعَلْتُ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَحِقُّوا مِنِّي ثَوَابًا وَلَا مَدْحًا لَكِنِّي أُرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لَيْسَ تَحِقُّوا مِنِّي الرَّزْفَى وَالْكَرَامَةَ وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ.» (2)

«خداوند متعال می فرماید که اگر چنان می نمودم، دیگر [انسان ها] در خورِ مدح و ثواب نبودند و حال آن که من می خواهم آن ها از روی اختیار ایمان آورند تا شایستگی قرب و کرامت و و حیات ابدی در بهشت جاویدان مرا بیابند.»

اگر همه انسان ها از روی جبر به خداپرستی و نبوت و ولایت روی می آوردند، دیگر قرب به خدا و بهشت معنا پیدا نمی کرد. پس امتحان های دنیوی بهترین وسیله برای مشخص شدن درجه قرب انسان ها به خدا و کسب جایگاه های آخرتی است که به فرموده امام صادق (علیه السلام) رسیدن به زیستگاه ابدی وابسته به پیروزی در ابتلائات دنیایی است:

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ.» (3)

«در بهشت جایگاهی است که فرد فقط با مبتلاشدن به امراض جسمی به آن می رسد.»

پس علت اصلی ابتلائات و امتحان ها نیل به رحمت وسیع و بهشت جاودانه خداوند است. همچنین برای این که مشخص گردد در این دنیا چه کسی نیکوکار و

ص: 22

1- «اگر پروردگارت می خواست، تمام اهل زمین ایمان می آوردند.» (سوره مبارکه یونس، آیه شریفه 99)

2- توحید، 342؛ عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، 1، 135.

3- الکافی، الإسلامية، 2، 255؛ الوافی، 5، 770؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9، 335؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 212.

چه کسی بدکردار است تا طبق همان چیزی که در دنیا کاشته است، در آخرت درو کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به معاویه ملعون (لعنت الله علیه) فرمودند:

«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.»

«خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار داد. او مردم را در دنیا آزمایش می کند تا روشن شود چه کسی نیکوکارتر است.»

باید توجه داشت که ما را برای دنیا نیافریده اند؛ بلکه به دنیا آمده ایم تا در آن آزمایش شویم. این مضمون معنای این روایت زیباست:

«الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ.» (1)

«دنیا مزرعه آخرت است [و برداشت محصول آن در آخرت است].»

1-2. آشکار شدن میزان عقل و اخلاص انسان ها

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند:

«مردم از اداء نماز و روزه و دیگر عبادات به اندازه عقل شان پاداش می برند... درجات قرب بندگان به خدا در قیامت به مقدار عقل آن هاست.» (2)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ذیل آیه (لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ) (3) فرمودند:

«هر کسی عقلش کامل تر است ترسش از خدا بیشتر خواهد بود و در نتیجه از اوامر و نواهی پروردگار بهتر اطاعت می کند.»

حضرت در حدیث دیگری فرمودند:

«شما را آزمایش می کنند تا معلوم گردد که کدام يك در محرمات با

ص: 23

1- الكافي، دارالحديث، 3، 38؛ مجموعه ورام، 1، 92؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 5، 159 و

8، 30؛ بحار الأنوار، بیروت، 67، 225 و 70، 148.

2- تفسیر جامع، 7، 236؛ مجمع البیان، 5، 324.

3- «شما را آزمایش می کنند تا مشخص شود که کدام يك از حیث عمل نیکوتر هستید.» (سوره مبارکه ملک، آیه شریفه 2)

تقواتر هستید و واجبات را به سرعت انجام می دهید.»

امام صادق (علیه السلام) نیز درباره آیه دوم سوره ملک فرمودند:

«معنای آیه این است که شما را آزمایش می کنند تا معلوم شود کدام يك بر عمل باقی می مانید و خلوص پیدا می کنید؛ زیرا عمل نیکو و خالص آن است که صاحب آن عمل برای ستایش مردم کاری نکند؛ بلکه فقط به دنبال خشنودی خداوند باشد. نیت انسان بهترین عمل اوست!» (1)

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:

(قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ) (2)

«همه بر طبق نیت خود عمل می کنند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

(لِتُظْهَرَ الْأَفْعَالُ الَّتِي بِهَا يَسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ.) (3)

«امتحان ها الهی برای آن است که افعال سزاوار ثواب و عقاب ظاهر گردند.»

پس عمده آزمایش ها برای آشکار ساختن عقل و اخلاص مردم است که معیار و میزان خلاق برای دریافت امتیاز و پاداش هاست.

2. رسیدن به مقام تسلیم و رضا

از امتحان های الهی گریزی نیست. همه باید زیر آفتاب سوزنده آزمایش ها بایستند تا پس از صبر و استقامت، ابر رحمت پروردگار، سایه توکل و تسلیم و رضا را برای آن ها به ارمغان آورد. این اتفاق فقط با ایمانی خالص که از بوته امتحان بیرون آمده

ص: 24

1- تفسیر جامع، 7، 333؛ اصول کافی، 2، 16، ح4.

2- سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه 84.

3- نهج البلاغه للصبحی صالح، 484؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، 18، 248؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 12، 364؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 215؛ 91، 197.

ممکن است.

یکی از علل امتحان بارور شدن بذره‌های تسلیم و رضا در دل فقرای شیعه و ایجاد روحیه بخشش در اغنیا می باشد. خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

(فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ) (1)

«هنگامی که خدا انسان را برای آزمایش نعمت می بخشد، انسان به خود مغرور می شود و می گوید که خداوند مرا گرامی داشته است.»

چنین تفکری از انسان هایی بر می آید که بصیرتی در دین ندارند. خداوند نیز درباره این انسان های بی بصیرت می فرماید:

(وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ) (2)

«هنگامی که برای امتحان روزی او را بر وی تنگ بگیرد مأیوس می شود و می گوید که پروردگارم مرا ذلیل کرده است.»

اگر با دیده درایت به امتحان های الهی و نظام ابتلائات بنگریم، اهمیت امتحان ها و علت کمبودها را درمی یابیم. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

(لَيْسَ شَيْءٌ فِيهِ قَبْضٌ أَوْ بَسْطٌ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَوْ نَهَى عَنْهُ إِلَّا وَفِيهِ لِيهِ عَزٌّ وَجَلٌّ ابْتِلَاءٌ وَقَضَاءٌ.) (3)

«هیچ گرفتگی یا گشایشی در آنچه خداوند بدان امر کرده یا از آن نهی کرده است صورت نگیرد، مگر این که خداوند عزوجل را از این کار آزمونی و حکمی است.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

(مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اِعْتَبَارًا وَمَا رُؤِيَ عَنْهُ إِلَّا اِخْتِبَارًا.) (4)

«هرچه در دنیا به بنده می رسد برای عبرت گیری خود اوست و هرچه از

ص: 25

1- سوره مبارکه فجر، آیه شریفه 15.

2- سوره مبارکه فجر، آیه شریفه 16.

3- میزان الحکمة، 9، 36؛ التوحید، 3، 354.

4- تفسیر فوات الکوفی، 645؛ الکافی، الإسلامیة، 2، 261؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9،

359؛ بحار الأنوار، بیروت، 9، 69.

او دریغ می شود نیز برای آزمایشش می باشد.»

خداوند متعال ثروت را به بعضی از بندگان به صورت امانت واگذار می کند تا آزمایشی برای آشکار شدن صدق و راستی او در بندگی باشد. در این حالت خدا از بنده خود می خواهد که با دادرسی از برادران دینی اش به کمال برسد. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْفَقِيرُ عِنْدَ الْغَنِيِّ فِتْنَةٌ وَالضَّعِيفُ عِنْدَ الْقَوِيِّ فِتْنَةٌ.» (1)

«تهی دست برای توانگر و ناتوان برای توان مند مایه امتحان هستند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که تنگ دست شود و فقر را خیرخواهی خداوند به خود نشمارد، در خطاست و با این تفکر پاداش های خود را از میان می برد. کسی هم که به ثروت و رفاه دست یابد و از امتحان بودن ثروتش غافل شود، حتماً مؤاخذه خواهد شد.» (2)

امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند متعال روزی ها را کم و زیاد قرار داده است و آن را به فراخ و تنگی قسمت کرده. او در این تقسیم دادگری نموده است؛ زیرا می خواهد آنان را که به تنگی و سختی افکنده است، بیازماید و نیز بفهماند که ثروت مند و مستمند شکرگزار و شکیبیا هستند یا نه.» (3)

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«وَالْفُقَرَاءُ بِمَا مَنَعَهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبَرُوهُمْ.» (4)

ص: 26

1- کنز العمال، 9، 81.

2- چرا مرا آفریدند، 51؛ التمهيص، 48، ح74؛ بحار الانوار، 51، 69.

3- نمونه معارف اسلام، 360؛ لآلی الأخبار، 159، نقلاً عن النهج.

4- الإحتجاج على أهل اللجاج، للطبرسی، 2، 341؛ بحار الأنوار، بیروت، 10، 171؛ عوالم العلوم، 20، 542.

«خداوند متعال فقرا را محروم ساخت تا صبرشان را بیازماید.»

زیرا خشنودی حق تعالی و مراتب عبودیت در صبرکردن بر تقدیرات الهی است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:

«لَوْ لَا أَنِّي أَسْتَجِي مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ مَا تَرَكْتُ لَهُ خِرْقَةً يَتَوَارَى بِهَا لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَكَامَلَ الْإِيمَانَ ابْتَلَيْتُهُ فِي قُوَّتِهِ فَإِنْ جَزَعَ رَدَدْتُ عَلَيْهِ قُوَّتَهُ وَ إِنْ صَبَرَ بَاهَيْتُ بِهِ مَلَائِكَتِي.» (1)

«خدای عزوجل می فرماید که اگر از بنده مؤمنم حیا نمی کردم، حتی لباس هم بر تن او باقی نمی گذاشتم. برای این که ایمان بنده مؤمنم کامل شود او را به ضعف مبتلا می کنم. اگر بی صبری کرد قوتش را برمی گردانم و اگر صبوری کرد و تسلیم بود به وجود او بر ملائکه مباحثات می کنم.»

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اگر شیعیان ما [در راه ابتلائات و امتحان های الهی] استقامت بورزند فرشتگان با آن ها مصافحه می کنند و ابر بر سرشان سایه می افکند. روزشان درخشان می شود و از آسمان و زمین برای شان روزی نازل می گردد. هر درخواستی که از خدا داشته باشند برآورده می شود.»

آری، اگر خدا کسی را دوست داشته باشد، با او به نیکویی رفتار می کند. در این باره فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا.» (2)

«وقتی که خداوند بنده ای را دوست بدارد او را در سختی ها غرق می کند.»

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«خداوند هر قومی را که دوست بدارد به بلا گرفتار می کند.»

ص: 27

1- التمحیص، 45؛ الأمالی، للطوسی، 306؛ مجموعة ورام، 2، 171؛ بحار الأنوار، بیروت، 69، 50؛ چرا مرا آفریدند، 195.

2- اصول کافی، 2، 253.

یکی دیگر از دلایل ابتلائات چشاندن تلخی دنیا به مؤمن است؛ زیرا دنیا و هرچه در آن است امتحانی سخت برای انسان است. لذا اگر انسان خود را اسیر دنیا کند، از حیات ابدی خویش بهره ای نخواهد برد. در حالی که خداوند در قرآن دنیا را متاعی اندک دانسته.

هیچ گاه خداوند متعال دنیا را برای مؤمنین نپسندیده و هرگز به دیده رحمت به آن ننگریسته است. زیبایی های آن را با تلخی و ناملايمات درهم پیچیده است که مؤمن شیفته و دل باخته آن نگشته و از آن متنفر شود و از خوشی ها و تزویر آن چشم بپوشد. خداوند برای نجات مؤمن از دام های فریبنده دنیا چنین امر کرده است:

«ای دنیا، با انواع بلا و گرفتاری بر بنده من ناگوار باش و زندگی را بر او سخت بگیر و برایش چاره سازی مکن تا مبادا به تو دل ببندد.» [\(1\)](#)

تلخ کامی، فقر، مریضی و... به دلیل فرومایگی انسان و ناخشنود بودن خداوند از او نیست؛ بلکه اکرام و ترحمی از جانب خالق به مخلوقین است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«بنده مؤمن نزد خداوند بسیار گرامی است، چنان که حتی اگر بهشت را با تمام آنچه در آن است طلب نماید به او عطا می فرماید و ذره ای از ملک او کم نخواهد شد. ولی اگر به اندازه جای پایش از دنیا طلب کند وی را محروم خواهد ساخت.» [\(2\)](#)

همچنان که طبیب با سفارش پرهیز غذایی به بیمارش باعث سلامتی وی در دنیا می شود، خداوند نیز با مشکلات و سختی ها به روح انسان سلامتی می بخشد. چنان که

ص: 28

1- چرا مرا آفریدند، 189؛ التمهیص، 49؛ بحار الأنوار، 69، 52.

2- چرا مرا آفریدند، 191؛ المؤمن، 21، ح20.

«وَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.» (1)

«خداوند آن چنان که پزشک بیمارش را پرهیز می دهد، مؤمن را از دنیا برحذر می دارد.»

به همین علت است که مؤمن هیچ گاه در دنیا روی خوشی را نخواهد دید تا انزجار از دنیا برای همیشه در دلش باقی بماند. امام صادق (علیه السلام) در این باره به اصحابشان فرمودند:

«الرَّاحَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا مُسْتَحِيلَةٌ.» (2)

«راحتی و آسایش برای مؤمن در دنیا محال است.»

یکی دیگر از دلایل سخت بودن دنیا برای مؤمن آن است که حکمت الهی بر اساس مصلحت هایی بر این قرار گرفته است که شادی در دنیا پایدار نماند. در جمع مؤمنان هر خنده ای به گریه و هر بازی و لغوی به سختی و شدائد و هر خوشی به اندوه مبدل خواهد گشت. لذا مؤمنین اهل بصیرت هیچ گاه فریب خوشی ها و سلامتی ها و ثروت های فراوان را که به دلیل آزمایش به آن ها سپرده شده است، نمی خورند. هیچ منصبی آن ها را نمی فریبد؛ زیرا همه اینها را عاریه و زودگذر و به عنوان آزمایش می بینند. پس شایسته است در روزگار خوشی ها پا را از حد خود فراتر نگذاریم؛ چراکه فرموده اند:

«وَلَا يَبْطُرُ فِي الرَّخَاءِ.» (3)

«مؤمن در آسایش دست خوش شادمانی ها نمی شود.»

زیرا مؤمن دریافته است که هر نوعی از شادمانی در دنیا روزی به اندوه و نابودی

ص: 29

1- الكافي، الإسلامية، 2، 255؛ الوافي، 5، 769؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، 9، 336؛ بحار الأنوار، بيروت، 64، 213 و 197، 78.

2- أعلام الدين في صفات المؤمنين، 278؛ بحار الأنوار، بيروت، 78، 195.

3- الكافي، الإسلامية، 2، 230؛ الوافي، 4، 155؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)، 9، 220؛ بحار الأنوار، بيروت، 64، 367.

مبدل می گردد. امام معصوم (علیه السلام) می فرماید:

«الْبَطْرُ يَسْلُبُ النِّعْمَةَ وَ يَجْلِبُ النِّقْمَةَ.» (1)

«خوش حالی زیاد نعمت ها را سلب و بلا یا را جلب می کند.»

نباید نعمت سلامتی و ثروت انسان را مغرور و مست گرداند؛ چراکه به فرموده حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شکست محکوم خواهد شد:

«بِقَدْرِ الشُّرُورِ يَكُونُ التَّنْغِيسُ.» (2)

«شکست ها به مقدار شادمانی هاست.»

همچنین در این باره فرموده اند:

«كَمْ مِنْ فَرِحٍ وَفَدَّ بِهِ فَرَحُهُ عَلَى حُزْنٍ مُخَلَّدٍ.» (3)

«چه بسا ساعتی خوش گذرانی که اندوهی دائمی به بار می آورد.»

بلا موجب رفع کبر و غرور می شود

یکی دیگر از حکمت های امتحان که در واقع عنایت خاص حق تعالی به بندگان است، زدودن صفت رذیلۀ کبر و غرور از قلوب مؤمنین است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند بندگان را با انواع سختی ها می آزماید و به انواع زحمت ها متعبد می سازد و به دشواری های گوناگون گرفتار می کند تا تکبر از قلوب شان رخت بر بسته و فروتنی در نفوس شان مسکن گزیند.» (4)

ص: 30

1- غرر الحکم و درر الکلم، 129؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 456.

2- عیون الحکم و المواعظ، 187؛ غرر الحکم و درر الکلم، 300؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 303.

3- عیون الحکم و المواعظ، 380؛ غرر الحکم و درر الکلم، 514.

4- چرا مرا آفریدند، 26؛ بحار الأنوار، 14، 469، ح 37؛ نهج البلاغه، خطبه 234؛ بحار الأنوار، 6، 114.

درباره زشتی کبر می فرمایند:

«قَالَ اللهُ... سُوءٌ عَاقِبَةُ الْكِبْرِ.» (1)

«خدا را خدا را... درباره عاقبت و خیم کبر. در نظر داشته باشید که کبر دام بزرگ شیطان و افسون عظیم اوست که چون زهرهای کشنده به دل های مردمان هجوم می آورد.»

صفت کبر که از بزرگ ترین موانع رسیدن به کمالات و قرب الهی است. به وسیله ابتلائات محو می گردد و رسیدن به رضوان جاودانه را آسان می گرداند. حضرت در ادامه روایت پیشین غوطه ور شدن در ورطه بلایا را راه رسیدن به رحمت خداوند می داند:

«وَلِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَىٰ فَضْلِهِ وَ أَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ.» (2)

«قطعاً بلایا را درهای گشوده به سوی فضلش و بهانه ای برای عفو قرار داد.»

بلا؛ سبب قرب

از جمله حکمت های امتحان توجه بنده به خدا و در نتیجه قرب وی به اوست. وقتی دل به وسیله راز و نیاز و تضرع و انابه متوجه خداوند متعال و ائمه اطهار (علیهم السلام) می گردد، یعنی به حالتی دست یافته است که به خدای متعال نزدیک شده. مؤمن برای خلاصی از مصیبت ها، به ناچار، به درگاه خدای متعال و ذوات مقدسه (علیهم السلام) دست نیاز برمی دارد و برای اجابت دعا به گناهانش پشت می کند تا بدین سبب قربی برای او حاصل شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند که خدای متعال می گوید:

«اگر بر بنده مؤمنم تنگ بگیرم غمگین می گردد. در حالی که آن مشکل

ص: 31

1- چرا مرا آفریدند، 26؛ نهج البلاغه، خطبه 232؛ نهج البلاغه للصبحی صالح، 294؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، 13، 163؛ بحار الأنوار، بیروت، 6، 115 و 14، 471.

2- الکافی، الإسلامیة، 4، 201؛ نهج البلاغه للصبحی صالح، 294؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 17، 31؛ بحار الأنوار، بیروت، 6، 115 و 14، 471.

اورا به من نزدیک تر می کند. همچنین اگر [به او] وسعت بدهم شادمان می شود. در حالی که آن وسعت او را از من دورتر می کند.» (1)

در چند جای قرآن به این موضوع اشاره شده است:

«ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شدائد و محنتها مبتلا ساختیم تا شاید به درگاه خدا تضرع و زاری کنند»

«همانا ما آل فرعون را به قحطی و کمبود محصولات ماخوذ داشتیم تا مگر متذکر گردند. [به خودشان بیایند]» (2)

(..فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ) (3)

«آنها را به سختیها و دشواریها افکندیم تا اینکه به تضرع و زاری درآیند»

(..إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ) (4)

«این که اهل آنها را به سختیها و دشواریها افکندیم تا شاید تضرع و زاری کنند»

(أَوْ لَا يَرُونَ أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ) (5)

«آیا آنها نمی بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می شوند، باز توبه نمی کنند و متذکر هم نمی شوند؟» (6)

سیاق آیات و روایات نشان می دهد که هدف خدای متعال از نزول بلا و امتحان، بازگشت انسان به طرف خدا و ائمه (علیهم السلام) است. انسان به وسیله فشارها دست به دعا و

ص: 32

1- الکافی، 2، 141، ح 5.

2- سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه 130.

3- سوره مبارکه، انعام آیه شریفه 42.

4- سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه 94.

5- سوره مبارکه توبه، آیه شریفه 126.

6- تفسیر جامع، 2، 599.

تضرع برمی دارد و به همین سبب ارتباط قلبی اش با خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر می گردد. اگر توبه به صورت حقیقی صورت بگیرد این ارتباط سامان یافته و در هدایت فرد نقشی اساسی ایفا می کند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (1)

«اگر مردم آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزگار می شدند، درهای برکات آسمان ها و زمین را به روی شان می گشودیم.»

جنبه دوم بلا:

ب: ثمره اعمال انسان:

1. گناه

طبق فرمایش امام معصوم (علیه السلام) یکی از اسباب نزول بلا ارتکاب گناه است. در واقع بلا برای شست و شوی نفس انسان است؛ زیرا قرب و بهشت الهی پاکی نفس انسان را می طلبد. خداوند متعال انسان را به سبب مهربانی خود به این دریای پاک کننده وارد می گرداند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لَيَذْهَبُ بِذُنُوبِ الْمُسْلِمِ.» (2)

«غصه گناه مسلمان را از بین می برد.»

اثر وضعی هیچ مؤثری زودتر از گناه بر انسان هویدا نخواهد شد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اثر کردار ناشایست بر نفس از تأثیر کارد بر گوشت شدیدتر است.» (3)

ص: 33

1- سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه 96. البته در تفاسیر، ذیل این آیه آمده است که هدف اول این آیه، خلفای غاصب و همکاران شان می باشد که اگر علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) طغیان نمی کردند و ایمان می آوردند، برکات آسمان ها و زمین را به سوی خود می گشودند؛ اما تکذیب کرده و کافر شدند.

2- الدعوات، راوندی، 120؛ بحار الأنوار، بیروت، 70، 157.

3- اصول کافی، 2، 273، ح16؛ بحار الأنوار، 91، 197.

2. بیداری از خواب غفلت و توبه کردن

گناه مانعی بزرگ برای رسیدن به عقلانیت است. خداوند متعال نیز گناهان مؤمن را به وسیله سختی‌ها از جلوی راه کمال وی برمی‌دارد. امام معصوم (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند:

«اگر خداوند متعال نظر خوبی به بنده‌ای که گناه کرده داشته باشد، او را به بلاها مبتلا می‌کند تا از آن معصیت توبه کند.»

سپس در ادامه می‌فرمایند:

«و اگر اراده خوبی به بنده‌ای نداشته باشد، پس از گناه کردن شخص به او نعمتی عطا می‌کند تا در آن غرق گشته و از استغفار غافل شود و در نهایت با همان حال از دنیا برود.» (1)

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«اگر دیدی خداوند پیوسته برای تو بلایی می‌فرستد، یعنی تو را بیدار کرده است و اگر دیدی پی در پی به تو نعمت می‌دهد و تو مشغول گناهی، یعنی به استدراج گرفتار آمده‌ای.» (2)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره چگونگی نزول تقدیرات و حوادث بین مؤمن و منافق فرمودند:

«مؤمن مانند گیاه تازه روییده است: همان طور که این گیاه دست خوش بادهای می‌شود، امراض و دردها هم مؤمن را اسیر خود می‌کند. اما منافق مانند چوب خشکیده است که هیچ چیز در او اثر نمی‌کند تا این که زمان مرگش برسد و کاملاً در هم شکند.»

بلا برای مؤمن سراسر خیر است. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

ص: 34

1-، تفسیر جامع، 7، 599.

2- غرر الحکم، 101.

«خداوند دوستانش را در آن هنگام که گناهانشان انباشته گردد به وسیله فقر پاك می کند. البته از بسیاری از گناهان آن ها نیز می گذرد.»

(1)

تمام گرفتاری ها برای مؤمنین به منزله نعمت و رحمت خداست. از امام حسن عسکری (علیه السلام) منقول است که:

«پیرامون هر بلایی نعمتی نهفته است.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَفْعَلُ عِبَادِهِ إِلَّا الْأَصْلَحَ لَهُمْ وَلَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.» (2)

«خداوند متعال فقط آنچه به صلاح بندگان است انجام می دهد. او به مردمان ستم روا نمی دارد؛ بلکه خود مردمان هستند که به خویش ستم می کنند.»

بلا مطابق عمل کرد انسان هاست

می توان نتیجه گرفت که نزول بلاها از منظری به نفع آدمی می باشد؛ چراکه علاوه بر پاک نمودن گناهان فرد، تذکر و تلنگری بر ذهن به خواب رفته بشر و قرارگیری وی در صراط حق می باشد.

همان طور که اعمال خیر سبب دفع بلاها می شوند، اعمال ناپسند نیز، در همین دنیا، آثار وحشتناکی را به دنبال دارند. یکی از آثار کردار زشت عقابی است که برای محبین اهل بیت (علیهم السلام) در همین دنیا وضع می شود تا هنگام مرگ گناهی بر گردن شان نباشد. تحمل فقر و مریضی و دیگر شدائد، لکه های گناه را از دامن مؤمن پاك می کنند و مؤمن را مستحق زیست ابدی در بهشت می گردانند. قرآن مجید در این باره

ص: 35

1- بحار الأنوار، 50، 299، ح 1.

2- خصال، 2، 399؛ علل الشرائع، 1، 16؛ روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، 13، 24؛ بحار الأنوار، بیروت، 58، 134؛ التوحيد، صدوق، 403.

می فرماید:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ) (1)

«هر مصیبتی که به شما می رسد نتیجه عمل خودتان است. البته خداوند بسیاری از آنها را می بخشد.»

باید توجه داشت که خداوند خداوند متعال به دلیل رحمت بی کرانش از بیشتر گناهان انسان چشم پوشی می کند. اما در بعضی از مواقع برای مصلحتی مثل تربیت مؤمن، او را به گرفتاری مبتلا می سازد. قرآن در این رابطه می فرماید:

«هر خیری که به تو رسیده از جانب خداوند به تو عطا شده و هر شری که بر تو فرود آمده است از ناحیه خودت می باشد.» (2)

شایان ذکر است که بلاها برای ائمه اطهار (علیهم السلام) و انبیاء و اولیاء، به جهت ترفیع مقام آن هاست. در خبر آمده است که یزید (لعنت الله علیه) با طعنه به امام سجاد (علیه السلام) عرض کرد:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ.)

«هر مصیبتی که به شما می رسد نتیجه عمل خود شماست.»

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«این آیه درباره ما اهل بیت (علیهم السلام) نازل نشده است؛ بلکه آیه (مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ) (3) در حق ما نازل شده است. ما اهل بیت (علیهم السلام) بر آنچه از ما فوت شده تأسف نمی خوریم و به آنچه به ما داده شده است، خوشحال نمی شویم؛ بلکه تسلیم امر پروردگار هستیم.»

اما برای ضعفای شیعه و تقریباً عموم مؤمنین همین فرمایش قرآن و

ص: 36

1- سوره مبارکه شوری، آیه شریفه 30.

2- سوره مبارکه نساء، آیه شریفه 79.

3- سوره مبارکه حدید، آیه شریفه 22.

معصومین (علیهم السلام) صادق است. خداوند متعال می فرماید:

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (1)

«به سبب گناهایی که مردم مرتکب شدند، فساد دریا و خشکی را فراگرفت تا جزای بعضی از اعمال شان را به ایشان بچشانیم تا مگر بازگردند و توبه کنند.»

در آیه دیگری نیز فرمود:

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (2)

«زیرا خداوند هرگز نعمتی را که به قومی عطا کرده باز پس نگیرد، مگر این که در خودشان تغییر ایجاد نمایند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرمودند:

(وَإِنَّمَا اللَّهُ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ) (3)

«به خدا سوگند که نعمت های گوارا فقط به سبب گناهان از مردم سلب می شود؛ چراکه خداوند هرگز بر بندگانش ستم روا نمی دارد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

(مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَىٰ عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِلَّا حَتَّىٰ يُذْنِبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ) (4)

«خداوند نعمت را فقط در صورتی که فرد مرتکب گناه گردد از او سلب می کند.»

همچنین فرمودند:

«فقط به سبب گناهان است که رگ ها می جنبند و مرضی ها پدید»

ص: 37

1- سوره مبارکه روم، آیه شریفه 41.

2- سوره مبارکه انفال، آیه شریفه 53.

3- نهج البلاغه، خطبه 178؛ بحار الأنوار، 6، 57.

4- بحار الأنوار، 73، 339.

می آید.» (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«انسان مرتکب گناه می شود و خداوند بر اثر آن روزی او را قطع می کند.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«گناه بنده را از رزق محروم می کند.» (3)

پس با توجه به این فرموده ها و دلایل عقلی، معلوم می شود که علت بسیاری از گرفتاری ها و مستجاب نشدن دعاها گناهان خود انسان است. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«بنده ای حاجتی را درخواست می کند. سپس اراده خدا بر آن قرار می گیرد که آن را تا زمانی نزدیک یا طولانی برآورده کند. پس آن بنده در آن هنگام گناه می کند. از آن رو خداوند به ملکی امر می کند که حاجتش را برآورده نکند؛ زیرا او مرا ناخشنود کرده و سزاوار محرومیت است.» (4)

امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ.»

«هرکسی بدی کند به سزای آن خواهد رسید.» (5)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يَدَّكُرُ لِبَلَاءٍ يُصِيبُهُ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ بِشَيْءٍ فِي مَالِهِ

ص: 38

1- بحار الأنوار، 73، 31.

2- تفسیر جامع، 3، 31.

3- کافی، 2، 274.

4- ثواب الأعمال و عقابها، 557.

5- سوره مبارکه نساء، آیه شریفه 123.

وَوُلْدِهِ لِيَأْجُرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَوْ بِهِمْ لَا يَدْرِي مِنْ أَيْنَ هُوَ.» (1)

«مؤمنی نیست که چهل شب بر او بگذرد مگر آن که از چیزی ناراحت شود تا در برابر آن پاداش دریافت کند. کمترین آن ناراحتی اندوهی است که نمی داند چگونه و از کجا آمده است.»

عموم مشکلات برای پاک شدن از گناه و آسودگی در قیامت است، چنان که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هیچ کس در دنیا به بلایی گرفتار نمی شود مگر در برابر گناهی که کرده. خدای متعال کریم تر از آن است که روز قیامت او را برای آن گناه بازخواست نماید.» (2)

بیشتر بلاها برای محبین اهل بیت (علیهم السلام) کفاره گناهان شان است؛ زیرا امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْحُزْنِ لِيُكَفِّرَ عَنْهُ ذُنُوبَهُ.» (3)

«هنگامی که گناهان بنده ای زیاد شود و دستش از کفاره آن خالی باشد، خداوند او را به غم مبتلا می کند تا گناهان او آمرزیده شود.»

برای رهایی از این رنج راهی جز پاک شدن از گناه وجود ندارد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَزَالُ الْغُومُ وَالْهُمُومُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا تَدَعَ لَهُ ذَنْبًا.» (4)

«غم ها تا زمانی که تمامی گناهان مؤمن را از بین نبرند او را رها نخواهند کرد.»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

ص: 39

1- ترجمه کتاب المؤمن، 39؛ بحار الأنوار، 67، 241؛ مستدرک الوسائل، 2، 434.

2- نهج الفصاحه، 555.

3- مجالس مفید، 22، ح 50، بحار الأنوار، 64، 234.

4- مستدرک الوسائل، 11، 332؛ بحار الأنوار، 64، 242.

«سَاعَاتُ الْهُمُومِ سَاعَاتُ الْكَفَّارَاتِ.» (1)

«لحظه های اندوه لحظه های آمرزش هستند.»

نیز فرمودند:

«سَاعَاتُ الْوَجَعِ يَذْهَبْنَ سَاعَاتِ الْخَطَايَا.» (2)

«ساعات رنج ساعات خطاها را از میان می برند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«اِحْذَرُوا الدُّنُوبَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ فَيُحْبَسُ عَنْهُ الرَّزْقُ.» (3)

«از گناهان پرهیزید که نقصان در رزق به سبب معصیت است.»

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«گاهی انسان گناهی می کند که در پی آن روزی او قطع می شود.»

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:

«إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ» (4)

«هنگامی که صاحبان باغ سوگند یاد کردند که صبحگاهان میوه ها را بچینند و اجازه ندهند حتی يك نفر غیر از آن ها استفاده کنند، بلایی

از سوی پروردگارت بر آن باغ مسلط شد و آن را نابود ساخت.» (5)

از آن جایی که نیت مؤمن از عمل او مهم تر است، گاهی حتی به دلیل نیت ناپسندش از نعمت های الهی محروم می شود. امام صادق

(علیه السلام) فرمودند:

ص: 40

1- چرا مرا آفریدند، 132؛ الفتية، 4، 393؛ الوافی، 26، 239؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 244؛ مکاتیب الأئمة (علیهم السلام)، 2، 211.

2- بحار الأنوار، 64، 244؛ مستدرک الوسائل، 2، 61؛ چرا مرا آفریدند، 132.

3- خصال، 2، 161؛ بحار الأنوار، 73، 351.

4- سوره مبارکه قلم، آیه شریفه 17.

5- تفسیر الصافی، 5، 212؛ البرهان فی تفسیر القرآن، 5، 459؛ بحار الأنوار، بیروت، 5، 212 و 6، 54.

«اگر مؤمن نیت گناه کند از روزی محروم می شود.» (1)

توبه

وقتی که فرزند خانواده مرتکب اعمال ناشایست می شود، ابتدا از او می گذرند. اما با ادامه آن، پدر و مادر برای محافظت از وی، مجبور به تأدیب فرزند شده و از راه هایی مانند تهدید، ترس، محرومیت و... بهره می گیرند. لذا تأدیب برای آزار کودک نیست؛ بلکه برای اصلاح وی می باشد. خداوند متعال نیز با این که عفو را سرلوحه عمل خود قرار می دهد؛ اما گاهی برای آگاه کردن بنده اش او را دچار بلاهایی می کند تا راه سعادت را برگزیند. این به سبب علاقه خداوند به مؤمن است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«بر مؤمن چهل شب نمی گذرد مگر آن که به حادثه ای دچار می گردد و باعث ناراحتی و غمگینی اش می شود. با این اتفاق او متنبه می شود و به تضرع می افتد.» (2)

تضرع به معنای توبه و انابه از خطا و استغاثه برای نجات از بیچارگی است.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ذیل آیه بیست و پنجم سوره مبارکه شوری می فرمایند:

«پروردگار با توبه بنده مؤمن از شخصی که گم شده خود را بیابد یا تشنه ای که به آب سرد خوشگوار برسد بیشتر خوش حال می شود. هرگاه گناهکاری توبه نصوح کند، خدای تعالی گناهان او را از یاد مأمور ثبت اعمال هم می برد.» (3)

خداوند در سوره مبارکه نوح می فرماید:

ص: 41

1- ثواب الأعمال و عقاب، ترجمه فارسی، 562.

2- الکافی، 2، 254، ح 11؛ وسائل شیعیه، 12، 122.

3- تفسیر جامع، 6، 24.

(وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا) (1)

«استغفار کنید تا خداوند شما را به ثروت بسیار و پسران متعدد کمک فرماید و باغ های خرم و نهلهای جاری به شما عطا کند.»

فردی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد که خدا به من فرزندی عطا نمی کند. حضرت با استناد به آیه بالا فرمودند:

«اسْتَغْفِرُ رَبِّي فِي السَّحَرِ مِائَةً مَرَّةً فَإِنْ نَسِيَتْهُ فَأَقْضِهِ.» (2)

«هر شب صد مرتبه استغفار کن و اگر فراموش کردی در روز بگو.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«زیاد استغفار کنید تا روزی را به سوی خود جلب کنید.» (3)

البته استغفار باید حقیقی و همراه با ندامت باشد. فرد باید پس از توبه در سدد رفع نقایص خویش و انجام اعمال صالح بر بیاید. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرمودند:

«کسی که بدون عمل دعا کند همانند کسی است که با کمان بدون زه تیر می اندازد.» (4)

اسرار بیماری ها

یکی از موثرترین عوامل زدودن گناه تحمل بیماری هاست. اولین لطفی که در حق بیمار یا فقیر جاری می شود آمرزش گناهان اوست. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند تبارک و تعالی فرموده است که سوگند به عزتم، رحمتم را فقط در صورتی بر بنده ای نازل می کنم که یا به وسیله تنگی در معاش

ص: 42

1- سوره مبارکه نوح، آیه شریفه 12.

2- تفسیر جامع، 7، 292؛ اصول کافی، 6، 9.

3- تفسیر نورالثقلین، 5، 424.

4- عدة الداعی، 171.

یا به وسیلهٔ مرضی در جسمش یا با ترسی که بر او وارد می‌سازم، در دنیا پاک کرده باشم. چنانچه چیزی باقی مانده باشد، جان دادن را بر او سخت می‌کنم.»

خداوند متعال درباره افراد بی‌دین نیز می‌فرماید:

«سوگند به عزتم که اگر بخواهم بنده‌ای را عذاب کنم، تمامی حسناتش را در دنیا به توسعهٔ در معاش یا سلامتی در جسمش یا ایمنی در زندگی اش پاداش می‌دهم. پس اگر چیزی باقی مانده باشد جان دادن را بر او آسان می‌کنم.» (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«همانا خداوند متعال برای گرفتن آزمایش از بندهٔ مؤمنش و ابلاء او به بلا تعهد داده است. (حکمی حتمی داده)، همان طور که مرد متعهد بر گرفتن هدیه و چشم روشنی برای خانواده خود است و پزشک متعهد بر حمایت از مریضش.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اگر خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد فرشته‌ای را بر او نازل می‌کند و به او می‌گوید که او را مریض گردان و در شدت بلاها قرارش بده تا مرا یاد کند؛ زیرا دوست دارم که صدا و نالهٔ او را بشنوم. اما اگر کسی را دوست نداشته باشد به او وسعت مال و سلامتی می‌دهد تا صدایش را نشنود.» (3)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دربارهٔ آموزش گناهان به وسیلهٔ تحمل رنج بیماری فرمودند:

«بیماری گناهان را محو می‌کند.» (4)

همچنین فرمودند:

ص: 43

1- مستدرک الوسائل، 11، 331، ح 13180؛ ترجمه کتاب المؤمن.

2- ترجمه کتاب المؤمن، 37؛ الکافی، 2، 258، ح 28؛ وسائل الشیعه، 3، 265.

3- مستدرک الوسائل، 2، 56، ح 1394؛ ترجمه کتاب المؤمن، 49.

4- جامع الأحادیث، قمی، 85.

«لحظه های درد لحظه های گناه را از میان می برد.» (1)

و نیز فرمودند:

«هرگاه مؤمنی به بیماری جان کاهی مبتلا گردد گناهانش بخشوده می شود.» (2)

همچنین بیان داشته اند:

«خداوند هرکسی را که به گرفتاری جسمی بیازماید، آن گرفتاری مایه فروریختن گناهان او خواهد شد.» (3)

و نیز فرمودند:

«چون بنده بیمار شود، خداوند متعال به فرشتگان خویش وحی می کند که ای فرشتگانم، من بنده ام را به بندی از بندهای خویش گرفتار ساختم. اینک اگر جاننش را بستانم او را می آمرزم و اگر او را عافیت بخشم، درحالی از بستر برمی خیزد که هیچ گناهی ندارد.» (4)

همچنین فرموده اند که:

«اگر بیماری دامن گیر بنده ای شود و او را از آنچه تن درستان انجام می دهند باز دارد، آن بیماری کفاره گناهانش می شود و هرچه پس از آن انجام دهد بر کفه اعمالش می افزاید.» (5)

در سخن دیگری آمده است:

«گاه به بنده مصائبی می رسد تا زمانی که بر زمین گام برمی دارد، گناهی

ص: 44

1- الجعفریات، 245.

2- الفردوس، 4، 27، ح 6082.

3- مسند ابن حنبل، 1، 414، ح 1690.

4- المستدرک علی الصحیحین، 4، 348، ح 7871.

5- اسد الغابة، 3، 256.

به گردن نداشته باشد.»

نیز فرمودند:

«چهار تن هستند که اعمال خویش را در حالی که هیچ گناهی بر آنان نمانده است از نو آغاز می کنند: بیماری که بهبود یابد؛...» (1)

یکی از فوائد بیماری ایجاد حالت تضرع در برابر خداست. از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمودند:

«گاه بنده بیمار می گردد. پس دلش نازک می شود و برخی از گناهانی را که از او سر زده است به یاد می آورد و قطره اشکی، هر چند کوچک، از دیدگانش سرازیر می شود. آن گاه خداوند متعال او را از گناهانش پاک می سازد. پس اگر او را از این بستر بیماری برخیزاند او را پاک شده برمی خیزاند و اگر جانش را بستاند پاکیزه شده می ستاند.» (2)

البته شایان ذکر است که پاکیزگی از معاصی مختص مؤمنین است. امام رضا (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«بیماری برای مؤمن تطهیر و رحمت است و برای کافر عذاب و لعنت. بیماری همدم مؤمن می ماند تا هنگامی که هیچ گناهی بر گردن وی نباشد.» (3)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره سر مبتلا شدن به بیماری فرمودند:

«بیماری تازیانه خدا در زمین است که با آن بندگان خویش را ادب می کند.» (4)

همچنین می فرمایند:

«اگر سه چیز در آدمیزاد نبود، هیچ چیز سر او را فرود نمی آورد:

ص: 45

1- النوادر، راوندی، 150.

2- معجم السفر، 387، ح 1309.

3- ثواب الأعمال، 229.

4- کنز العمال، 3، 306، ح 6680.

بیماری؛ تهی دستی؛ مرگ. اینها، همه، در انسان هست و با این حال انسان همچنان گستاخ است.» (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«اگر تن بیمار نشود به سرمستی می گراید و در آن تنی که به سرمستی گراییده هیچ خیری نیست.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اگر بنا بود هیچ درد و رنجی به انسان نرسد، به کدامین وسیله از زشتی‌ها دامن درمی کشید و در برابر خداوند فروتنی می کرد و با مردم مهربانی می ورزید؟ آیا نمی بینی هنگامی که دردی دامن گیر انسان می شود فروتن می گردد و سر تسلیم فرود می آورد و بر درگاه پروردگار خویش عافیت می جوید؟»

نقل است که امام سجاد (علیه السلام) در اهمیت زدودن صفت کبر فرمودند:

«إِنَّ الْجَسَدَ إِذَا لَمْ يَمْرُضْ يَأْشُرْ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ يَأْشُرُ.» (3)

«اگر جسم بیمار نشود متکبر خواهد شد و در جسم متکبر خیری نیست.»

مهر حق تعالی بر بیماران

پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«بیماری‌ها هدایایی از جانب خداوند به بنده است. پس محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند متعال کسی است که بیشترین هدیه به وی رسیده

ص: 46

1- الخصال، 113، ح 89.

2- مشکاة الأنوار، 487، ح 1626.

3- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، 280؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام)، 2، 102؛ الدر النظیم فی مناقب الأئمة (عليهم السلام) اللهمم، 587؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 158.

باشد.» (1)

هرچه بنده به خدا نزدیک تر باشد، بلايا بیشتر او را دربرمی گیرد؛ زیرا بعضی از بندگان فقط با مبتلاشدن به بیماری درجات قرب را طی می کنند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«انسان گاه دارای مرتبه ای در پیشگاه خداوند متعال است که با عمل خویش بدان نمی رسد تا آن هنگام که به ابتلایی در جسم خود آزموده شود و به این واسطه به آن مرتبه برسد.» (2)

همچنین فرمودند:

«بیماران دوستان خدا هستند.» (3)

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره نزول رحمت الهی بر بیماران فرمودند:

«هرکس بیمار شود یا به سفر برود پاداشی همانند دوران تن درستی و اقامت در وطن دریافت می کند.» (4)

هرگاه مسلمانی به گرفتاری جسمی مبتلا می شود خداوند متعال به فرشتگان خویش می فرماید:

«برای او پاداش بهترین کارهایی را که در دوران تن درستی انجام می داده بنویسید.» (5)

اگر خداوند متعال بنده مسلمان را به بلایی جسمانی گرفتار سازد، به فرشتگان خود می فرماید:

«برای او عمل صالحی را که پیش تر انجام می داده است، بنویسید.» (6)

ص: 47

1- الفردوس، 1، 123، ح 422.

2- الدعوات، 172، ح 483.

3- الفردوس، 3، 157، ح 4424.

4- المعجم الأوسط، 1، 82، ح 236.

5- الأمالی، طوسی، 384، ح 832.

6- مسند ابن حنبل، 4، 297، ح 12505.

در حدیثی آمده است:

«برای بیمار چهار ویژگی است: قلم تکلیف از او برداشته می شود؛ خداوند متعال به فرشته ای فرمان می دهد که همه پاداش آنچه در دوران تن درستی خویش انجام می داده است، بنویسد؛ بیماری وی بر همه اندام هایش گذر می کند و گناهانش را از بین می برد. پس اگر بمیرد آمرزیده می میرد و اگر زنده بماند آمرزیده زندگی می کند.» (1)

خداوند متعال به حضرت داود (علیه السلام) وحی فرمود:

«چه بسا بنده ای را بیمار می کنم و در نتیجه آن نماز و خدماتش کم می شود. صدای او که مرا در همان سختی می خواند، برای من از صدای نمازگزاران محبوب تر است.» (2)

روایت شده است که دو فرشته از آسمان به زمین آمدند و بنده مؤمن درست کاری را در جای نماز خویش که همواره در آن نماز می گزارد جستند تا برای وی عمل آن شب و روزش را بنویسند؛ اما وی را در مصلاهی خویش نیافتند. پس به آسمان بازگشتند و گفتند: «پروردگارا، فلان بنده مؤمن را در مکان نمازش جستیم؛ ولی نیافتیم. بلکه او را در بند بیماری دیدیم». خداوند متعال به آنان فرمود: «تا زمانی که بنده ام در بند من است، برای او در هر شب و روز، همانند آنچه در دوران تن درستی اش انجام می داد بنویسید.» (3)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«چون در هر شامگاه دو فرشته مأمور بر بنده بیمار به آسمان می روند، پروردگار تبارک و تعالی می پرسد که برای بنده ام در بیماری اش چه

ص: 48

1- ثواب الأعمال، 230، ح 1.

2- بحار الأنوار، 81، 192.

3- الکافی، 3، 113، ح 1.

نوشته اید؟ آنان می گویند که نالیدن. سپس خداوند متعال می فرماید که با بنده خویش انصاف روانداشته ام. او را در بازداشتی از بازداشت های خود زندانی بدارم و مانع نالیدن او هم بشوم؟ پس به فرشتگان می فرماید که برای بنده ام همانند آن کارهای نیکی که در دوران تن درستی اش انجام می داد بنویسید و تا هنگامی که وی را از بازداشت خویش آزاد نکرده ام گناهی برای او ننویسید؛ چراکه او اکنون در زندانی از زندان های من است.» (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«زمانی که خداوند متعال بخواهد بنده گناه کاری را گرامی بدارد، وی را به بیماری گرفتار می سازد.» (2)

باید توجه داشت که سختی ها عامل بسیار مهمی در از بین بردن گناهان است. در این باره فرموده اند:

«باید از خداوند متعال شاکر بود که بیماری ها را سبب شستن گناهان قرار داده است.»

امام سجاد (علیه السلام) خطاب به بیماری که بهبود یافته بود فرمودند:

«پاك شدن از گناهان بر تو مبارك باد. خدای متعال تو را یاد کرده است. او را یاد کن. او از تو درگذشته است. او را سپاس گوی.» (3)

آنچه از احادیث فهمیده می شود آن است که تحمل کردن رنج و بی قراری نکردن در شفایافتن بیماری بسیار مؤثر است. چه بسا شکایت از خدا برای سختی ها و بیماری ها مؤمن را از دایره تسلیم و رضا خارج کند. امام محمد باقر (علیه السلام) خطاب به فرزند گرامی شان، امام جعفر صادق (علیه السلام)، فرمودند:

«پسرم، هرکس بلایی را که بدان گرفتار آمده است از مردم پنهان بدارد

ص: 49

1- الکافی، 3، 114، ح 5.

2- الکافی، 2، 444، ح 1.

3- تحف العقول، 280.

و تنها به درگاه خداوند متعال بنالد، بر خداوند متعال حق است که او را از آن بلا به عافیت برهاند.» (1)

ص: 50

1- مکارم الأخلاق، 2، 238، ح 2574.

تحلیلی دربارهٔ احادیث وارد شده دربارهٔ پاداش بیماری‌ها

مرحوم سید رضی (رحمة الله) در ذیل حکمت چهل و دوم "نهج البلاغه" که حضرت فرموده اند: «خداوند آن رنجی را که داشته ای مایهٔ ریختن گناهانت قرار دهد؛ چراکه در بیماری پاداشی نیست.»، چنین می نویسند:

«امام (علیه السلام) راست فرموده اند که در بیماری اجری نیست؛ چراکه بیماری از قبیل چیزهایی است که بنده به موجب آن مستحق عوض می شود؛ زیرا استحقاق عوض در مقابل چیزهایی پیدا می شود که فعل خداوند متعال با بندهٔ خویش باشد. اما استحقاق ثواب در مقابل فعل بنده تحقق می یابد. بنابراین میان این دو تفاوتی وجود دارد که آن حضرت بیان فرموده اند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به یکی از یاران خویش که به بیماری گرفتار شده بود فرمودند:

«خداوند متعال آن دردی را که داشته ای مایهٔ ریختن گناهانت قرار دهد؛ چراکه در بیماری پاداشی نیست؛ اما گناهان را فرومی کاهد و همچون برگی که از درخت می ریزد، از انسان فرو می ریزد. پاداش در برابر نیت قلبی نیک و به زبان آوردن خوبی‌ها و عمل خیر است که خداوند سبحان هر یک از بندگان خویش را که بخواهد، با راستی نیت به بهشت درمی آورد.» (1)

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) جناب سلمان فارسی (رحمة الله) را عیادت کردند و فرمودند که ای ابوعبدالله، در چه حالی؟» جناب سلمان (رحمة الله) عرضه داشت: «ای امیرالمؤمنین (علیه السلام) فراوان خدا را سپاس می گویم و از دل آزرده‌گی بسیار به تو شکایت می آورم.» حضرت فرمودند:

«ای ابوعبدالله، دل آزرده نباش. هر دردی که به شیعیان ما می رسد

ص: 51

به دلیل گناهی است که مرتکب شده اند و با این درد گناهان آن ها از بین می رود.

پس سلمان (رحمة الله) گفت:

«اگر چنان باشد که شما می گوئید، که چنان نیز هست، پس در این دردها برای ما پاداشی جز پاك شدن گناهان نیست.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«ای سلمان، به واسطه شکیبایی بر بیماری و نالیدن به درگاه خداوند و دعا در پیشگاه او، برایتان پاداش نیز هست و با همین کارهاست که برای شما حسنه نوشته می شود و مرتبه هایتان فراتر می رود؛ اما درد فقط موجب پاك شدن گناه و يك كفاره است.»

جناب سلمان (رحمة الله) پس از شنیدن این سخن، پیشانی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بوسید و گریست و گفت:

«ای امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اگر شما نبودید چه کسی این چیزها را به ما می آموخت؟» (1)

از کلام حضرت فهمیده می شود که خود دردکشیدن پاداشی جز پاك شدن گناهان ندارد؛ ولی به واسطه شکیبایی بر بیماری پاداش هایی برای بیمار نوشته می شود. به این ترتیب پاداش در انحصار صبر بر بیماری قرار می گیرد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«نالۀ بیمار نوشته می شود. پس اگر شکیبیا باشد برای او حسنه نوشته می شود و اگر بی تاب باشد، پاداشی برای تو نوشته نمی شود.» (2)

خوشا به حال مؤمن اهل بصیرتی که با یقین به پروردگارش جامۀ زیبای «رضای الهی» را می پوشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره این گونه افراد می فرمایند:

ص: 52

1- طب الائمه (علیهم السلام)، 15.

2- الجعفریات، 211.

«بر هر بنده ای در هنگام بیماری دو فرشته گمارده می شود. چون شخص بیمار شود آن ها می گویند که پروردگارا، فلان بنده تو بیمار شده است. سپس خداوند می فرماید که بنگرید چه می کند. اگر شکیبایی کند و پاداش خویش را از خداوند متعال بخواهد و در این بیماری امید خیر داشته باشد، فرشتگان این خوبی ها را به بارگاه خداوند متعال می رسانند.»

سپس خداوند متعال می فرماید:

«اینک من شما را گواه می گیرم که بیماری او را برطرف کنم و خونی بهتر از خون وی و گوشتی بهتر از گوشت وی برایش جایگزین می سازم و از گناهان او درمی گذرم.» (1)

در روایت دیگری نقل شده است که اگر مؤمن بیماری را به جان بپذیرد و سپاس آن را به درگاه خداوند متعال بگزارد، آن شکرگزاری برایش همانند عبادت شصت سال است. از امام (علیه السلام) پرسیدند که پذیرفتن بیماری به چه معناست. ایشان فرمودند:

«بر آن شکیبایی کند و دیگران را از آنچه در این شب بیماری بر او گذشته است خبر ندهد و چون شب را به صبح آورد خداوند متعال را بر آنچه بوده است سپاس گوید.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَمَنْ مَرِضَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَىٰ عُوَادِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ (علیه السلام) حَتَّىٰ يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ.» (2)

«هرکس يك شبانه روز بیمار شود و نزد عیادت کنندگانش شکوه نکند، خداوند متعال او را در روز قیامت با خلیل خویش، ابراهیم خلیل الرحمن، برمی انگیزاند تا همچون برقی پر درخشش از صراط بگذرد.»

ص: 53

1- الزهد ابن مبارك الملحقات، 30، ح 120.

2- من لا يحضره الفقيه، 4، 16؛ الأملی، صدوق، 431؛ وسائل الشیعة، 2، 407؛ بحار الأنوار، 73، 335 و 78، 177 و 78، 203 و 96، 85؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 9، 364.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْمَرِيضُ فِي سِجْنِ اللَّهِ مَا لَمْ يَشْكُ إِلَىٰ عَوَّادِهِ تُمْحَىٰ سَيِّئَاتُهُ.» (1)

«تا هنگامی که بیمار نزد عیادت کنندگان خویش شکوه نکرده باشد گناهانش محو می شوند.»

هنگامی که از امام صادق (علیه السلام) درباره تعریف شکوه در بیمار پرسیدند، ایشان فرمودند:

«گاه شخص می گوید که امروز تب دارم و دیشب بیدار ماندم. این سخن او راست است و شکوه نیست. شکوه به این معناست که بگوید به چیزی مبتلا شدم که هیچ کس بدان گرفتار نشده است یا بگوید چیزی دامن گیرم شده که دامن گیر هیچ کس دیگری نشده است.» (2)

باید توجه داشت که اظهار درد و رنج بیماری به پزشک، شکایت از خداوند متعال نیست؛ بلکه برای بهبودی است. چراکه حق تعالی شفا را در دارو قرار داده است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره مذمت اظهار نکردن بیماری به پزشک فرمودند:

«برای کسی که بیماری خویش را از طیب خود پنهان می کند، درمانی نیست.»

پنهان نمودن مصیبت هایی مثل فقر و قرض و بیماری جزو ضروریات انسان موحد است که بدین وسیله تسلیم و عبودیت خود را به پیشگاه پروردگارش عرضه می دارد و آن چنان لطف الهی شامل حالش می شود که در پاره ای از اوقات بر اثر اخلاص در این عمل، توفیق مصاحبت با ملکوتیان نصیبش می گردد. عمران بن حصین

ص: 54

1- بحار الأنوار، بیروت، 78، 211؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 69؛ دعائم الإسلام، 1، 217.

2- الکافی، 3، 116، ح. 1.

به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: «ای پیامبر خدا، مردانی نزد من می آمدند که از آنان خوش سیماتر و خوش بوتر ندیده ام. اما پس از چندی از من بریدند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: «آیا زخمی به تو رسیده بود و آن را پنهان می داشتی؟» گفت: «آری.» حضرت فرمودند: «سپس آن را آشکار ساختی؟» عرض کرد: «آری.» سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«اگر همچنان پوشیده می داشتی، تا زمانی که زنده بودی فرشتگان به دیدارت می آمدند.»

راوی می گوید: «آن زخم جراحی بود که وی در جهاد در راه خدا برداشته بود.» (1)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«یکی از گنج های نیک پنهان کردن مصیبت ها و بیماری ها و صدقه است.» (2)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«پنهان تهی دستی و بیماری از جوانمردی است.» (3)

همچنین فرمودند:

«در گذشته مرا برادری الهی بود. پستی و کوچکی دنیا در نگاه وی او را در نظرم بزرگ می ساخت. او در بیماری ها شکوه نمی کرد.» (4)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«اگر مؤمن از حال خویش در بیماری آگاه بود، هرگز دوست نداشت که از آن بیماری جدا شود.» (5)

ص: 55

1- کتاب ربیع الأبرار، 1، 269؛ شرح نهج البلاغه، 1، 92.

2- الدعوات، 167، ح 462.

3- غرر الحکم.

4- نهج البلاغه.

5- ارشاد القلوب، 42.

همچنین فرمودند:

«از مؤمنی که در هنگام بیماری بی تابی می کند در شگفتم. اگر او می دانست که در بیماری چه پاداشی وجود دارد، دوست داشت پیوسته بیمار باشد تا آن هنگام که به لقای پروردگار خویش بپیوندد.» (1)

امام صادق (علیه السلام) در روایتی پاداش های شگفتی را برای بیمار برشمردند:

«کسی که يك شب بیمار گردد و آن را بپذیرد، خداوند عزوجل عبادت شصت سال را برایش بنویسد. راوی عرض کرد که معنای پذیرفتن چیست؟ ایشان فرمودند که از درد خود به کسی شکایت نکند.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مؤمن در پیشگاه خداوند برترین منزلت را دارد... او را به بلا گرفتار می سازد و پس از آن يك يك اعضای بدنش را می ستاند و او پیوسته سپاس الهی را بر زبان دارد.» (3)

این سپاس همان صبر جمیل است. خداوند متعال نیز در برابر چنین بیمار صبوری می فرماید:

«أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَ أَقْبِلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أُرِيهِ وَجْهِي.» (4)

«همان طور که او شکر مرا کرد، من هم از او تشکر می کنم و به او روی می آورم و رحمت خاص خویش را بر او نازل می کنم.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند که خداوند چنین گفته است:

«إِذَا وَجَّهْتُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي مُصِيبَةً فِي بَدَنِهِ أَوْ مَالِهِ وَ وُلِدِهِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ

ص: 56

1- التوحيد، 401، ح.3.

2- لآلی الأخبار، 115.

3- الكافي، 2، 254.

4- من لا يحضره الفقيه، 1، 334؛ مكارم الأخلاق، 286؛ الوافي، 8، 817؛ بحار الأنوار، بيروت، 83، 205.

ذَلِكَ بِصَبْرِ جَمِيلٍ اسْتَحْيَتْ مِنْهُ أَنْ أَنْصِبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَنْشُرَ لَهُ دِيْوَانًا.» (1)

«هر گاه برای بنده ای مصیبتی در بدن یا مال یا فرزندش پیش آومد و او با صبوری جمیل از آن مصیبت استقبال کند، در روز قیامت حیا می کنم که برایش ترازو برپا کنم یا نامه عملش را در برابرش بگشایم.»

از امام باقر (علیه السلام) معنای صبر جمیل پرسیده شد. حضرت فرمودند:

«شَيْءٌ لَا شَكْوَى فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَ مَا فِي الشَّكْوَى مِنَ الْفَرْحِ فَإِنَّ مَا هُوَ يَحْزُنُ صَدِيقَكَ وَيَفْرَحُ عَدُوَّكَ.» (2)

«چیزی است که شکایتی در آن نباشد. شکایت دوست را ناراحت و دشمن را خوشحال می کند و گشایشی هم برایت نمی آورد.» (3)

به سبب وجود همین پاداش هاست که مؤمن در روز قیامت افسوس می خورد که ای کاش در دنیا به بیشترین مصائب گرفتار می آمد. امام باقر (علیه السلام) درباره این حسرت فرمودند:

«لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ فِي الْمَصَائِبِ مِنَ الْأَجْرِ لَتَمَنَّى أَنْ يَقْرَضَ بِالْمَقَارِيضِ.» (4)

«اگر مؤمن می دانست که در مقابل گرفتاری ها چه پاداش هایی نصیبش می شد، آرزو می کرد که با قیچی تکه تکه شود.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«یا علی (علیه السلام)، ناله بیمار تسیح، صیحه او گفتن لا اله الا الله، خوابش در بستر عبادت و از این پهلو به آن پهلو شدنش همانند جهاد در راه

ص: 57

1- بحار الأنوار، بیروت، 68، 92 و 78، 209 و 79، 123؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 58؛ نهج الفصاحة، 594.

2- بحار الأنوار، بیروت، 78، 209؛ جامع الأخبار، شعیری، 116.

3- شکایت در عرف لغت به اظهاری گفته می شود که ناشی از نارضایتی شخصی از کسی است که به او آسیب وارد ساخته و فرد به این واسطه به فعل او معترض می باشد. بنابراین این نالیدن از درد و حتی ضجه و هر اظهار دیگری مادامی که مریض بر آنچه خدا به او روا داشته متعرض نباشد؛ بلکه آن را برای خودش خیر بدانند، نه تنها شکایت تلقی نمی شود؛ بلکه پاداش ذکر لا اله الا الله را به همراه خواهد داشت.

4- المؤمن، 15، الکافی، الإسلامية، 2، 255، التمهیص، 32؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، 292؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9، 335؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 240.

همچنین امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«سَهْرٌ لَيْلَةٍ مِنْ مَرَضٍ أَوْ وَجَعٍ، أَفْضَلُ وَأَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.» (2)

«بیدار خوابی یک شب از بیماری یا دردمندی از عبادت یک سال برتر است.»

در روایت دیگری آمده است:

«دو شب تب داشتن با عبادت دو سال و سه شب تب داشتن با عبادت هفتاد سال برابری می کند. پرسیدم که اگر شخصی به هفتاد سالگی نرسد چه طور؟ فرمودند که ثواب برای پدر و مادرش خواهد بود. پرسیدم که اگر آن ها نیز به هفتاد سال نرسیده باشند چه؟ فرمودند که برای خویشاوندانش خواهد بود. پرسیدم اگر خویشاوندان او نیز به هفتاد سال نرسد چه؟ حضرت فرمودند که برای همسایگانش محاسبه می شود.» (3)

از رحمت بیکران خداوند متعال به شیعیان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن است که در آخرت مصیبت زدگان را به قدری جایگاه می بخشد که از شهدا در رکاب امام معصوم (علیه السلام) پیشی می گیرند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ.» (4)

ص: 58

1- بلا و بیماری و گرفتاری رحمت است نه عذاب، 106؛ بحار الأنوار، 81، 188.

2- الکافی، الإسلامية، 3، 114؛ الوافی، 24، 212؛ وسائل الشیعة، 2، 399؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 13، 264؛ بحار الأنوار، بیروت، 78، 200؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 64.

3- الکافی، 3، 119، ح. 9.

4- الکافی الإسلامية، 2، 92؛ الوافی، 4، 337؛ وسائل الشیعة، 3، 255؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 139؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 78؛ بلا و بیماری و گرفتاری رحمت است نه عذاب، 126.

«هر مؤمنی به بلائی مبتلا شود و بر آن صبر کند مزد هزار شهید را خواهد داشت.»

علت امتحانات انبیا و اولیا

به شهادت تاریخ انبیای الهی بیشترین بلا را در این دنیا دیدند و به تناسب، بیشترین صبر را نیز از خود نشان دادند. (1) برای همین درمی یابیم که این دنیا سرِ ساختن با هیچ کس را ندارد. این سنت الهی است که هرکسی را به دلیلی خاص در این دنیا گرفتار بلا کند.

تحمل گرفتاری ها برای مؤمنین رحمت و قرب و برای کافران بدبختی و عذاب است. در این باره فرموده اند:

«إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَذَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ.» (2)

«بلا تنبیه ظالمین، امتحان مؤمنین، رفعت درجه انبیاء و کرامت اهل بیت (علیهم السلام) است.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«حضرت ایوب به بلایا و امراض گرفتار شد. این بیماری کیفر معصیت نبود؛ زیرا پیغمبران معصوم هستند و گناه کبیره و صغیره از آن ها سر نمی زند و امراض ایشان به طریقی نبود که بوی بد داشته باشد یا خون جراح از بدنشان خارج بشود؛ بلکه مردم به دلیل فقر شدید و ناتوانی حضرت ایوب (علیه السلام) از او روی گردان بودند و نمی دانستند که فقر و احتیاج او نزد پروردگار مصلحتی دارد.»

باری، سردمداران و پرچم داران دین تا نیروی بردباری را برای خویش فراهم نسازند، نمی توانند رهبران و مدیرانی موفق از کار درآیند؛ زیرا بردباری بر سختی ها

ص: 59

1- مگر عده معدودی مانند حضرت سلیمان که خداوند ایشان را با اعطای قدرت و ثروت امتحان کرد که این نیز امتحانی مشکل است.

2- بحار الأنوار، بیروت، 64، 235 و 78، 198.

اصلی ضروری برای هدایت گران می باشد. قرآن نیز انتخاب اولیای الهی را بر این اصل استوار ساخته است:

(وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ) (1)

«بعضی از ایشان (ذریه ابراهیم (علیه السلام)) را امام و پیشوایانی قرار دادیم که خلق را به امر ما هدایت کنند؛ چراکه آنان در راه حق، صبر و مقاومت کردند و در رابطه با آیات ما به مقام یقین دست یافتند.»

یا در جای دیگری می فرماید:

(وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ) (2)

«و اسماعیل و ادريس و ذی الکفل، همه، از بندگان صابر ما بودند.»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«خداوند پیغمبران و اولیا و مقربان خود را به بیماری هایی مبتلا می کند تا مردم درباره آنان غلو نکنند، آن ها را شریک خداوند متعال قرار ندهند، به مردمان ضعیف اهانت نکنند، شخص فقیر و مریض را آزرده خاطر نکنند و بدانند که خداوند قادر است هر کسی را که بخواهد بیمار یا سالم قرار بدهد و هر آن که را بخواهد غنی یا فقیر بگرداند.»

این ابتلائات سبب عبرت گرفتن بعضی از مردم و شقاوت طایفه دیگری می گردد. در تمام این حالت ها پروردگار حکیم و توانا با عدالت رفتار می کند و صلاح و مصلحت بندگان را ملحوظ می دارد. پس باید فقط به خداوند توکل کرد.» (3)

همچنین درباره مصائب جان سوز اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند:

«خداوند پیامبران و امامان را با گرسنگی آزمود. آنان را به سختی و بلا

ص: 60

1- سوره مبارکه سجده، آیه شریفه 24.

2- سوره مبارکه انبیاء، آیه شریفه 85.

3- تفسیر جامع، 4، 354؛ خصال، 2، 399؛ بحار الأنوار، بیروت، 12، 348 و 44، 275.

گرفتار کرد و با ترس و بیم امتحان شان نمود و با مشکلات فراوان خالص شان گردانید.»

در ادامه هم برای دل جویی از مؤمنین گرفتار می فرمایند:

«ثروت و فرزند را دلیل خشنودی خداوند ندانید که نشانه ناآگاهی به آزمایش ها و امتحان ها است.»

خداوند سبحان در قرآن می فرماید:

(أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ) (1)

«آیا گمان می کنند مال و فرزندانی را که به آن ها عطا کردیم، به سرعت نیکی ها را هم برای برایشان فراهم می کنیم؟ نه، آنان آگاهی ندارند.»

در رأس دوستان خدا حضرات معصومین (علیهم السلام) و سپس انبیا، شیعیان خاص، صلحا و مؤمنین قرار دارند. هرچه رتبه ایمان و قرب به خداوند بیشتر باشد، گرفتاری ها هم زیادتیر خواهد بود. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«خداوند اولیای خود را به مصائبی دچار می گرداند تا بدون این که گناهی انجام داده باشند به ایشان پاداش عنایت بفرماید.» (2)

امتحان و صبر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

بیشترین بلاها و رنج ها بر وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گشت؛ زیرا ایشان مقرب ترین فرد در پیشگاه الهی هستند. جان سوزترین رنج ایشان زیستن در کنار منافقین زمان بود که می بایست از روی حکمت با آنان مدارا می کردند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر گاه مصیبتی دیدی مصائب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به یاد بیاور؛ زیرا

ص: 61

1- سوره مبارکه مؤمنون، آیات شریفه 55 و 56.

2- الکافی، 2، 450؛ بحار الأنوار، 81، 180.

هیچ کس به مانند ایشان مصیبت ندیده است.» (1)

وجود گرامی خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«هیچ يك از افراد امتم، هرگز، همانند من مصیبتی نمی بیند.» (2)

در شب معراج به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب رسید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَخْتَبِرُكَ فِي ثَلَاثٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرُكَ.» (3)

«خداوند متعال در سه چیز تو را امتحان می کند تا ببیند صبر تو چه اندازه است.»

در ادامه به این سه امتحان مهم خواهیم پرداخت:

امتحان اول:

اولین امتحان کمک به نیازمندان بود. در تفسیر صافی نقل است که روزی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسجد نشسته بودند. سائلی آمد و از آن حضرت چیزی درخواست نمود. حضرت فرمودند که چیزی ندارم. سائل عرض کرد که همین پیراهن تن تان را مرحمت کنید. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستند و به منزل رفتند و پیراهن شان را از بدن مبارک بیرون آوردند و به آن سائل دادند. چون حضرت پیراهن دیگری نداشتند که بپوشند و به مسجد بیایند، در خانه نشستند. جبرئیل پایین آمد و این آیه را بر ایشان نازل کرد:

(وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (4)

ص: 62

1- بحار الأنوار، 82، 131؛ امالی، طوسی، 2، 294.

2- بحار الأنوار، 82، 143.

3- کامل الزیارات، 332؛ تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (عليهم السلام)، 838؛ البرهان فی تفسیر القرآن، 4، 860؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، 14، 532.

4- سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه 29.

تکذیب پیامبر و اذیت و آزار ایشان دومین امتحان سخت الهی بود:

﴿فَالْتَكْذِيبُ وَالْخَوْفُ الشَّدِيدُ وَبِذَلِكَ مُهَجَّتْكَ فِي مُحَارَبَةِ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَالِكَ وَنَفْسِكَ.﴾ (1)

«تورا تکذیب کنند و ترس و خوف بسیار از دشمنان به تو برسد. دردهای زیادی به تو وارد می شود. عرض کرد که خدایا، صبر می کنم و از تو طلب یاری می جویم. چون این مطلب را قبول کرد و به این امتحان راضی شد، هر قدر اذیت و آزار دید صبر می کرد و نفرین ننمود تا جایی که پیشانی مبارک و دندان نازنیش را شکستند.»

حضرت در برابر تمام این اذیت ها و آزارها فرمودند:

﴿اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.﴾ (2)

«خدایا قوم مرا هدایت کن که نادانند.»

امتحان سوم

امتحان آخر امتحان آن حضرت به ابتلائات خاندان مکرم ایشان بود:

﴿فَمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ.﴾ (3)

«آنچه بعد از تو از کشته شدن بر سر اهل بیت می آید! ایشان عرض کردند که خدایا قبول کردم و راضی به رضای تو هستم.»

بهترین و عالی ترین مقام متعلق به کسی است که در راه دین بر مرارت های جانکاه صبر می کند. امام سجاد (علیه السلام) هنگام شهادت خویش امام باقر (علیه السلام) را به سینه چسباندند و فرمودند که پدرم هنگام شهادتش مرا سفارش کرد، چنان که او این سخن

ص: 63

1- کامل الزیارات، 332؛ بحار الأنوار، بیروت، 28، 62؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، 14، 532.

2- بحار الأنوار، بیروت، 11، 298 و 20، 21 و 20، 117 غ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، 18، 158؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، 83.

3- کامل الزیارات، 332؛ تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (علیهم السلام)، 838؛ بحار الأنوار، بیروت، 28، 62؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، 14، 532.

را از پدرش شنیده بود:

«ای پسر، در راه حق و دفاع از آن بردباری داشته باش؛ اگر چه استقامت تو در این راه تلخ باشد.» (1)

تحمل چنین تلخی هایی میوه های پربار و لذت بخشی را برای صاحبش به ارمغان می آورد. امام صادق (علیه السلام) در وصیت خود از زبان حضرت عیسی (علیه السلام) خطاب به یارانش فرمودند:

«وَلَا تَتَأَلَوْنَ مَا تَأْمُلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَيَّ مَا تَكْرَهُونَ.» (2)

«هرگز به آرزوهای خود دست نمی یابید، مگر این که در برابر ناگواری ها و سختی ها صبور باشید.»

خداوند متعال نیز در قرآن بارها رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را به صبر در برابر کافران دعوت می کند:

«فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ» (3)

«در برابر مخالفت و مبارزه کافران مقاومت و صبر پیشه کن؛ چراکه وعده خدا حق و حتمی است.»

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كُفُورًا» (4)

«ای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، بر طاعت و اجرای حکم پروردگار خود صبور و مقاوم باش و هرگز از مردم گناهکار اطاعت مکن.»

ص: 64

1- بحار الأنوار، 70، 184.

2- تحف العقول، 305؛ الوافی، 26، 276؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 283؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 20، 641.

3- سوره مبارکه روم، آیه شریفه 60.

4- سوره مبارکه انسان، آیه شریفه 24.

(فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا) (1)

«به نیکویی صبر کن.»

البته تحمل سختی‌ها دارای پاداش فراوانی است که به بنده صبور عطا می‌گردد. چنان که خداوند در روز قیامت خطاب به کافران می‌فرماید:

(إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ) (2)

«همانا امروز پاداش صبر و پایداری صابران را در برابر آزار و استهزاء شما کافران خواهیم داد.»

و همچنین می‌فرماید:

(مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (3)

«آنچه نزد شماست نابودشدنی است و آنچه نزد خداست جاویدان. پاداشی که به صابران می‌دهیم نیکوتر از آنچه انجام می‌دهند خواهند بود.»

مرحوم مجلسی (رحمة الله) در "حیات القلوب" می‌نویسد که وقتی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به رسالت مبعوث شدند تا دعوت را آشکار کنند، در هنگام موسم حج، بالای کوه صفا رفته و بلند صدا زدند: «ای مردم، من فرستاده خالق عالمیان هستم.»

همین که ابوجهل این کلام را از آن حضرت شنید سنگی به جانب ایشان انداخت و پیشانی مبارک شان را شکست. سایر کفار نیز به سمت حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) سنگ انداختند. برای همین هم حضرت به بالای کوه ابوقبیس رفتند. خبر این حادثه به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خدیجه کبری (علیها السلام) رسید. آن‌ها ظرف آب و سفره نانی برداشتند و بالای کوه به سراغ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فریاد می‌زدند: «یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، جانم فدای تو باد! در کدام وادی تشنه و گرسنه مانده‌ای و مرا با

ص: 65

1- سوره مبارکه معارج، آیه شریفه 5.

2- سوره مبارکه مؤمنون، آیه شریفه 111.

3- سوره مبارکه نحل، آیه شریفه 96.

خود نبرده ای؟» حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) فریاد می زدند: «ای پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برگزیده و رنج کشیده در راه خدا، خودتان را به من نشان دهید.»

در همین زمان بود که جبرئیل بر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد. وقتی چشمان آن حضرت به جبرئیل افتاد فرمودند: «بین این امت با من چه کردند. مرا تکذیب کردند و پیشانی مرا به سنگ جفا شکستند». پس جبرئیل مسندی را از زیر بال خود که به انواع جواهرات آراسته شده بود بیرون آورد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را روی آن نشانید. سپس ملائک، فوج فوج، به یاری حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن ها اذن ندادند و فرمودند: «مرا واگذارید که امت من نادانند.»

جبرئیل عرض کرد: «ای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) را طلب کن که به کمک تو می آیند». پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم آن ها را صدا زدند. وقتی آن ها به بالای کوه رسیدند، هنوز خون از پیشانی نورانی آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری بود. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) خون ها را به جانب آسمان می پاشیدند و قطره ای از آن به زمین بر نمی گشت. حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) عرض کردند: «یا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، چرا نمی گذارید این خون ها به زمین بریزد؟» ایشان فرمودند: «می ترسم عذاب بر این امت نازل شده و همه هلاک شوند.»

وقتی که خداوند اشرف مخلوقات را امتحان می کند، امتحان شدن مردم عادی در این دنیا قطعی است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَالرَّقِيقِ فَقَالَ (1): (وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا

ص: 66

1- الكافي، الإسلامية، 2، 88 و 3، 227؛ الوافي، 4، 341؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 122؛ بحار الأنوار، بيروت، 9، 202 و 18، 182.

«در رابطه با همهٔ امور زندگی صبور و مقاوم باش؛ چراکه خداوند متعال حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری برانگیخت و او را به صبر و مقاومت فرمان داد و فرمود که بر طعنه و ناسزای منافقان و کفار شکبیا باش و از گفتار زشت آنان با نیکویی و زیبایی دوری کن.»

با این توصیه ها معلوم می گردد که از ویژگی های خاص مردان الهی بردباری است.

امتحان و صبر حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)

بعد از امتحانات پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) آزمایش های بسیار سخت و فتنه های گرانی بر سرور اولیا، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، وارد شد. خداوند ایشان را در چهارده موضع امتحان کرد. شیخ صدوق (رحمة الله) در خصال از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که بعد از واقعهٔ نهروان، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه نشستند. فردی به نام «رأس اليهود» خدمت آن حضرت مشرف شد و عرض کرد: «آمده ام تا از شما سؤال هایی بکنم که پاسخ آن ها را فقط پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یا وصی او می داند.» حضرت (علیه السلام) فرمودند: «پرس.» وی عرض کرد:

«به من خبر بده خداوند در حیات انبیا چندبار اوصیای ایشان را امتحان می کند و بعد از وفات ایشان چندبار؟» (2)

حضرت فرمودند:

«اگر بگویم مسلمان می شوی؟»

عرض کرد:

«بلی.»

ص: 67

1- سوره مبارکه مزمل، آیه شریفه 10.

2- بحار الأنوار، 38، 167؛ الخصال، 2، 365؛ الإختصاص، 164؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، دیلمی، 2، 343؛ البرهان فی تفسیر القرآن، 4، 430.

حضرت فرمودند:

«خدا هفت مرتبه در حیات انبیا و هفت مرتبه بعد از وفات شان اوصیای آنان را امتحان می کند.»

عرض کرد:

«راست فرمودید. خداوند شما را چند مرتبه امتحان کرد؟»

حضرت فرمودند:

«خداوند مرا هفت مرتبه در حیات پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و هفت مرتبه بعد از رحلت ایشان امتحان کرد.»

عرض کرد:

«در حیات پیامبر چه امتحان هایی از شما گرفت شد؟»

حضرت فرمودند:

«اولین امتحان در زمانی بود که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به رسالت مبعوث شد و اولاد عبدالمطلب را به اسلام دعوت کرد. هیچ کدام قبول نکردند؛ اما من که از همه کوچک تر بودم او را تصدیق نمودم. سه سال گذشت. هیچ کس غیر از من و خدیجه کبری (علیها السلام) به او ایمان نیاورد. من مشغول خدمت گزاری به ایشان بودم.»

بعد حضرت به اصحابشان رو کردند و فرمودند: «الیس كذلك؟» آنان هم عرض کردند: «بلی یا امیرالمؤمنین (علیه السلام).»

حضرت ادامه دادند:

«دوم امتحان وقتی بود که کفار قریش می خواستند پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به قتل برسانند. برای همین هم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا در رخت خواب خود خوابانیدند و خودشان هجرت کردند و من به کشته شدن خود و سلامتی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خوشحال بودم. سومین بار در جنگ بدر بود که شیبه و عتبه و ولید که همه از مشاهیر و شجاعان عرب بودند هر قدر مبارز طلبیدند

کسی جرأت مبارزه با آن‌ها را نکرد؛ اما من که از همه کوچک‌تر بودم، رفتم و آن‌ها را کشتم و بعضی را نیز اسیر کردم. چهارم مرتبه در جنگ احد بود. کفار قریش به خون‌خواهی کشته‌شدگان بدر آمدند که در نتیجه آن مسلمانان شکست فاحشی خوردند. بسیاری کشته شدند و باقی ماندگان فرار کردند. غیر از من کسی با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماند. جنگی کردم که ملائکه آسمان‌ها تعجب کردند. در این جنگ بیش از هفتاد زخم بر من وارد آمد.»

پس حضرت (علیه السلام) عباى مبارک خود را کنار زدند و با دست خویش جراحت‌هایشان را به مرد یهودی نشان دادند. سپس فرمودند:

«پنجمین امتحان در جنگ خندق رقم خورد. عمرو بن عبدود که از شجاعان عرب بود به میدان آمد و مبارزی طلبید. مثل شتری مست نعره می‌کشید و رجز می‌خواند. احدی غیر از من جرأت نکرد به میدان برود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به دست مبارک خود عمامه را بر سر من پیچیدند و همین شمشیر را، که ذوالفقار باشد، به دستم دادند. درحالی که تمام زن‌های مدینه به حال من گریه می‌کردند پیاده به جنگ او رفتم. چون با او مقاتله کردم این ضربت را به سر من زد؛ اما درنهایت او را کشتم. ششمین دفعه در جنگ خیبر بود که شجاعان یهود مقابل مسلمانان صف کشیدند و مبارز طلبیدند. هر که از لشکر اسلام به میدان رفت کشته شد. چشم‌های مردم از ترس قرمز شده بود و همه به من نگاه می‌کردند و می‌گفتند که یا علی (علیه السلام) برخیز. عاقبت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا به جنگ آن‌ها فرستاد. احدی به جنگ من نیامد مگر آن که او را به خاک انداختم. بعد از آن همچون شیری بر آن‌ها حمله کردم. آن‌ها نیز فرار کردند و به قلعه خود رفته و در را بستند. با دست خود در را کندم و وارد قلعه شدم. مردان آن‌ها را کشتم و زن‌های آنان را اسیر کردم و احدی غیر از خدا با من نبود. اما دفعه هفتم زمانی بود که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) متوجه فتح مکه شد و کاغذی برای آن‌ها نوشت و خواست

کسی کاغذ را با سوره براءت بر آن ها بخواند. به هر کس از اصحاب این دستور را فرمودند اهمال کردند و نرفتند. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا فرستاد. با آن که اهل مکه با من نهایت دشمنی را داشتند و اگر می توانستند مرا ریز ریز می کردند رستم و پروا نکردم و نامه را با سوره براءت برای آن ها خواندم.»

هر مرتبه که حضرت (علیه السلام) از اصحاب خود درباره این وقایع تصدیق می خواستند، همه اقرار می کردند.

بعد از آن مرد یهودی عرض کرد:

«ما را از امتحانات خود بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر دهید.»

حضرت فرمودند:

«اولین آن مصیبت فقدان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. آن قدر غصه بر من وارد شد که گمان ندارم کوه ها تاب تحمل آن را داشته باشند. اما با این وجود صبر کردم و وصیت های پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به جا آوردم. ایشان را غسل دادم، کفن کردم، نماز خواندم، دفن کردم و بعد هم به جمع آوری کتاب خدا مشغول شدم. دومین آن در خلافت ابوبکر. سومین امتحانم در خلافت عمر بود. چهارمین آزمونم در جنگ جمل بود که به دست عایشه برپا شد. پنجمین آن در جنگ با معاویه (لعنت الله علیه) در صفین بود. ششمین آزمونم در وقایع نهروان بود. اما هفتمین امتحانم ای برادر یهودی! پس همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با من پیمان بست که در آخر دورانم قومی از اصحاب من هستند که روزها را روزه می گیرند و شب ها به عبادت برمی خیزند و کتاب خدا را تلاوت می کنند؛ اما بر خلاف آنچه می کنند، علیه من خارج می شوند و جنگ ایشان با من در دین همانند خروج تیر از کمان است.»

اما درباره مظلومیت و صبر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل است که روزی خدمتکار ایشان بیرون از اطاق و در کنار آفتاب سرگرم خرما خوردن بود. حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای انجام کاری او را صدا زدند؛ ولی او جواب نداد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوباره او را صدا زدند. باز هم پاسخی نداد. با این حال امیرالمؤمنین (علیه السلام) همچنان وی را صدا می کردند؛ ولی او با این که صدای آن حضرت را می شنید پاسخی نمی داد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پی در پی وی را صدا می کردند. پس از چندی غلام خرماخوران وارد خانه شد و دعوت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را اجابت کرد. در این هنگام امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «ای غلام! مدتی است تو را صدا می کنم ولی تو جوابی نمی دهی. آیا صدای مرا نمی شنیدی؟» خدمتکار گفت: «صدای شما را می شنیدم؛ ولی سرگرم خرماخوردن بودم.» امام (علیه السلام) فرمودند: «بسیار تو را صدا زدم. حق این بود زودتر پاسخ می دادی.» خدمتکار گفت: «آری شما هفتاد بار مرا صدا زدید و من آخرین بار جواب شما را دادم.» حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «با این که هفتاد مرتبه صدای مرا شنیدی چرا در همان مراتب نخستین پاسخ نگفتی؟» خدمتکار در جواب به آن حضرت عرض کرد: «می خواستم میزان صبر شما را بسنجم. با این کار به عظمت صبر شما در راه خدا پی بردم.» امام (علیه السلام) فرمودند:

«برای این که بیشتر از این از میزان صبر من آگاه شوی، با همه جسارتی که به من کرده ای و با این که هفتاد بار صدای مرا می شنیده ای و جواب نمی دادی، بی آن که از تو خشمگین و ناراضی باشم، اینک، تو را در راه خدا آزاد کردم. راه خود بگیر و برو.»

غلام شادمان می رفت و با خود این آیه را زمزمه می کرد: «خدا بهتر می داند که رسالت و هدایت را در چه خاندانی قرار بدهد.» (1)

آزمایش و استقامت حضرات معصومین (علیهم السلام)

شخصی از اهل شام به قصد حج یا مقصد دیگری به مدینه آمد. چشمش به

ص: 71

1- (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) (سوره مبارکه انعام، آیه شریفه 124)

مردی افتاد که در کناری نشسته بود. توجه وی به آن بزرگوار جلب شد. پرسید: «این بزرگ مرد کیست؟» گفته شد: «او حسن بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) است.» سوابق تبلیغاتی عجیب معاویه (لعنت الله علیه) که در روح آن مرد رسوخ کرده بود، باعث خشم وی شد و به خیال خود تا جایی که توانست، به قصد قربت به خدا، به امام حسن (علیه السلام) ناسزا گفت. در مقابل جسارت آن ناپاک، امام (علیه السلام) بی آنکه خشمگین شوند نگاهی سرشار از عاطفه به او کردند و پس از آن که آیاتی از قرآن پیرامون حسن خلق و چشم پوشی تلاوت کردند، به وی فرمودند: «ما برای هر گونه کمک و خدمت به تو آماده ایم». آن گاه از او پرسیدند: «آیا از اهالی شام هستی؟» وی گفت: «آری». امام حسن (علیه السلام) فرمودند: «من با این خلق و خوی آشنایی دارم و سرچشمه این همه خشم را می دانم». پس از آن فرمودند: «اینک تو در شهر ما غریبی. اگر به کمک نیازی داری حاضریم به تو کمک کنیم. آماده ایم تا در خانه خود از تو پذیرایی کنیم. تو را پوشانیده و به تو کمک مالی کنیم». مرد شامی که چشم به راه عکس العملی شدید بود و هرگز گمان نمی کرد با این همه گذشت رویه رو شود، آن چنان دگرگون شد که گفت:

«آرزو داشتم در این هنگام زمین شکافته می شد و من به زمین فرومی رفتم و این گونه نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی کردم. تا آن هنگام روی زمین، در نظر من، کسی از حسین و پدرش مبعوض تر نبود؛ ولی از آن روز به بعد کسی نزد من از او و پدرش دوست داشتنی تر و عزیزتر نیست.»

روزی امام سجاد (علیه السلام) عده ای را به مهمانی دعوت کرده بودند. مهمانان آمدند و سفره غذا پهن شد. یکی از خدمتکاران غذا می آورد. اتفاقاً یکی از ظرف های غذا روی نوزادی که فرزند امام سجاد (علیه السلام) بود افتاد و همین حادثه موجب مرگ او شد.

خدمتکار سخت ناراحت و رنگ پریده و نگران شد. امام سجاد (علیه السلام) به او فرمودند:

«نگران نباش. تو عمداً این کار را نکردی. تو را در راه خدا آزاد کردم.»

امام سجاد (علیه السلام) بدون این که اظهار ناراحتی کند، با چهره ای شاد به میهمانان می نگریست و از آن ها پذیرایی می کرد. پس از آن که میهمانان غذا خوردند و رفتند، امام (علیه السلام) فرزندشان را غسل دادند و کفن کردند و او را با دست مبارک خود دفن کردند. (1)

شیخ کلینی (رحمة الله) روایت کرده است که جماعتی خدمت امام باقر (علیه السلام) مشرف شدند. در آن زمان فرزند کوچک آن حضرت (علیه السلام) مریض بود. آن جماعت در چهره مبارک آن حضرت (علیه السلام) آثار غم را مشاهده کردند. همه با هم گفتند:

«سوگند به خدا که اگر به این کودک آسیبی برسد، می ترسیم از آن حضرت حالتی مشاهده کنیم که خوش نداشته باشیم.»

راوی می گوید: «اندکی بعد آن کودک فوت شد. صدای ناله بلند شد و آن حضرت با روی گشاده بیرون آمدند. آن جماعت عرض کردند که فدایت شویم، از حالتی که از شما مشاهده کردیم می ترسیدیم اگر واقعه ای رخ دهد برای شما اتفاقی بیافتد که اندوه ما را فرا بگیرد.»

حضرت فرمودند:

«ما می خواهیم در آنچه دوستش داریم عافیت نصیب مان شود؛ اما چون فرمان خداوند متعال برسد، تسلیم آنچه او دوست دارد می شویم.» (2)

امام باقر (علیه السلام) درباره ارزش اشخاصی که در مصیبت ها صبر پیشه می کنند و به قضای الهی راضی می شوند فرمودند:

ص: 73

1- كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام)، 2، 81؛ بحار الأنوار، بيروت، 46، 99؛ رياض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، 2، 446.

2- الكافي، الإسلامية، 3، 226؛ الوافي، 25، 574؛ وسائل الشيعة، 3، 276؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه و آله و سلم)، 14، 187؛ بحار الأنوار، بيروت، 46، 301؛ يكصد و چهل حدیث اربعین؛ داستان های صاحب دلان حضرت، 224.

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الْآخِرَةِ أَعْظَمُهُمْ مُصِيبَةً فِي الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ أَعْظَمُ النَّاسِ مُصِيبَةً، مُصِيبَتُنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قَبْلُ، ثُمَّ يَشْرِكُنَا فِيهِ النَّاسُ.» (1)

«در آخرت بزرگ ترین پاداش از آن کسی است که مصیبتش در دنیا از همه بیشتر باشد. همانا ما اهل بیت (علیهم السلام) مصائب مان از همه مردم عظیم تر است.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد: «شدیدترین بلاها در دنیا از آن کیست؟» حضرت فرمودند:

«پیامبران و پس از ایشان اشخاصی که از نظر ایمان بعد از پیامبران هستند. خداوند مؤمن را به اندازه ایمان و اعمال نیکش مبتلا می کند. هر کس ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر باشد بلائی او نیز شدیدتر می شود. کسی هم که ایمان نیکو نداشته باشد بلاهایش کمتر خواهد بود.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ.» (2)

«مؤمن مثل ترازوست: هرچه ایمانش افزایش یابد بلاهای او هم بیشتر می شود.»

ص: 74

1- أمالی، طوسی، 269، بحار الأنوار، بیروت، 27، 207.

2- الکافی، الإسلامیة، 2، 254؛ الوافی، 5، 764؛ وسائل الشیعة، 3، 263؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 210. کلامی گهربار از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره رفته گانی که در دنیا زیست می کردند و همچنین کسانی که دارای عمری طولانی بوده اند فرمودند: «کسی که عمرش کوتاه گشت این مصیبت اوست و کسی که عمرش دراز شد مصائبش پی در پی می رسد و امور ناگواری را برای خود و عزیزانش می بیند» (بحار الأنوار، 82، 133)

بعد از امامان معصوم (علیهم السلام) نوبت به یادآوری صبر مؤمنان عالی رتبه می‌رسد. آنان برای ضعفای شیعه پندی نیکو خواهند بود. یکی از رادمردان عرصه ایمان و مقاومت، شخصی از نسل امام حسن مجتبی (علیه السلام) به نام علی بن الحسن المثلث است. او را «علی خیر» و «علی عابد» هم می‌گفتند. ایشان و گروهی از شیعیان به دست منصور دوانقی (لعنت الله علیه) زندانی شده بودند. هنگامی که منصور (لعنت الله علیه) آن‌ها را در زندان تاریکی حبس نمود، به واسطه اذکار و عبادات مستحبی علی بن حسن بود که روز و شب را برای نماز خواندن تشخیص می‌دادند و دعایش مورد اجابت حق تعالی قرار می‌گرفت.

روزی عبدالله بن حسن مثنی، معروف به عبدالله محض، از سختی زندان و گران بودن غل و زنجیر، بی اندازه، ناراحت شد و به ایشان گفت: «گرفتاری مان را می‌بینی؟ از خدا نمی‌خواهی ما را از این بلا نجات دهد؟» ایشان تا چند دقیقه جوابی ندادند. آن‌گاه فرمودند: «عمو جان، برای ما در بهشت درجه ای است که فقط با صبر بر این گرفتاری یا شدیدتر از این به آن می‌رسیم. برای منصور هم در جهنم مرتبه ای است که فقط با ظلم بر ما به آن می‌رسد. در صورتی که بخواهی بر این گرفتاری صبر می‌کنیم و به زودی راحت می‌شویم؛ چون مرگ ما نزدیک شده است. اگر هم بخواهی، می‌توانیم برای نجات خود دعا کنیم؛ لکن منصور به آن مرتبه ای که در جهنم دارد نخواهد رسید.» عبدالله هم گفت که صبر می‌کنم.

هنوز سه روز نگذشته بود که آنان در زندان جان سپردند. علی بن حسن در حال سجده از دنیا رفت. عبدالله گمان کرد که او در خواب است. گفت: «فرزند برادرم را بیدار کنید». همین که او را حرکت دادند دیدند بیدار نمی‌شود و فهمیدند که از دنیا رفته است. (1)

ص: 75

نام اصلی جناب ابوذر (رحمة الله) جُنْدَب بود. بعد از آن که خداوند پسری به او داد، نام او را «ذر» گذاشت. از این رو به او ابوذر (رحمة الله) می گفتند. از قضای روزگار، پسرش از دنیا رفت. ابوذر (رحمة الله) جسد او را دفن کرد و کنار قبر او دستش را روی خاک قبر نهاد و گفت: «سوگند به خدا، فقدان تو به من زیان نرساند و موجب خواری من نشود. مرا نیازی به غیر خدا نیست و برای همین هم اندوهی ندارم.»

ابوذر (رحمة الله) چندین فرزند داشت که همه آن ها از دنیا رفتند. شخصی به او گفت که تو هیچ فرزندی نداری. ابوذر (رحمة الله) نیز در پاسخ آن مرد گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَأْخُذُهُمْ مِنْ دَارِ الْفَنَاءِ وَيُدْخِرُهُمْ فِي دَارِ الْبَقَاءِ.» (1)

«حمد و سپاس خداوندی را که فرزندانم را از خانه فانی گرفت و در خانه همیشگی جای داد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند متعال به حضرت داود (علیه السلام) وحی فرستاد که خلاده، دختر اوس، در بهشت همنشین توست. لذا به او دستور داد که برو و او را آگاه کن و به او خبر بده که در آخرت همنشین تو است. داود (علیه السلام) به سوی او رفت و در منزلش را کوبید. خلاده بیرون آمد. داود (علیه السلام) گفت که تو خلاده، دختر اوس، هستی؟ عرض کرد که آری، ولی آن که تو می خواهی من نیستم. داود گفت که مگر تو خلاده، دختر اوس، نوه فلانی، نیستی؟ عرض کرد که آری. داود فرمود که پس تو همانی که من در پی او هستم. خلاده گفت که شاید اشتباه اسمی شده است. داود گفت که من دروغ نمی گویم. تو همانی. خلاده گفت که من تو را دروغ گو نمی دانم. به خدا

ص: 76

آنچه تعریف می کنی در خودم نمی بینم. داود (علیه السلام) فرمود که مرا آگاه کن در نهادهت چیست. عرض کرد که به زودی تو را به آنچه در من است آگاه می کنم.

همانا بر هر بلا، درد، گرسنگی و غمی که خدای تبارک و تعالی بر من بفرستد صبر می کنم و از خدا برطرف شدن آن را نمی خواهم تا این که خودش آن را برطرف کند و عافیت به من عنایت فرماید و مرا از تنگی و سختی به وسعت و گشایش کشاند. در برابر آن گرفتاری هم پاداشی از او نمی خواهم؛ بلکه خدا را بر آن مصیبت وارد شده سپاس گزاری می کنم. حضرت داود (علیه السلام) فرمود که با این خوی پسندیده، به جایی که باید برسی رسیده ای».

سپس امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دین خدا این است: آن دینی که مردمان شایسته برگزیده اند.» (1)

فرموده اند:

«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» (2)

«صبر کلید گشایش است.»

تحمل و استقامت زنان مؤمن

در تاریخ نقل است که: شخصی می گفت که با یکی از دوستانم در بیابان حجاز سفر می کردیم. راه را گم کردیم. از دور چشمان مان به خیمه ای افتاد. به طرف آن خیمه حرکت کردیم. چون به در خیمه رسیدیم سلام کردیم. زنی از میان خیمه جواب داد و پرسید شما کیستید؟ پاسخ دادیم که راه را گم کرده ایم و به ناچار به اینجا آمده ایم. زن گفت که اجازه بدهید تا درون خیمه را برای پذیرایی شما آماده

ص: 77

1- یکصد و چهل حدیث اربعین، 194؛ مشکوة الأنوار، 63.

2- بحار الأنوار، 68، 75؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 135؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، 11، 214.

کنم. پس از آن که فرشی مویی پهن کرد، گفت که بفرمایید و بنشینید تا پسرم بیاید. این سخن را گفت و چندبار پردهٔ خیمه را بالا زد و به بیابان نگریست. به ناگاه گفت: «شتری که می آید شتر فرزندم است؛ اما کسی که بر آن سوار است پسر من نیست.»

طولی نکشید که سوار نزدیک خیمه رسید و گفت: «ای ام عقیل، خدا به تو در مرگ پسر عقیل اجر دهد.» زن پرسید: «مگر عقیل مرده است؟» سوار گفت: «آری.» زن پرسید: «چه شد که مرد؟» سوار گفت: «در کنار چاه آب اشتران به هم فشار آوردند و او را در چاه انداختند.» زن گفت: «اکنون پیاده شو و از این میهمانان پذیرایی کن.» این سخن را گفت و سپس گوسفندی آورد و به آن مرد داد. او نیز گوسفند را ذبح نمود و غذایی برای ما حاضر کرد.

ما از صبر و تحمل آن زن بی اندازه تعجب کردیم و به خوردن غذا مشغول شدیم. پس از صرف غذا زن به نزد ما آمد و گفت: «هیچ کدام شما از قرآن چیزی می دانید؟» من گفتم: «آری.» زن گفت: «چند آیه از قرآن بخوان که به وسیلهٔ آن خاطر خود را در مرگ پسرم تسلی بخشم.» من هم شروع کردم و این آیات را خواندم:

(وَلَنبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ) (1)

«هر آینه شما را به ترس و گرسنگی و نقصان اموال و جان ها و میوه جات تان آزمایش می کنیم. صابران را مژده ده. آنان که چون مصیبتی به ایشان رسد، گویند که ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم. درودها و رحمت پروردگار بر آن ها باد. هدایت یافتگان همان هایند.»

ص: 78

زن که این آیات را شنید با تعجب پرسید که تو را به خدا این آیات در قرآن است؟ گفتیم: «آری، به خدا این آیات به همین ترتیب که خواندم در قرآن است». زن پس از تشکر از جا برخاست و چند رکعت نماز خواند. سپس دست به درگاه خداوند متعال برداشت و گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي فَعَلْتُ مَا أَمَرْتَنِي فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي بِهِ.»

«خدایا من دستور تو را انجام دادم (و در مرگ فرزندم صبر کردم). تو نیز درباره من به وعده خویش وفا کن.»

ما در این وقت برخاستیم و از خیمه آن زن بیرون آمدیم و به هم می گفتیم: «کامل تر از این زن به عمر خود ندیده بودیم.»

ام سلیم از همان ایام نوجوانی دختری متعهد بود. وقتی ابوطلحه که هنوز مسلمان نشده بود از او خواستگاری کرد، قاطعانه گفت: «اگر مسلمان شوی همسر تو خواهم شد». ابوطلحه مسلمان شد و در راه اسلام فردی مطیع و متعهد بود. ام سلیم نیز با او ازدواج کرد. خداوند پسری به این دو همسر مسلمان داد. چون پسر بزرگ شد و به سن جوانی رسید، بیماری سختی گرفت و بستری شد. ابوطلحه خیلی برای پسرش ناراحت بود. ابوطلحه کشاورز بود. روزها به مزرعه می رفت و شب به خانه برمی گشت و از جوانش احوال پرسی می نمود و با او مهربانی می کرد.

روزی ابوطلحه در مزرعه اش بود که جوانش از دنیا رفت. ام سلیم وانمود کرد که اتفاقی نیفتاده است. ابوطلحه خواست به بالین جوانش برود اما ام سلیم مانعش شد و با حال خنده گفت که حالش بهتر است. ابوطلحه خوشحال گردید و با همسرش به بستر خواب رفت. ام سلیم در هنگام صبح به شوهرش گفت: «اگر بعضی از همسایگان چیزی به عنوان امانت به فردی بدهند و بعد آن امانت را از او پس بگیرند و آن فرد برای این که امانت شان را از او پس گرفته اند بنشینند و گریه کند، چگونه آدمی است؟» ابوطلحه گفت: «چنین فردی دیوانه است.»

ام سلیم هم گفت: «مواظب باش تا جزو دیوانگان قرار نگیریم! خدا فرزندت را که به تو و من امانت داده بود، پس گرفت و پسرت از دنیا رفت. خدا به تو صبر دهد. خود را تسلیم مقدرات الهی کن و بی تابی مکن و آماده کفن و دفن او باش». گفتار ام سلیم ابوطلحه را آرام کرد.

ابوطلحه به حضور پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و جریان فرزندش و گفتار همسرش را بیان کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از صبر قهرمانانه ام سلیم تعجب کردند و برای او دعای خیر نموده و فرمودند:

«حمد و سپاس خداوندی را که در امت من زنی همچون زن با استقامت بنی اسرائیل قرار داده است. خدایا شب این مرد و زن را مبارك گردان.»

ام سلیم همان شب باردار شد و پس از مدتی خداوند به او پسری عطا کرد که نامش را عبدالله گذاشتند. ام سلیم او را در قنடைه پیچید و به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاد تا کام او را بگیرند و برایش دعا کنند. عبدالله که بزرگ شد از بهترین و خالص ترین مردان انصار شد و از او فرزندان شایسته ای به دنیا آمد. مردی از انصار می گوید که نه فرزند از عبدالله دیدم که همه قاری قرآن بودند. (1)

بلا؛ هدیه ای برای مخلصین

این گونه حکایات می تواند برای مصیبت زدگان مایه آرامش باشد. در ارزش شیعیان بردبار که جامه زیبای صبر را برازنده خویش کرده اند، همین بس که از ناحیه امام صادق (علیه السلام) بشارتی برای پیروان واقعی اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است:

«إِنَّا صَبْرٌ وَ شِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِمَّا قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ

ص: 80

1- یکصد و چهل حدیث اربعین، ج 1؛ یکصد داستان و پند، 44 و 96؛ درس سخنوری، 2، 64.

قَالَ لِأَنَا نَصِيرٌ عَلَى مَا نَعْلَمُ وَشَيْعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ.» (1)

«ما خاندان وحی بسیار صبور و با استقامت هستیم. ولی پیروان ما از ما صبورتر و پایدارترند. گفتیم که فدای شما گردم! چگونه شیعیان شما از خود شما صبورتر هستند؟ امام (علیه السلام) فرمودند که ما بر آنچه می دانیم (یعنی از عاقبت امور و حوادث آگاهیم) صبر و مقاومت می کنیم، در حالی که شیعیان ما بر آنچه نمی دانند (از عاقبت امور بی خبرند) شکیبایی می ورزند.»

شکیبایی برکات و نعمت های فراوانی دارد:

«وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً.» (2)

«به درستی که درختان بیابانی چوب شان سخت تر است؛ اما درختانی که مجاور رودخانه هستند ضعیف هستند.»

پس مشخص است که هر کسی توان دریافت چنین هدایایی (بلایا) را از طرف خداوند نخواهد داشت؛ چراکه مختص بندگان مخلص اوست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ مَا يُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ - تُحْفَةً إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا صَدَرَفَهَا عَنْهُمْ وَلَا بَلِيَّةَ إِلَّا صَدَرَفَهَا إِلَيْهِمْ.» (3)

«خدا در زمین بندگان خالصی دارد که از تحفه های آسمانی به اهل زمین اعطا نمی کند مگر اینکه آنها را از آن محروم می دارد و هیچ بلایی نازل نمی کند مگر اینکه آن را به سمت ایشان جاری می سازد.»

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ابراهیم بن مهزیار فرمود:

ص: 81

1- الکافی، الإسلامية، 2، 93؛ تفسیر القمی، 1، 365؛ بحار الأنوار، بیروت، 24، 216 و 68، 80 و 108، 335؛ تفسیر نور الثقلین، 4، 133 و 2، 497؛ مجمع البحرین، 3، 358.

2- نهج البلاغه، نامه 45؛ نهج البلاغه للصبحی صالح، 418؛ شرح الکافی، صالح مازندرانی، 12، 90؛ بحار الأنوار، بیروت، 33، 475 و 40، 341.

3- الکافی، 2، 253.

«وَهُمْ مَعَشَرٌ يَطْلِعُونَ بِمِخَابِلِ الذَّلِيلِ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِرَّةٌ أَعْرَاءٌ يَبْرُؤُونَ بِأَنْفُسِهِمْ مُخْتَلِفَةً مُحْتَاجَةً وَهُمْ أَهْلُ الْفَنَاءِ وَالْإِعْتِصَامِ.» (1)

«آن گروه اهل خالص کسانی هستند که [بر اثر فقر و دوری از مقام و پست] در معرض ذلت قرار می گیرند، در حالی که نزد خداوند از نیکوکاران و روسفیدان هستند. خداوند آنان را به تحمل سختی ها و دشواری ها در دنیا اختصاص داده است تا عزت در سرای همیشگی شامل حال آنان گردد. خداوند طبع آن ها را بر شکیبایی سرشته است تا عاقبت نیکو و کرامت جاودان از آن آنان باشد.»

احوال این بندگان که از نظر ایمان در رتبه رفیعی قرار دارد مانند احوال دیگران نیست: بلایی مردم عادی به دلیل خطاها و گناهان شان است که به سبب آن نیز آمرزیده می شوند. اما در بندگان مخلص خدا هرچه ایمان بیشتر شود شدائدشان نیز افزون تر می گردد تا مراتب معنوی بیشتری را کسب نمایند. شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد که آیا بلاها برای زدودن گناه مؤمن است؟ ایشان فرمودند:

«خیر. لکن خدا به این وسیله می خواهد ناله و دعای مؤمن را بشنود تا حسناش افزون و گناهانش نابود شود.» (2)

پس اگر به دیده بصیرت و عقلی که با کلام معصومین (علیهم السلام) بارور گشته است به بلاها و مخصوصاً به فقر و مریضی بنگریم، می فهمیم که بلاها، با تمام تلخی هایشان، بهترین هدیه خداوند متعال هستند. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«همچون شخص غایب که خاندان خود را با هدیه دیدار می کند، خداوند با مؤمن به وسیله بلا تجدید عهد می کند.»

ص: 82

1- کمال الدین و تمام النعمة، 2، 448؛ مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر (عليهم السلام)، 8، 196؛ بحار الأنوار، بيروت، 52، 35؛ یاد مهدی آرام دل، 149.

2- لآلی الأخبار، 107.

«پروردگار متعال با مؤمن پیمان بسته است که چهل روز بر او نمی گذرد، مگر آن که به وسیلهٔ مریضی در وجودش یا مصیبتی در اهل و اموالش یا مصیبتی دیگر از مصیبت های دنیایی او را بیازماید تا در برابر آن پاداش [عظیمی] عطايش کند.» (1)

چیزی که در این هدایای آسمانی یافت می شود انواع بلاها و گرفتاری هاست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مؤمن از یکی از سه حالت جدا نمی شود یا چه بسا هر سه برایش جمع می گردد: این که با او کسی باشد که در خانه اش را بر او ببندد یا همسایه ای که به او آزار برساند یا کسی که در مسیر راه نسبت به خواسته هایش اذیتش نماید. اگر مؤمن بر بلندترین قله کوه برود خدای متعال شیطان را می فرستد تا او را اذیت کند. در این حالت خداوند ایمانش را انیس او می گرداند.» (2)

یکی از بلاهای سخت آزاردین مؤمنان از ناحیه جاهلان و منافقین است. آنان بر اثر نداشتن آگاهی صحیح از دین یا مبتلا شدن به مرض قلبی (نفاق) و به تحریک شیاطین، قلوب مؤمنین را با اعمال و رفتار و گفتار خویش مجروح می نمایند. همه انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) و مؤمنین در هر دوره ای به این مصیبت مبتلا بوده اند. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرموده اند:

«حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) نسبت به آنچه از مردم می شنیدند و همچنین سختی هایی که از سوی مردم به ایشان می رسید به حضرت عیسی (علیه السلام) شکایت کردند. پس حضرت فرمودند که مؤمنین همیشه تحت دشمنی دیگران هستند و ایمان شان همچون دانه گندمی است که گواراتر و خوش خوراک تر از آن وجود ندارد؛ در حالی که سختی هایی

ص: 83

1- ترجمه کتاب المؤمن، 39؛ مستدرک الوسائل، 2، 646، ح414.
2- ترجمه کتاب المؤمن، 41؛ الکافی، 2، 249، ح2؛ جامع الأخبار، 353، ح984.

بسیاری از مؤمنان در هر عصری دست خوش چنین مصیبت هایی می شوند. مصداق این روایت مؤمنین عصر غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. شخصی نزد امام صادق (علیه السلام) از فرزندان و برادرانش شکایت کرد. حضرت فرمودند:

«ای مرد، به درستی که برای حق دولتی است و برای باطل دولتی. هر يك از ایشان در دولت دیگر ذلیل هستند. کمترین چیزی که در دولت باطل به مؤمن می رسد حقوق فرزندان و جفای برادرانش می باشد. هر مؤمنی که در دولت باطل خوشی داشته باشد قبل از مرگش به گرفتاری مبتلا خواهد شد: یا در بدنش یا در فرزندانش یا در مالش. تا خدا او را از آنچه در دولت باطل کسب نموده است خالص گرداند و نصیب او را در دولت حق فزونی دهد. پس صبر کن و بشارت باد تو را.» (2)

راضی بودن به قضای الهی

آنچه در کنار صبر برای مؤمن ضروری است و مکمل صبر است داشتن رضایت به قضای الهی می باشد. ممکن است شخصی در هنگام مصائب سکوت کند و در ظاهر انسان صبوری باشد؛ اما در دل از خداوند شاکی باشد و به این قضای الهی راضی نباشد. در این حالت به چنین فردی صبور اطلاق نمی گردد.

راضی بودن به قضای الهی از ضروریات اعتقادی است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يَكْفَأُ بِهِ عَظِيمُ الْجَزَاءِ فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ

ص: 84

1- ترجمه کتاب المؤمن، 47؛ اعلام الدین، 36، 123.

2- یأتی علی الناس، 281؛ الکافی، 3، 447.

فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرَّضَا وَ مَنْ سَخِطَ الْبَلَاءَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ السَّخْطُ.» (1)

«بزرگی ثواب متناسب با بزرگی بلاست. پس هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد به بلاهای بزرگ گرفتارش می کند. پس اگر بر آن بلاها راضی بود، خدای متعال هم از او راضی می شود و اگر ابراز نارضایتی کرد، خداوند هم از او راضی و خشنود نخواهد بود.

پس تا می توان باید جامعه رضا و تسلیم را بر اندام ایمان پوشانید. سرمایه این جامعه الهی همان کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الدِّينُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّسْلِيمُ وَالرِّضَا.» (2)

«دین به منزله درختی است که ریشه آن تسلیم و خشنودی به قضا و قدر الهی است.»

ریشه دین تسلیم در برابر امر خدا و رضایت بر مقدرات اوست. در شب معراج میان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خداوند سؤال و جوابی رد و بدل شد:

«يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ.» (3)

«چه عملی از همه اعمال برتر است؟ حق تعالی فرمود که در نزد من کاری از توکل بر من و رضایت به آنچه قسمت کرده ام برتر نیست.»

درواقع نهایت بندگی کسب همین چهار مقام است:

توکل؛ رضایت به قضای الهی؛ تسلیم؛ سپردن امور به خدا.

خداوند متعال با سپردن مؤمن به دریای صبر و تسلیم، شناکردن در دریای موج امتحان ها و ابتلائات را به او می آموزد. کسانی که از شنا در این دریا امتناع ورزند،

ص: 85

1- الکافی، الإسلامية، 2، 253؛ تحف العقول، 41؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 209 و 74، 144 و 78، 207؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 1، 48؛ وسائل الشیعة، 3، 252.

2- عیون الحکم و المواعظ، لیبی، 46؛ غرر الحکم و درر الکلم، 67؛ شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، 1، 329.

3- بحار الأنوار، 74، 21؛ الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة، 382.

جز بدبختی و خواری چیزی عایدشان نشده و همه تلاش طاقت فرسای شان بدون محصول خواهد بود. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ اغْتَمَّ كَانَ لِلْغَمِّ أَهْلًا فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ بِاللَّهِ وَبِمَا صَنَعَ رَاضِيًا.» (1)

«هر کسی که اندوهی داشته باشد شایسته اوست (چراکه بر اثر جهل و رضایت نداشتن به قضای الهی به اندوه مبتلا می شود). مؤمن باید به آنچه خداوند متعال برایش پیش می آورد خشنود باشد.»

آری، ایمان به خداوند فقط با رسیدن به سه مهم در فرمایش امام محمد باقر (علیه السلام) حاصل می شود:

«بنده بین سه چیز است: بلا؛ قضا؛ نعمت. پس بر بنده واجب است که در بلا و امتحان صبر کند و در برابر قضای الهی تسلیم باشد و نعمت الهی را شکر کند.» (2)

هرچه معرفت و آگاهی انسان در دین بیشتر شود کسب این مقام ها برای او ضرورت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا هدف از آموختن اطاعت از امر و نهی خداوند است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداشناس ترین و عالم ترین مردمان کسی است که به قضای الهی بیش از همه راضی باشد.» (3)

همچنین برای تأکید بر کسب این مقام ها فرموده اند:

«کسی که به خداوند متعال معرفت داشته باشد باید بیشتر از دیگران در برابر قضای الهی تسلیم باشد. مقدرات (امتحان ها و ابتلائات) بر کسی که به آن راضی باشد وارد می شود که ثواب اخروی را هم برای او

ص: 86

1- بحار الأنوار، 68، 152؛ التمهیص، 59.

2- خصال، 43؛ بحار الأنوار، 68، 43، ح 41.

3- الکافی، 2، 60؛ بحار الأنوار، 69، 333.

به همراه خواهد داشت. اما کسی که که بلایا را ناپسند بداند قضای الهی بر او هم وارد می شود؛ ولی ثوابی نخواهد داشت.» (1)

حقیقت ایمان به مقاومت در برابر بلاهاست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ الْجَبَلُ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.» (2)

«مؤمن از کوه سخت تر است؛ زیرا از کوه قطعاتی جدا می شود؛ ولی از اعتقاد مؤمن چیزی کم نمی گردد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«رَأْسُ كُلِّ طَاعَةِ اللَّهِ الرَّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ إِلَى الْعَبْدِ فِيمَا أَحَبَّ وَفِيمَا كَرِهَ.» (3)

«سرآمد همه اطاعت ها رضایت به تقدیرات الهی است؛ اگرچه فرد از این تقدیر متنفر باشد.»

همچنین فرمودند:

«الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ.» (4)

«خشنودی به تقدیرات ناپسند رفیع ترین درجه یقین است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«حَقُّ اللَّهِ فِي الْعُسْرِ الرِّضَا وَالصَّبْرُ وَحَقُّهُ فِي الْيُسْرِ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ.» (5)

«حق خداوند متعال بر بنده در حالت سختی آن است که شکیبایی ورزد و به مقدرات الهی راضی باشد و حق خداوند بر بنده در حالت راحتی ستایش و شکرگزاری است.»

ص: 87

1- بحار الأنوار، 68، 153؛ چرا مرا آفریدند، 189.

2- الکافی، الإسلامية، 2، 241؛ الوافی، 5، 819؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9، 281؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 362.

3- الدعوات، راوندی، 123؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 156.

4- تحف العقول، 278؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 152؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 413.

5- تحف العقول، 208؛ غرر الحکم و درر الکلم، 351؛ شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، 3، 408.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس در هنگام مصیبت صبر کند و کلمه استرجاع و حمد خداوند را بگوید، به قضای الهی راضی شده است. پاداش صبر او نیز با خداست. اما آن کس که در هنگام مصیبت چنین نکند، قضای الهی به او خواهد رسید و او در نهایت به دلیل بی صبری اش سرزنش می شود و خداوند نیز پاداشی به وی نخواهد داد.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«نشانه خشنودی خدا از بنده اش آن است که بنده به قضای خداوند متعال در حقش، خواه به نفع او باشد و خواه در ظاهر به ضرر او، خشنود شود.» (2)

جابر بن عبدالله انصاری که از یاران خاص پیغمبر گرامی اسلام (علیه السلام) بود تا زمان حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) زنده بود؛ و پیری او را ناتوان کرده بود. روزی امام محمد باقر (علیه السلام) به او فرمودند: «حالت چطور است؟» جابر عرض کرد: «من در حالی هستم که پیری را به جوانی و بیماری را به سلامتی و مرگ را به زندگی ترجیح می دهم. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«اما من آنچه را خدا بخواهد دوست دارم.»

جابر در مقام صبر بود و حضرت سخن از مقام رضا می گفتند! جابر عرض کرد: «ای پسر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، شما در چه حالت هستید که من نیز همان طور باشم؟» حضرت فرمودند:

«در حالی هستیم که اگر خدا صحت دهد خشنود و اگر بیمار کند راضی خواهیم بود. در فقر، غنا، مرگ و حیات ما را از خود رأیی نیست. (وتابع)

ص: 88

1- بحار الأنوار، 71، 96.

2- ینابیع الحکمة، ج 2.

باید در سختی‌ها به سوی خداوند متعال و ائمه اطهار (علیهم السلام) پناه برد و در هنگام بلایا، با حفظ مراتب تسلیم و رضا، باب دعا را به سوی خود گشود؛ زیرا به هنگام شدائد فقط دعا راهگشاست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«از پروردگار خود عفو، گذشت، عافیت و سلامتی درخواست کنید؛ چون شما مرد میدان حوادث و مصائب نیستید. امت‌های پیش از شما، از گروه بنی اسرائیل، افرادی بودند که بدن‌شان را با منشار و ازاره نجاری دو نیم می‌کردند تا آن‌ها تسلیم شوند و کفر را بر ایمان ترجیح دهند؛ ولی آنان به هیچ وجه خواسته کافران را اجابت نمی‌کردند.» (1)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده اند:

«مَا أَبَالِي أَصْبَحْتُ فَقِيْرًا أَوْ مَرِيضًا أَوْ غَنِيًّا لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَا أَفْعَلُ بِالْمُؤْمِنِ إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ.» (2)

«باکی ندارم که فقیر باشم یا بیمار یا ثروتمند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید که هرچه برای مؤمن انجام می‌دهم خیر است.»

علت فقر در امرار معاش

باید یقین داشت که همه شدائد و بلاها با تمام تلخی‌ها و گرفتاری‌هایشان، برای مؤمن، سراسر خیر است. اعتقاد به این مطلب عالی‌ترین مقام عبادی مؤمن است و به برکت این اعتقاد خداوند متعال او را از گمراهی و افتادن در دام‌های دنیوی نجات خواهد داد. در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است:

«يَقْبَلُ الْمَلِكُ فَيْصُدُّهُ بِالطُّفْلِ اللَّهُ فَيَصْبِحُ وَهُوَ يَقُولُ لَقَدْ دُهَيْتُ وَمَنْ دَهَانِي فَعَلَ اللَّهُ بِهِ وَفَعَلَ وَمَا يَدْرِي أَنَّ اللَّهَ النَّاطِرُ لَهُ فِي ذَلِكَ وَكَوْظِفِرَ بِهِ أَذْخَلَهُ النَّارَ.» (3)

ص: 89

1- محاسن، 15، 178.

2- التمهيص، 57؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 151.

3- التمهيص، 56؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 243؛ چرا مرا آفریدند، 185.

«همانا بنده مؤمن در طلب امارت یا تجارتی می رود. همین که نزدیک است تا به آن برسد خداوند متعال فرشته ای را می فرستد و به او می گوید که جلوی بنده مرا بگیر و مانع او شو که اگر بر آن دست یابد باعث به دوزخ رفتنش می گردد. پس آن ملك می آید و او را به لطف الهی از موفق شدن در آن امر باز می دارد. در حالی که این بنده با خودش می گوید که شکست خوردم و سقوط کردم و هر کس مرا به زمین زد خداوند چنین و چنانش کند! اما نمی داند که خداوند ناظر بر اوست و اگر موفق به آن می شد به واسطه رسیدن به آن مطلب و مقصود در آتش می افتاد.»

باید دانست که هر حادثه ای برای اهل ایمان خیر است؛ چراکه خداوند متعال از روی مهربانی برای تربیت نفوس و رسیدن به کمالات، تدبیر امور بندگان را بر اساس حکمت وضع می فرماید. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره فرموده اند:

«خداوند عزوجل فرموده است که بعضی از بندگان مؤمن من آن هایی هستند که امور دین آن ها فقط با توسعه در امر معیشت و صحت در بدن شان اصلاح می گردد. پس آن ها را با ثروت و تن درستی آزمایش می کنم. اما بعضی دیگر از بندگان آن هایی هستند که مصلحت دین شان در فقر و مریضی است. پس ایشان را به تنگ دستی و امراض جسمی مبتلا می گردانم تا دین شان به اصلاح درآید.» (1)

با این اوصاف تسلیم در برابر تقدیرات الهی حتی درباره فرزند امری الزامی است. این حق تعالی است که به اراده خویش فرزند ذکور یا اناث را در رحم مادر خلق می نماید. در "سفینة البحار" نقل شده است که روزی یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) نزد آن حضرت آمد. حضرت متوجه اندوه او شدند. علت را سؤال کردند.

ص: 90

وی عرض کرد که خداوند به ما دختری عطا فرموده است و به همین دلیل ناراحت هستیم. حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«اگر خداوند به تو وحی می فرستاد که می خواهی من برای تو تقدیر امور و صلاح بینی کنم یا این که تو خود امور خویش را تقدیر کنی چه می گفتی؟»

عرض کرد که می گفتم: «خداوند امور مرا تقدیر کند؛ زیرا او به مصالح و امور من بیشتر مطلع است. حضرت فرمودند:

«پس چرا با این که خداوند برای تو صلاح دیده که به تو دختر عنایت فرماید باز هم ناراحتی؟ مگر نمی دانی که به امر حضرت حق خضر (علیه السلام) آن پسر را به قتل رسانید و در عوض آن پسر، خداوند به پدر و مادرش دختری عطا کرد که هفتاد پیغمبر از نسل او به دنیا آمدند؟ آیا پسری که سبب اغوا و هلاکت پدر و مادرش گردد بهتر است یا دختری که مادر هفتاد پیغمبر شود؟» (1)

تمامی گرفتاری ها برای اهل ایمان جز خیر و سعادت چیز دیگری نیست. حتی اگر تمام دنیا مال او باشد یا از شدت فقر و قرض به زندان برود یا مثل حضرت یوسف (علیه السلام) سال های متمادی در کنج زندان در اندوه به سر برد یا مثل حضرت سلیمان (علیه السلام) ممالک زیادی تحت سیطره اش باشد، تخت سلطنت و کنج زندان، هر دو برایش خیر و سعادت است. امام صادق (علیه السلام) به بیماری شدیدی مبتلا شده بودند. از سر مبارك حضرت چیزی [از پوست و گوشت] نمانده بود. آن گاه در همان حال به شخص عیادت کننده فرمودند:

«اگر مؤمن صبح کند و آنچه بین مشرق و مغرب است مال او باشد خیر اوست و اگر صبح کند و اعضای بدنش قطعه قطعه گردد، باز هم خیر اوست. ای فضیل، خداوند متعال آنچه خیر مؤمن است انجام

ص: 91

می دهد.» (1)

مؤمن همه حوادث را خیر می بیند و تسلیم تقدیرات الهی می شود. از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند:

«بِأَيِّ شَيْءٍ عَلِمَ الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ؟» (2)

«مؤمن از کجا بداند که مؤمن است؟»

حضرت در پاسخ فرمودند:

«بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَالرِّضَا بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُورٍ وَسَخَطٍ.» (3)

«با تسلیم در برابر خدا و خشنودی به آنچه بر او وارد می شود؛ چه باعث شادی او گردد و چه موجب خشم او.»

حقیقت ایمان

از ابان بن تغلب نقل شده است که عده ای از اصحاب نزد امام صادق (علیه السلام) نشسته بودند. ایشان خطاب به آن ها فرمودند:

«هیچ بنده ای شایسته حقیقت ایمان نیست تا این که مرگ در بر او از زندگی پسندیده تر باشد و بیماری برای او از تن درستی خوش تر باشد و فقر و نداری برایش از توانگری دوست داشتنی تر باشد. آیا شما این چنین هستید؟»

همه گفتند: «به خدا که نه». چون امام (علیه السلام) دیدند که آن ها غمگین و شرمسار شده اند، فرمودند:

ص: 92

1- کافی، 2، 263؛ بحار الأنوار، 64، 15.

2- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، 17؛ وسائل الشیعة، 3، 252؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 201 و 68، 157.

3- الکافی، الإسلامیة، 2، 63؛ الوافی، 4، 279؛ وسائل الشیعة، 3، 252؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 15؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 205؛ نسیم هدایت، 221؛ محاسن، 2، 328.

«آیا دوست دارید که هر چه می خواهید در این جهان بمانید و سپس بر مذهبی ناحق بمیرد یا دوست دارید که بر عقیده خود بمیرد؛ اگر چه عمرتان کوتاه باشد؟»

آنان گفتند: «قطعاً هر کدام ما دوست دارد بر عقیده خود بمیرد». ایشان فرمودند:

«بنابراین من می دانم که مردن نزد شما از زیستن بهتر است. آیا شما دوست دارید که دائماً شاد باشید و به بلایی گرفتار نشوید و در عوض بر مذهبی ناحق بمیرید؟»

همه گفتند: «نه». حضرت فرمودند:

«پس می دانم که بیماری نزد شما از تن درستی بهتر است.»

سپس فرمودند:

«آیا دوست دارید که مالک همه چیزی باشید؛ اما بر مذهبی ناحق بمیرید؟»

همه گفتند: «نه». حضرت فرمودند:

«پس می دانم نداری نزد شما بهتر از توانگری است.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره تقویض کارهای خویش به حق تعالی این چنین فرمودند:

«رَضِيتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي، كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ فِيمَا مَضَى كَذَلِكَ يَحْسِنُ فِيمَا بَقِيَ.» (2)

«به آنچه خداوند قسمتم کرده است راضی شدم و کار خود را به خالق خویش سپردم. همان گونه که در گذشته به من احسان کرده است در آینده هم احسان می کند.»

مؤمن کسی است که در مواجهه با مشکلات تسلیم کامل خداست. چنان که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ص: 93

1- روضه کافی، 2، 98.

2- بحار الأنوار، بیروت، 34، 428 و 68، 148؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، 11، 389.

«إِذْضَ بِمَا قُسِمَ لَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا.» (1)

«به آنچه می رسد راضی باش تا مؤمن باشی.»

دلیل این مطلب نیز در حدیث ذیل مشخص شده است:

«لَمْ يَفْتِ نَفْسًا مَا قَدَّرَ لَهَا مِنَ الرِّزْقِ.» (2)

«هرکسی به روزی مقدر خود دست پیدا می کند.»

خداوند می فرماید:

«وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (3)

«اگر از خدا به توزیانی برسد تنها برطرف کننده آن خداست. اگر هم برای تو خیری بخواهد کسی نمی تواند مانع بخشش او گردد. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند. او آمرزنده مهربان است.»

فرموده اند:

«لَنْ يَغْلِبَكَ عَلَى مَا قَدَّرَ لَكَ غَالِبٌ.» (4)

«هرگز فرد دیگری به آنچه برایت مقدر شده است دست پیدا نمی کند.»

وقتی مؤمن به این دیدگاه رسید دیگر دغدغه روزی خود را نخواهد داشت؛ چراکه نگاه وی به رازق حقیقی معطوف است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«لَنْ تُدْرِكَ مَا زُوِيَ عَنْكَ فَأَجْمَلْ فِي الْمُكْتَسَبِ.» (5)

«آنچه از تو پوشیده شده و کنار گرفته است به تو رسیدنی نیست. پس حرص نداشته باش.»

ص: 94

1- غرر الحکم و درر الکلم، 135؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 397.

2- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 414؛ غرر الحکم و درر الکلم، 563.

3- سوره مبارکه یونس، آیه شریفه 107.

4- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 408؛ غرر الحکم و درر الکلم، 554.

5- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 408؛ غرر الحکم و درر الکلم، 554؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 13، 33.

درباره این حدیث شریف ذکر چند نکته ضروری است:

1. محکّمات آیات و روایات و عقل بر این دلالت دارد که روزی انسان فقط با تلاش به دستش می رسد. امام (علیه السلام) هم فرمودند که چون روزی تقسیم شده می باشد نیازی به تحصیل آن نیست. بنابراین اگر کسی بخواهد با استناد به این فوموده سستی خود را در کسب روزی توجیه کند به اشتباه افتاده است.

2. این روایات به کیفیت طلب روزی اشاره دارند و بیان می دارند که فرد در کسب روزی باید اعتدال را حفظ کند. مراجعه به لغت «جمیل» و «جمال» و مشتقات آن نشان می دهد که برای بیان بهترین نوع اعتدالی که بشر می تواند در این زمینه به کار گیرد لغتی مناسب تر پیدا نخواهد شد. (1)

همچنین فرمودند:

«لَنْ يُفُوتَكَ مَا قُسِمَ لَكَ فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ.» (2)

«آنچه قسمت تو هست از دستت نمی رود. بنابراین برای طلب روزی آهسته برخورد کن.»

با این تقسیم و اندازه گیری هر چیزی برای نظم و تعادل در جهان هستی در جایگاه خودش قرار خواهد گرفت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«بِتَقْدِيرِ أَقْسَامِ اللَّهِ لِلْعِبَادِ قَامَ وَزُنُ الْعَالَمِ وَ تَمَّتْ هَذِهِ الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا.» (3)

ص: 95

1- در واقع توجیه آن با یک کلمه فارسی ممکن نبوده و به نظر حقیر به راحتی گذشتن از ترجمه آن ظلم به روایت تلقی می شود و موجب انحراف مضمون می شود و این اتفاق ناگواری است که متأسفانه در ترجمه و تبیین آیات قرآن و روایات شریف بسیار اتفاق افتاده است؛ زیرا کلام وحی ویژگی ها و ظرافت های فوق العاده ای دارد که گوینده یا مترجم به ناچار باید با لحن و قول آن آشنا شود؛ لذا امام صادق (علیه السلام) ضمن فرمایش هایی خطاب به مفضل بن عمر فرمودند: «إِنَّمَا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَقِيهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ؛ قسم به خداوند کسی از شیعیان را در عداد فقیهان بشمار نمی آورم، مگر این که لحن کلام ما را بشناسد.» (بحار الأنوار 2، 208)

2- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 408؛ غرر الحکم و درر الکلم، 554؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 13، 33.

3- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 186؛ غرر الحکم و درر الکلم، 303؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 102.

«خداوند با اندازه گیری تقدیرات برای بندگان، تعادل جهان را سرپا نگه می دارد و این دنیا را برای اهل آن تمام و کمال می گرداند.»

نیز فرموده اند:

«الْمُؤْرُ بِالْتَّقْدِيرِ لَا بِالْتَّدْبِيرِ.» (1)

«کارها وابسته به مقدرات الهی است، نه به تدبیر شخص.» (2)

همچنین فرموده اند:

«به راستی که خداوند کارها را به مقتضای مشیت خودش می گرداند، نه آن طوری که به دل خواه تو است.» (3)

به فرموده پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تقدیرات به اقتضای حکمت الهی جاری می گردند:

«يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَاللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّحِ الْمَرْضَى فِيمَا يَعْلَمُهُ الطَّيِّبُ وَيَدْبِرُهُ بِهِ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ الْمَرِيضُ وَيَقْتَرِحُهُ
أَلَا فَسَلِّمُوا لِلَّهِ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ.» (4)

«ای بندگان، خدا شما مانند مریضانی هستید و پروردگار عالمان همانند طیب. صلاح مریض در آن تدبیر طیب است، نه در میل مریض. آگاه باشید و تسلیم امر خداوند شوید تا در ردیف سعادت مندان قرار بگیرید.»

بنابراین اگر طیب مهربان برای مریض دارویی (فقر یا حوادث دیگر) تجویز

ص: 96

1- غرر الحکم و درر الکلم، 107؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 102؛ مختصر البصائر، 363.

2- تدبیر شخص در حیطه ای است که خداوند مقرر فرموده، مضاف بر این که در همان حیطه هم به مقدرات کلی و بدا مقید است.

3- غرر الحکم، فصل 9، حدیث 56.

4- الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، 1، 42؛ البرهان فی تفسیر القرآن، 1، 342؛ بحار الأنوار، بیروت، 4، 107 و 81، 61؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 3، 177؛ تفسیر الصافی، 1، 196.

نمود برای بهبودی او می باشد. این امر مهم را پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به تمام مؤمنین گوش زد فرمودند:

«هان ای مؤمنان، مبدا مانند بنی اسرائیل باشید و ارزش نعمت های الهی را ندانید و از طرف خود به خدا پیشنهاد نمایید. اگر یکی از شما به کم رزقی شد یا وضعی ناخوشایند مبتلا گردید، مبدا در تغییر وضع زندگی خود اصرار داشته باشد و در درخواست خود از خداوند پافشاری نماید؛ زیرا امکان دارد همان چیزی که اصرار می ورزد باعث هلاکت او گردد. بلکه باید این طور دعا کنید که پروردگارا، به حق مقام شامخ محمد و آل محمد (علیهم السلام) اگر آنچه موافق میل من نیست؛ اما موجب خیر و سعادت من است و به صلاح دین من است برایم اتفاق افتاد توفیق صبر در برابر آن را به من عطا فرما و برای تحمل آن مرا نیرومند گردان. اما اگر صلاح من در خلاف آن است به فضل وجود خود آن را به من عنایت فرما. مرا در هر حال به قضای خود راضی بگردان که حمد و سپاس فقط برای تو است. چون این چنین دعا کنید تقدیرات الهی برایتان نیکو خواهد شد و موجبات خیر و صلاح تان به آسانی فراهم خواهد گشت.» (1)

وقتی که مؤمن این گونه بیاندهد و عمل نماید به آسایش خاطر خواهد رسید. به علاوه آن که برای ارج نهادن به این تسلیم، هیچ حکمی از ناحیه خدای تعالی برای او صادر نمی گردد مگر اینکه خیر وی در آن باشد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر حکمی که خدا برای مؤمن وضع می کند و به آن رضایت می دهد برای مؤمن خیر است.» (2)

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند:

«هر کس مطمئن باشد که خداوند بهترین ها را برای او انتخاب می کند،

ص: 97

1- بحار الأنوار، ج 71، باب 63، ح 46.

2- چرا مرا آفریدند، 104؛ التمهیص، 59، ح 153؛ بحار الأنوار، 68، 152.

هرگز آرزو نخواهد کرد که حالش غیر از آن چیزی باشد که خداوند برایش برگزیده است.» (1)

واگذاری امور به خدای تعالی

وظیفه مؤمن ایمان به خدا و باور به خیرخواه بودن اوست. خداوند به اقتضای کرمش تدبیر کار مؤمن را بر اساس مصلحت وی به سرانجام نیکی می‌رساند. پس واگذاری کارها به خداوند تصمیمی بسیار عاقلانه خواهد بود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«خداوند متعال می‌فرماید که بعضی از بندگان صلاح شان در بیماری است و چنانچه به آنان تن درستی عطا کنم تباه می‌گردند. بعضی دیگر صلاح شان در غناست و اگر فقیر شوند فاسد می‌گردند. بعضی دیگر صلاح حالشان فقر است و چنانچه ثروتمند گردند سرکشی می‌کنند. از آن جایی که به دل‌های بندگانم و به اسرار آن‌ها آگاهم چگونگی تدبیر امر آن‌ها را بهتر می‌دانم.» (2)

شخص دانا و مؤمن باید به درجه‌ای از یقین برسد که خداوند را وکیل خود قرار دهد و در هیچ کاری به عملکردهای وکیل معترض نگردد؛ زیرا تمامی هم وکیل در نجات موکل خویش است و بر خود واجب می‌داند تا موکل خود را از زندان

ص: 98

1- بحار الأنوار، 75، 106.

2- تفسیر جامع، 6، 244؛ مجمع البیان، 5، 30؛ اگر شخصی بگوید که بسیاری از ثروت مندان را می‌بینیم که در روی زمین طغیان و فساد می‌کنند، پس چگونه صلاح حال ایشان غنا و ثروت است، صاحب نظران خواهند فرمود: «شاید حال آنان از حیث غنا و فقر در فساد و ستم و طغیان مساوی باشد یا چنانچه اگر فقیر بودند طغیان و فسادشان زیادتر می‌شد. علاوه بر آن، پس از آن که دانستیم پروردگار تدبیر امور بندگان را از روی صلاح و مصلحت انجام می‌دهد، دیگر جای چنین سؤالی باقی نخواهد ماند.»

گرفتاری ها نجات دهد. امام صادق (علیه السلام) درباره اطمینان به وکیلی همانند خداوند فرمودند که خداوند به موسی بن عمران (علیهما السلام) فرمود:

«هیچ مخلوقی نیافریدم که از بنده مؤمنم در نزد من محبوب تر باشد. من او را تنها برای چیزهایی که خیر او در آن هاست گرفتار می نمایم. پس باید بر بلاها و امتحان های من صابر و در مقابل نعمت های من شاکر باشد و به قضای من راضی گردد. چنان چه به رضای من عمل کند و امر مرا اطاعت نماید او را نزد خود در زمره صدیقان قرار خواهم داد.» (1)

دل های مؤمنین در حوادث در آرامش است؛ زیرا به گفته پروردگار خویش ایمان دارند. خداوند منان فرموده است:

«اگر بنده مؤمنم را به بلایی گرفتار کنم قطعاً برای او مفید است. پس باید به قضای من خشنود باشد و بر آزمایش های من صبر کند و بر نعمت هایم شاکر باشد تا نام او را جزو صدیقین خویش ثبت کنم.» (2)

به یقین پس از صبر و تحمل سختی ها خداوند هم از غم هر مصیبتی می کاهد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّ لِلْمُحَنِّ غَايَاتٍ لَا بُدَّ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيْهَا فَيَجِبُ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَنَامَ لَهَا إِلَى إِدْبَارِهَا.» (3)

«محنت و رنج پایانی دارد. پس بر عاقل لازم است که آرام بگیرد تا سختی ها سرآید.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«وَاعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.» (4)

ص: 99

1- چرا مرا آفریدند، 196؛ مجالس مفید، 63؛ بحار الأنوار، 64، 235.

2- بحار الأنوار، 69، 330.

3- كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام)، القديمة، 2، 346؛ بحار الأنوار، بيروت، 75، 79؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء (عليها السلام) إلى الإمام الجواد (عليه السلام))، 23، 276.

4- من لا يحضره الفقيه، 4، 413؛ الأمالی، طوسی، 536 و 675؛ الوافی، 26، 161؛ وسائل الشیعة، 15، 263؛ بحار الأنوار، بیروت، 74، 79، 138.

«بدان که نصرت با صبر و گشایش با اندوه و سختی ها با آسانی همراه است.»

(فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ) (1)

«اورا اجابت کردیم و از غم رهایی دادیم. ما این چنین مؤمنان را نجات خواهیم داد.»

در اجابت حتمی دعای دل شکستگان شکی نیست؛ اما زمان دقیق اجابت دعا معلوم نیست. زیرا هر امتحانی بر اساس حکمت خداوند متعال برای تربیت بندگان می باشد. لذا بنده باید تحمل کند تا این درخت باری پر ثمر و لذیذ و بدون آفت بدهد.

امام حسن عسکری (علیه السلام) در روایت ذیل، در کلامی بسیار زیبا، فرمودند:

«فَلَا تَعْجَلْ عَلَى ثَمَرَةٍ لَمْ تُدْرِكْ وَ إِنَّمَا تَنَالُهَا فِي أَوَانِهَا وَ اعْلَمْ أَنَّ الْمُدَبِّرَ لَكَ اعْلَمْ بِالْوَقْتِ الَّذِي يَصْلُحُ حَالُكَ فِيهِ فَتُنْقِ بِخَيْرَتِهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ يَصْلُحُ حَالُكَ وَ لَا تَعْجَلْ بِحَوَائِجِكَ قَبْلَ وَقْتِهَا فَيَضِيقَ قَلْبُكَ وَ صَدْرُكَ وَ يَخْشَاكَ الْقُنُوطُ فَيَضِيقَ قَلْبُكَ وَ صَدْرُكَ وَ يَخْشَاكَ الْقُنُوطُ.» (2)

«درباره ثمری که هنوز نرسیده است عجله مکن؛ زیرا در فصلش از آن بهره مند خواهی شد. بدان آن کسی که امور تو را تدبیر می کند به وقتی که حال تو در آن اصلاح می شود آگاه تر است. پس به انتخاب های خیر او در تمام امور اعتماد کن تا حالت اصلاح شود. همچنین در حوائج خود قبل از وقت آن تعجیل مکن؛ چراکه قلبت تنگ می شود و ناامیدی تو را می ترساند.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره لزوم دوری از ناامیدی فرمودند:

ص: 100

1- سوره مبارکه انبیاء، آیه شریفه 88.

2- کیش پارسایان، 138؛ بحار الأنوار، 75، 379.

«بدترین افراد این امت را نیز نباید از رحمت الهی مأیوس گردانی.»

خداوند در قرآن می فرماید:

«إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.» (1)

«همانا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.»

همچنین امام صادق (علیه السلام) در مذمت نومیدی فرمودند:

«بعد از شرك بدترین گناه مأیوس بودن از رحمت خداست.» (2)

از دلخوشی های مؤمن در رنج ها عافیتی است که در آخرت به آن خواهند رسید. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«اهل حق، از همان اول، پیوسته در سختی بوده اند؛ اما این ناراحتی زمانش اندک است و در عوض یک راحتی طولانی در پی خواهد

داشت.» (3)

نقل شده است که مردی از فقر و حاجت خود در محضر شریف امام صادق (علیه السلام) زبان به شکوه گشود. حضرت فرمودند:

«صبر نما. خداوند به زودی برایت گشایشی خواهد نمود.»

سپس کمی سکوت کردند و روی به او کرده و پرسیدند:

«زندان کوفه چگونه مکانی است؟»

آن مرد گفت که زندانیان در آن در بدترین حال هستند. حضرت فرمودند:

«اینک تو در دنیا زندانی هستی. آیا می خواهی در وسعت و آسایش باشی؟ مگر نمی دانی که دنیا زندان مؤمن است؟» (4)

دنیا برای اهل ایمان به منزله زندانی بسیار تاریک و متعفن است. ظاهر آن برای مؤمن زجرآور است؛ ولی در باطن باعث کفاره گناهان و

کسب مقام ها و پاداش های

ص: 101

1- سوره مبارکه یوسف، آیه شریفه 87.

2- تفسیر جامع، 3، 431؛ من لا یحضره الفقیه، 3، 367.

3- کافی، 3، 355؛ بحار الأنوار، 64، 213.

4- کافی، 1، 17.

فراوان است تا در دنیای پس از مرگ با کوله باری خالی از گناه و آکنده از عبودیت به زندگی راحت ابدی دست یابد. بنابراین برای پیمودن چنین راهی دشوار و رسیدن به مقصد عالی بندگی تنها راه اعتماد به خداست. امام حسن عسکری (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«پیرامون هر بلایی نعمتی نهفته است.»

در واقع طبق دیدگاه شیعه همه تلخی‌ها دارای باطنی شیرین هستند. فرموده اند:

«تا زمانی که بلا را نعمت و راحتی را محنت نشماری مؤمن نخواهی بود؛ چراکه گرفتاری دنیا نعمت آخرت و راحتی دنیا اندوه آخرت است.» (1)

ص: 102

1- چرا مرا آفریدند، 184؛ جامع الأخبار، 115؛ بحار الأنوار، 67، 237.

گرفتاری ها علاوه بر مزایای فراوان دنیوی تضمینی برای ورود به بهشت هستند. زیرا رحمت خاصه ای که باید مؤمن را به مقصد آخرت برساند در صبر نهفته است. امام محمد باقر (علیه السلام) رفتن به بهشت را در انحصار صبر بر ناگواری ها می داند:

«الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ» (1)

«بهشت با ناگواری ها و صبر پوشیده شده است. پس هر کس که در برابر ناگواری ها صبر کند وارد بهشت می شود.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«وَوَكَّلَ الْبَلَاءُ بِالصَّبْرِ» (2)

«بلا و مصیبت را جز صبر و پایداری چاره ای نیست.»

کشایش در کارها با صبر

بهترین دلیل عقلی برای راضی شدن به قضای الهی و رسیدن به مقام بندگی آن است که مؤمن بداند فرزند، مال، سلامتی و... امانت هایی بوده اند که روزی صاحب شان آن ها را بازپس می گیرد. اگر انسان در حوادث و شدائد به عقل خود رجوع کند درمی یابد که برای رهایی از غم، جز پیروی از راهنمایی های معصومین (علیهم السلام)، چاره ای وجود ندارد. درواقع رهایی از هر مصیبتی در گرو اعتقاد به این کلام نورانی از امام کاظم (علیه السلام) است:

«اصْبِرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَتَصَبَّرُوا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُورًا وَلَا حُزْنَ وَمَا لَمْ يَأْتِ فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ» (3)

ص: 103

1- الكافي، الإسلامية، 2، 89؛ الوافي، 4، 334؛ وسائل الشيعة، 15، 309؛ بحار الأنوار، بيروت، 68، 72.

2- الكافي، الإسلامية، 8، 221؛ الوافي، 5، 787؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)، 26، 146؛ بحار الأنوار، بيروت، 69، 50 و 75، 47.

3- الكافي الإسلامية، 2، 459؛ الوافي، 4، 318؛ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)، 11، 374؛ بحار الأنوار، بيروت، 75، 311؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 11، 262.

«بر طاعت خدا صبر کنید و در ترك معاصی او شکیبا باشید؛ زیرا دنیا لحظه ای بیش نیست. آنچه گذشته است جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری ندارید. پس در لحظه ای که در آن به سر می برید صبور باشید و از اضطراب و دلهره به وسیله شکیبایی استعانت بجوید. چنان که گویی خوشبخت و خوشحال هستید.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرمودند:

«فَصَبْرًا عَلَىٰ دُنْيَا تَمُرُّ بِأَوَانِهَا كَلِيلَةٌ بِأَحْلَامِهَا تَسْلِيخٌ.» (1)

«در برابر دنیایی که گرفتاری آن مانند خواب های پریشان شب می گذرد شکیبا باش.»

باید به فرموده امام هدایت (علیه السلام) عمل کرد که فرمودند:

«إِنْ صَبَرْتَ صَبْرَ الْأَكَارِمِ، إِلَّا سَلَوْتَ سُلوَ الْبَهَائِمِ.» (2)

«در مصائب چون مردان بزرگوار شکیبا یا چون چهارپایان بی توجه باش.»

هر مؤمنی با توجه به این تأکیدات باید خود را برای سختی ها آماده سازد و با توسل و استعانت از حضرات معصومین (علیهم السلام) نیروی خود را برای صبر مضاعف کند. باید از خدا این گونه بخواهیم:

«اللَّهُمَّ ارزُقْنِي... الصَّبْرَ عَلَىٰ مَا أَلْبَيْتِي.» (3)

«خداوندا، صبر بر آنچه مرا به آن مبتلا ساختی به من عطا فرما.»

ص: 104

1- الأمالی، صدوق، 622؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار، 2، 205؛ بحار الأنوار، بیروت، 40، 348 و 74، 394؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، خوئی، 14، 300.

2- نهج البلاغة، صبحی صالح، 548؛ بحار الأنوار، بیروت، 34، 306 و 79، 135؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 358.

3- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، 2، 471؛ بحار الأنوار، بیروت، 83، 250 و 87، 192؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 5، 383.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«أَطْرَحَ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ وَحُسْنِ الْيَقِينِ.» (1)

«اندوه های خود را با شکیبایی جدی و یقین نیکو (که هرچه تقدیر نوشته شده همه خیر و نیکوییست) از خود دور کنید.»

صبر در امور زندگی و استفاده از آن در تمامی شئون با عزت در دنیا و آخرت خواهد بود. صبر سلاح خوبی برای مبارزه با فقر است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به جناب کمیل فرمودند:

«يَا كَمِيلُ لَا تُرِ النَّاسَ إِقْتَارَكَ وَاصْبِرْ عَلَيْهِ احْتِسَابًا بَعِزٌّ وَتَسْتَرٌ.» (2)

«ای کمیل، تنگدستی خود را در برابر نامردمان اظهار مکن و با عزت نفس و پرده پوشی در راه خدا صبر کن.»

همچنین فرمودند:

«وَالصَّبْرُ جُنَّةٌ مِنَ الْفَاقَةِ.» (3)

«صبر در کارها مانع فقر است.»

در جای دیگری می فرماید:

«وَالصَّبْرُ يَنَاضِلُ الْحِدَثَانَ وَالْجَزَعُ مِنَ أَعْوَانِ الزَّمَانِ.» (4)

«شکیبایی سختی های روزگار را دور می سازد؛ اما بی صبری زمان را برای فرسودن مهیا می کند.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«صَبْرُكَ عَلَى تَجَرُّعِ الْغُصَصِ يُظْفِرُكَ بِالْفُرْصِ.» (5)

ص: 105

1- تحف العقول، 83؛ نهج البلاغة، صبحی صالح، 404؛ بحار الأنوار، بیروت، 74، 211 و 74، 230؛ بلا و بیماری رحمت است، نه عذاب، 122.

2- تحف العقول، 173؛ بحار الأنوار، بیروت، 74، 269 و 414.

3- الکافی، الإسلامية، 8، 23؛ تحف العقول، 215؛ الوافی، 26، 21؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 25، 51؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 96 و 74، 238.

4- نهج البلاغة، صبحی صالح، 506؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، 19، 31؛ بحار الأنوار، بیروت، 66، 410؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، خوئی، 21، 281.

5- عیون الحکم و المواعظ، لیثی، 304؛ غرر الحکم و درر الکلم، 423؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 284.

«صبر تو بر نوشیدن جام های ناگواری موجب پیروزی ات بر روزگار تلخی ها می شود.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ رَكَبَ مَرْكَبَ الصَّبْرِ اهْتَدَى إِلَى مَيْدَانِ (مِضْمَارِ) النَّصْرِ.» (1)

«هر کس بر مرکب صبر سوار شود در میدان پیروزی فرود آید.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کلید همه گشایش ها و راه خروج از شدائد را صبر دانسته و فرمودند:

«بِالصَّبْرِ يَتَوَقَّعُ الْفَرْجُ وَ مَنْ يَدْمِنُ فَرْعَ الْبَابِ يَلِجُ.» (2)

«امید به گشایش در سایه صبر تحقق می یابد و هر کسی که در کوبیدن دری پای فشارد و استقامت کند (عاقبت) آن در به روی او گشوده خواهد شد.»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ فَرَحًا طَوِيلًا وَ كَمْ مِنْ لَذَّةِ سَاعَةٍ قَدْ أُورِثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا.» (3)

«چه بسا لحظه ای شکیبایی که شادی همیشگی در پی دارد و لحظه ای خوش گذرانی که اندوه دائمی را به بار می آورد.»

نگریستن به حوادث با این دیدگاه دیگر جایی برای بی تابی در هنگام بلا باقی

ص: 106

1- کشف الغمة فی معرفة الأئمة (علیهم السلام)، القديمة، 2، 346؛ حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام)، 4، 597؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 96 و 75، 79؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)، 23، 276.

2- بحار الأنوار، 68، 96؛ کنز الفوائد، 1، 139.

3- الأمالی، مفید، 42؛ الدر النظیم فی مناقب الأئمة (علیهم السلام) اللهامیم، 642؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 91؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)، 20، 793؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 11، 263.

نمی گذارد. چون به دیده عقل بنگریم، می بینیم که بی تابی علاوه بر عوارض مخرب در دنیا و آخرت، سختی ها را نیز از بین نمی برد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْجَزَعُ لَا يَدْفَعُ الْقَدَرَ وَ لَكِنْ يَحْبِطُ الْأَجْرَ.» (1)

«بی تابی تقدیر را عوض نمی کند؛ بلکه پاداش را نیز از بین می برد.»

بهترین راهی که یقین و شکیبایی انسان را زیاد می کند توجه به کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) خواهد بود. از آن جایی که خدای متعال بر بندگان خود به دیده رحمت می نگرد از زبان معصومین (علیهم السلام) راهنمایی هایی را برای نجات و سعادت بشر بیان فرموده است. در حدیثی آمده است:

«اگر صبر بنده را آرام نکند، نه از غم ها نجات پیدامی کند و نه پاداشی را کسب می نماید.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ.» (2)

«آن که صبر نجاتش ندهد، بی تابی هلاکش خواهد کرد.»

حضرت در حکمتی می فرمایند:

«خداوند به اندازه مصیبت شربت صبر بر بنده می نوشاند. پس در بی تابی لزومی وجود ندارد. آن که در مصیبت بی تاب شده و بر پایش زند اجرش نابود می گردد.» (3)

برای دوری از در ماندگی و محروم شدن از پاداش چاره ای جز صبر نیست. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«آن مصیبتی که شکیبایی در پی دارد و از جانب خداوند متعال مستوجب ثواب است را مصیبت شمار؛ بلکه مصیبت آن است که

ص: 107

1- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 21؛ غرر الحکم و درر الکلم، 102؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 262.

2- نهج البلاغه، صبحی صالح، 502؛ وسائل الشیعة، 15، 264؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 96 و 79، 134؛ نهج البلاغه، 6، 1269.

3- نهج البلاغه، حکمت 44.

صاحب مصیبت به سبب بی تابی از ثواب محروم شود.» (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَا يَعِدُّ الصَّبْرَ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ يَعْجِزُ.» (2)

«هر کس برای رویارویی با سختی های روزگار صبر اختیار نکند زندگی اش به شکست منجر خواهد شد.»

معمولاً انسان های بی دین و کسانی که به ضعف اعتقاد و ایمان دچارند در برابر بلاها بی تابی می کنند. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرمودند:

«به راستی که بی تابی در بلا از ویژگی های کفار است؛ در حالی که مؤمن در برابر بلا صبور است.» (3)

اگر انسان در بلا یا به بی تابی بیافتاد به شکستی سخت تر دچار خواهد شد. از تبعات این بی صبوری رسوایی است. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«قِلَّةُ الصَّبْرِ فَضِيحَةٌ.» (4)

«کم صبوری باعث رسوایی است.»

مؤمن به دلیل داشتن ایمان و عقل سلیم همیشه زره صبر را برای تیرهای حوادث به تن دارد. چنان که فرموده اند:

«إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبَلَاءَ يَسْتَبْقَانِ إِلَى الْمُؤْمِنِ فَيَأْتِيهِ الْبَلَاءُ وَهُوَ صَبُورٌ وَإِنَّ الْجَزَعَ وَالْبَلَاءَ يَسْتَبْقَانِ إِلَى الْكَافِرِ فَيَأْتِيهِ الْبَلَاءُ وَهُوَ جَزُوعٌ.» (5)

ص: 108

1- بلا و بیماری و گرفتاری رحمت است، نه عذاب، 53؛ بحار الأنوار، 78، 260.

2- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 143 و 25، 196؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 83 و 74، 148؛ الکافی، الإسلامية، 2، 93 و 8، 86؛ تحف العقول، 44؛ مجموعة ورام، 2، 93.

3- بحار الأنوار، 71، 95.

4- تحف العقول، 315؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 229.

5- الکافی، دارالحدیث، 5، 554؛ الوافی، 25، 566؛ وسائل الشیعة، 3، 256؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 14، 183؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 95 و 79، 142.

«همانا شکیبایی در برابر بلا به سوی بنده مومن می شتابد. سرانجام بلا او را در برمی گیرد؛ در حالی که مؤمن در برابر بلا مقاوم و صبور است. اما بلا به سوی کافر می شتابد و او را در برمی گیرد و او در بلا جزع و فزع می کند.»

انسان عاقل برای زیستن در این دنیا باید آماده ناگواری ها باشد و پناهگاه صبر را برای روزهای ناخوشی اش مهیا سازد؛ زیرا ناگزیر باید این کلام گهربار حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بپذیریم که فرمودند:

«وَالدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْتَطِرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِر.» (1)

«روزگار دو روز است: روزی به نفع تو؛ روزی به زیان تو. در روزی که به نفع توست سرکشی مکن و در روزی که به زیان توست تن به صبر ده.»

از اهمیت صبر همین بس که مؤمن به سبب بردباری در برابر شدائد به بهشت راه پیدامی کند. امام سجاد (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«فَصَبِرُوا أَيَّاماً قِصَاراً (فُصَارَى) لِيُطَوَّلَ الْحَسْرَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (2)

«بندگان پرهیزگار خدا دوران کوتاهی صبر می کنند تا از حسرت فراوان روز قیامت نجات یابند.»

کسانی که قدم در راه دین گذاشتند برای برطرف کردن بلا یا که بزرگ ترین امتحان الهی محسوب می شوند به نعمت صبر مسلح هستند. نعمتی که تمامی وجود اهل ایمان را فراگرفته و ایشان را به مقام بندگی رسانده است. امام صادق (علیه السلام) درباره چنین افراد برجسته ای فرمودند:

ص: 109

1- نهج البلاغه، حکمت، 396؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، 546؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 84؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، خوئی، 21، 482.

2- تحف العقول، 282؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 140.

«الْمُؤْمِنُ يَطْبَعُ عَلَى الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ.» (1)

«شکیبایی در برابر گرفتاری ها جزو سرشت مؤمن است.»

وقتی ایمان جای خود را در قلب آدمی باز نماید اثر خود را به تدریج نشان می دهد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«وَمِنْ كُنُوزِ الْإِيمَانِ الصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ.» (2)

«صبر در مصیبت ها از گنج های ایمان به خداست.»

داشتن این گنج، به هر اندازه ای که باشد، نشان دهنده میزان رسوخ ایمان در قلب است. این گنج از هدایای بسیار ارزنده خداوند است. حفظ این گنجینه الهی نیز در سینه واجب است. اعتقاد انسان بستگی به نوشیدن دو جرعه دارد که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خوبی به آن اشاره می کنند:

«مَنْ أَحَبَّ السُّبُلَ إِلَى اللَّهِ جُرْعَتَانِ جُرْعَةٌ غَيْظٌ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةٌ حُزْنٌ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ.» (3)

«محبوب ترین راه ها به سوی خداوند متعال از طریق نوشیدن دو جرعه می باشد: جرعه خشمی که با خویشتن داری از آن بگذری؛ جرعه اندوهی که با شکیبایی از آن چشم پیوشی.»

خداوند نیز می فرماید:

«يَا عِيسَى اصْبِرْ عَلَى الْبَلَاءِ وَ اِضْضْ بِالْقَضَاءِ وَ كُنْ كَمَسْرَتِي فِيكَ فَإِنَّ مَسْرَتِي

ص: 110

1- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، 23؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 97؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 20، 823.

2- تحف العقول، 100؛ بحار الأنوار، بیروت، 74، 237؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 422.

3- تحف العقول، 219؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، 217؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 58.

«ای عیسی، در برابر مصیبت‌ها و آزمون‌ها شککیا و به قضای الهی راضی و خشنود باش. چنان زندگی کن که من از تو خشنود باشم و بدان که خشنودی من از تو هنگامی است که فرمان مرا اطاعت کنی و از عصیان در برابر من پرهیزی.»

همه عبودیت در این دو کلام الهی خلاصه گردیده است. لذا اگر بنده ای به این مقام برسد ملائکه با تهنیت و درود بر او فرود می‌آیند.

(و الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (2)

«فرشتگان از هر در بر آن‌ها وارد می‌شوند و می‌گویند سلام و تهنیت بر شما که در راه خدا صبر و مقاومت کردید و سرانجام سزایی نیکو یافتید.»

مقام صبر آن چنان در درجه‌های رفیع بندگی قرار دارد که هیچ اندازه‌ای برای آن نمی‌توان قائل شد. چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید:

(إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (3)

«به درستی که [خداوند متعال] صابران را پاداشی کامل و بی حساب خواهد داد.»

از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند:

«به راستی خداوند عزوجل [در آخرت] از بنده ای که در دنیا نیازمند بوده، همان طوری که برادر از برادر خود پوزش می‌طلبد، عذرخواهی می‌کند. پس خداوند متعال می‌گوید که نه [چنین نیست]، به عزت و جلال سوگند، تو را به جهت بی‌اعتنایی [و به جهت تحقیر نمودن] فقیر نکردم. پرده را بردار و نگاه کن که عوض دنیا چه چیزهایی به تو عطا

ص: 111

1- الکافی، الإسلامية، 8، 132؛ تحف العقول، 497.

2- سوره مبارکه رعد، آیات شریفه 23 و 24.

3- سوره مبارکه زمر، آیه شریفه 10.

کرده ام. پس چون برای فرد آشکار گردد نظر بر آن چه خداوند متعال عوض دنیا عطایش نموده است می کند و می گوید که پروردگارا، در آنچه عوض دنیا برایم قرار داده ای، ضرری نکرده ام.» (1)

پاداشی این چنین برای صابران حکایت از عظمت عمل آنان دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«صَبْرُكَ عَلَى الْمُصِيبَةِ يَخَفِّفُ الرَّزِيَةَ وَيَجْزِلُ الْمَثُوبَةَ.» (2)

«صبر تو در برابر مصیبت اندوه را سبک و پاداش مصیبت را دو برابر می کند.»

همچنین فرمودند:

«صَبْرُكَ عَلَى تَجَرُّعِ الْغُصَصِ يَطْفِرُكَ بِالْفَرْصِ.» (3)

«صبر تو بر نوشیدن جام های اندوه و ناگواری موجب پیروزی تو بر روزگار سختی و تلخ کامی می شود.»

بردباری انسان علاوه بر حل کردن مشکلات که بهترین یاور در آسان کردن سختی هاست، می تواند در آخرت نیز مؤمن را از ممتازین به شمار آورد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ ابْتُلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ.» (4)

«هرگاه مؤمنی در هنگام مصیبت صبر پیشه کند، خداوند متعال پاداش هزار شهید را به او می بخشد.»

ص: 112

1- الکافی، 2، 264؛ بحار الأنوار، 7، 181.

2- غرر الحکم و درر الکلم، 419؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 282.

3- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 304؛ غرر الحکم و درر الکلم، 423؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 284.

4- الکافی، الإسلامیة، 2، 92؛ الوافی، 4، 337؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 139؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 78.

این بندگان ممتاز هیچ گونه ترسی از قیامت ندارند. چنان که روزی جناب داود نبی (علیه السلام) از خداوند متعال پرسید:

«پروردگارا، پاداش انسان غم زده ای که به دلیل خشنودی تو در برابر ناگواری ها صبر می ورزد چیست؟»

خداوند فرمود:

«بر اندام چنین بنده صابری جامه ایمنی از عذاب خود می پوشانم و هرگز این لباس را از پیکر وی جدا نخواهم کرد.» (1)

صبر کرامت گران بهای پروردگار عالمیان به مؤمنین است. پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«لَوْ كَانَ الصَّبِيرُ رَجُلًا لَكَانَ كَرِيمًا.» (2)

«اگر صبر به صورت مردی جلوه می کرد، هر آینه، به گونه مردی کریم بود.»

از نشانه های اخلاص مؤمن در بندگی بزرگداشت پروردگار کریم است. یعنی حتی در اوج مصیبت ها هم شکایت خویش را نزد کسی غیر از خدا نبرد. پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این رابطه می فرماید:

«مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَعْرِفَةِ حَقِّهِ أَنْ لَا تَشْكُو وَ جَعَكَ وَ لَا تَذْكُرُ مُصِيبَتَكَ.» (3)

«از نشانه های بزرگداشت خداوند و شناخت او این است که شخص از بیماری و دردمندی خود به کسی شکایت نکند و با احدی از مصیبت خود سخن نگوید.»

در حدیثی از نشانه های انسان صبور صحبت شده است:

ص: 113

1- المحجة البيضاء، 7، 127.

2- مجموعه ورام، 1، 40؛ مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، 42؛ تسلیة العباد در ترجمه مسکن الفؤاد، 60، 176.

3- المحجة البيضاء، 7، 127.

«صبور سه نشانه دارد: سستی نمی کند؛ افسرده و دل‌تنگ نمی گردد؛ از پروردگار خویش شکوه نمی کند. زیرا اگر سستی کند حق را ضایع کرده و اگر افسرده و دل‌تنگ گردد شکر نمی گذارد و اگر از پروردگار شکوه کند معصیت کرده است.» (1)

یکی از آثار صبر آن است که فرد به دلیل بردباری اثرات ویژه‌ای را به خود جذب می کند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره نشانه صبر فرمودند:

«وَأَمَّا عَلَامَةُ الصَّابِرِ فَأَرْبَعَةٌ الصَّبْرُ عَلَى الْمَكَارِهِ وَالْعَزْمُ فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ وَالتَّوَضُّعُ وَالْحِلْمُ.» (2)

«نشانه انسان صابر چهار چیز است: صبر در برابر سختی‌ها؛ اراده به انجام کارهای خیر و عمل صالح؛ فروتنی در برابر پروردگار و بندگان صالح؛ بردباری و خویش‌نهادی در هنگام غضب.»

دانشمند بزرگ شیعه، شیخ طوسی (رحمة الله)، درباره صبر می نویسد:

«صبر نفس را از زاری کردن در برابر حوادث ناگوار، دل را از اضطراب، زبان را از شکایت و اعضای پیکر آدمی را از حرکات و کارهای غیرعادی و ناهنجار بازمی دارد.» (3)

این تعریفی بسیار حکیمانه از واژه صبر است که از کلام نورانی ائمه اطهار (علیهم السلام) نشأت گرفته است. پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرئیل درباره صبر پرسید. او در جواب عرض کرد:

«صبر یعنی این که در سختی‌ها و حوادث ناگوار آن چنان بردبار باشی که در هنگام رفاه و آسایش، آرامش داشتی. یعنی در برابر فقر همان گونه شکیبایی باشی که در زمان ثروت مندی آرام هستی. یعنی در

ص: 114

1- علل الشرایع، 2، 498.

2- تحف العقول، 20؛ بحار الأنوار، بیروت، 1، 120.

3- بحار الأنوار، 71، 68.

گرفتاری ها و بلايا به گونه ای صبر پيشه کنی که در ایام سلامت صبر می کردی. انسان صابر کسی است که نزد مخلوقات خدا از مصیبت خود شکایت نکند» (1)

درباره «صبر جمیل» از امام محمد باقر (علیه السلام) سؤال شد. ایشان فرمودند:

«ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ.» (2)

«صبر جمیل آن است که در پرتو آن درباره سختی های زندگی به کسی گلایه نکنی.»

روزی جناب یعقوب (علیه السلام) برای انجام کاری نزد ملکی رفت. چون آن ملک چشم وی به حضرت یعقوب (علیه السلام) افتاد ایشان را در آغوش گرفت و گفت: «مرحبا به خلیل الرحمن.» و تصور کرد که او ابراهیم خلیل (علیه السلام) است. جناب یعقوب (علیه السلام) گفت: «من یعقوب بن اسحق بن ابراهیم هستم.» ملک سؤال کرد: «پس چرا چنین پیر و شکسته شده ای؟» حضرت یعقوب (علیه السلام) گفت: «از اندوه فراق یوسف (علیه السلام) چنین پیر گشته ام.» هنوز از منزل آن مرد بیرون نیامده بود که جبرئیل بر ایشان نازل شد و فرمود که خدایت می فرماید:

«ای یعقوب، چرا از ما به ملک شکایت کردی؟»

حضرت یعقوب (علیه السلام) به سجده افتاد و با کمال تضرع عرض کرد: «پروردگارا، از گفته خود پشیمانم و دیگر این کار را تکرار نخواهم کرد.» خطاب رسید: «تورا بخشیدم. نباید دیگر این عمل از تو سر بزند.» از آن به بعد حضرت یعقوب لب از شکوه در تمام مصائب خود بست و فقط روزی گفت: «من امروز شکایت اندوه خود را نزد پروردگار خود می کنم.» (3)

از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند که اندوه حضرت یعقوب در فراق حضرت

ص: 115

1- بحار الأنوار، 71، 87.

2- الوافی 4، 341؛ بحار الأنوار، بیروت، 12، 310 و 68، 93؛ تفسیر نور الثقلین، 2، 417.

3- جامع، 3، 433؛ نورالثقلین، 2، 452.

یوسف (علیه السلام) چه اندازه بوده؟ حضرت فرمودند:

«برابر با غصه هفتاد زن بچه مرده.» (1)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اهمیت کتمان غم و مصیبت فرمودند:

«سه چیز از گنج های بهشت است: کتمان صدقه؛ مصیبت؛ بیماری.» (2)

وانگهی خداوند متعال به دلیل محبتی که به مخلوقاتش دارد همراه با مصائب توفیق و زمینه های صبر و تحمل را نیز در روح و افکار مؤمن القا کند. اگر این امداد غیبی نباشد بیشتر مردم از اندوه مصائب جان خواهند داد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند متعال بر بندگانش منت گذاشته و فراموشی را بر مصیبت زدگان القا نموده است. اگر چنین نمی کرد و مصیبت همچنان با شدت اولیه خود باقی می ماند، نسل بشر منقطع می شد؛ زیرا افراد بر اثر شدت تأثر از همه کارهای دنیوی، مثل کار و کوشش و عمل زناشویی، باز می ماندند.» (3)

باید توجه داشت که سایه اندوه بر سر همه گسترده است و خداوند رحمان و رحیم هر دری را که بر اساس حکمت و تربیت بنده اش ببندد، در دیگری را برای او باز خواهد کرد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«يَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حِطَّ أَجْرُهُ.» (4)

ص: 116

1- جامع، 3، 433؛ نورالثقلین، 2، 452.

2- کافی، 3، 115.

3- کافی، 3، 227.

4- نهج البلاغه، صبحی صالح، 495؛ خصائص الأئمة (عليهم السلام)، 104؛ كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام)، القديمة، 2، 184؛ الوافی، 26، 271؛ بحار الأنوار، بیروت، 79، 135؛ عوالم العلوم و المعارف و الآحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 20، 682؛ حکمت 44.

«صبر به اندازه مصیبت فرود می آید.»

اقسام صبر

همان طور که مصیبت ها و آلام مختلف هستند، صبر نیز در حالت های مختلفی از انسان بروز می کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره اقسام صبر می فرماید:

«الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.» (1)

«صبر سه گونه است: در برخورد با مصیبت های زندگی؛ بر عبادت و اطاعت خداوند متعال؛ از معصیت خدا.»

همچنین فرمودند:

«الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ.» (2)

«صبر دو گونه است: صبر در هنگام مصیبت. این صبر صبری نیکوست؛ نیکوتر از آن نیز صبر در برابر محرمات الهی است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تقسیم بندی دیگری از انواع صبر می فرماید:

«الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ مِمَّا تُحِبُّ.» (3)

«صبر در راه خدا دو گونه است: پایداری در برابر آنچه به کام نفس آدمی ناخوشایند است؛ خویشتن داری در مقابل هرچه مطلوب نفس آدمی است.»

مهم ترین شکیبایی در راه خدا ایستادگی در برابر معصیت است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«صَبْرُكَ عَلَى مَحَارِمِ اللَّهِ أَيْسَرُ مِنْ صَبْرِكَ عَلَى عَذَابِ الْقَبْرِ مِنْ صَبْرٍ عَلَى اللَّهِ

ص: 117

1- الکافی، الإسلامية، 2، 91 و 3، 236؛ الوافی، 4، 336؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8،

138؛ بحار الأنوار، بیروت، 79، 139.

2- تحف العقول، 216؛ وسائل الشیعة، 15، 237؛ بحار الأنوار، بیروت، 68، 75 و 75، 55.

3- بحار الأنوار، 68، 95.

«صبر تو در برابر محرمات خدا از شکیبایی بر عذاب گور آسان تر است. هر کس که در راه خدا صبوری کند به خدای سبحان می پیوندد.»

همچنین امام محمد باقر (علیه السلام) درباره انواع صبر می فرمایند:

«هنگامی که رستخیز بزرگ برپا شود، منادی فریاد می زند که صابران کجایند؟ در پی فریاد او گروهی از اهل محشر بپا می خیزند. آن گاه دوباره منادی فریاد بر می آورد که «متصبرون» کجایند؟ در این هنگام نیز گروهی از مردم برخیزند.»

راوی می گوید که به محضر امام (علیه السلام) عرض کردم: «فدای شما، صابران و متصبرون چه کسانی هستند؟» امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«الصَّابِرُونَ عَلَىٰ آذَاءِ الْفَرَائِضِ وَ الْمُتَصَبِّرُونَ عَلَىٰ تَرْكِ الْمَعَاصِي.» (2)

«صابران کسانی هستند که در راه انجام واجبات و تکالیف دینی ثابت قدم می باشند. متصبران نیز مؤمنان پاک دامن هستند که در راه ترک محرمات پایداری می کنند.»

امروزه به دلیل گسترش ارتباطات جهانی به وسیله دستگاه های سمعی و بصری، متأسفانه بساط شیطان در همه نقاط کره زمین پهن شده و به وسیله اشاعه انواع فسادهای جنسی و مالی مردم را به سوی تباهی می کشاند. هر مؤمنی باید در امتحان مقاومت در برابر گناه خود را به سربازی امام زمانش (علیه السلام) رسانیده و از منجلاب وحشتناک مسائل شهوانی و غیرالهی به وسیله انواع عبادات، از قبیل شب زنده داری و روی آوردن به راز و نیاز و مناجات و دعا، از چنگال هوای نفسانی خویش رهایی بخشد و در جرگه متصبرون قرار بگیرد. زیرا بیشتر دام های شیطان به وسیله لغویات

ص: 118

1- بحار الأنوار، بیروت، 68، 95؛ الدعوات، راوندی، 292.

2- تحف العقول، 296؛ بحار الأنوار، بیروت، 7، 181 و 68، 83 و 75، 176.

و کشاندن جوانان به سوی مجالس گناه و غنا و لهو، مثل عروسی ها و جشن هایی که با معصیت آمیخته است، پهن می شود.

دیدن صحنه های مبتذل از دستگاه های صوتی و تصویری که مؤمنین و جوانان تازه متدین را آرام آرام به سوی بساط خود می کشاند و نوشیدن مسکرات که مبداء همه فسادها هستند از مهم ترین پرت گاه های ایمانی می باشند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به عنوان گوشزدی به اهل دین، می فرماید:

«از پاتوق های بازار (هر جا که محل اجتماع افراد دنیاطلب است) پرهیز که آن جا جایگاه شیطان و نمایشگاه فتنه هاست.» (1)

چگونگی گذران وقت برای مؤمنین از آزمایش های بزرگ الهی است که متأسفانه امروزه اکثر مسلمانان و متدینین را نیز دچار کرده است. در حالی که وقت گران بهایی را که باید در یاد خدا و عبادات و فراگیری روایات و علوم اهل بیت (علیهم السلام) صرف کنند، بر اثر غفلت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سرگرم بازی های تلفن همراه و پیغام فرستادن های بیهوده و زشت و نشستن به پای جعبه شیطانی و ماهواره می کنند.

متأسفانه دین این افراد جز لقلقه زبان چیز دیگری نیست. آن جا که در هنگام امتحان و عمل کمیت همه لنگ است، آنان به راحتی از دین برمی گردند. امام حسین (علیه السلام) درباره چنین دین دارانی که پارسایی ندارند و اموال شبهه ناک را جزء درآمدهای خود لحاظ می کنند و در هر صحنه ای و مجلسی، بدون ترس از خدا، وارد می شوند فرموده اند:

«النَّاسَ عَيْدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَعَقُّ عَلَى السِّنِّيهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.» (2)

«چنین مردمانی تا زمانی طرف دار و مقید به دین هستند که دنیای آن ها

ص: 119

1- بحار الأنوار، 33، 508؛ نهج البلاغه، نامه 69؛ غرر الحکم و درر الکلم، 398.

2- تحف العقول، 245؛ بحار الأنوار، بیروت، 44، 383 و 75، 117؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 17، 234.

بر وقف مرادشان باشد. پس آن موقع که پای امتحان پیش می آید دین لقلقه زبان شان خواهد بود و در آن وقت دین داران کم هستند.»

امروزه کفر و فساد جهان را پر کرده است و امتحان ها و فتنه ها شدیدتر و غربال شدگان و مردود شده ها نیز زیادتر شده اند. لغویات زمینه ساز معصیت و اصطلاحاً در ورودی گناه هستند. باید هر مؤمنی، هرچه سریع تر، از چنین مکان ها و مواقعی فرار کند و به راز و نیاز و مناجات و عبادات پناه آورد. اگر بنیه عبادی مؤمن قوی شود و سوسه های شیطانی در دل او اثر نمی کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

«صَابِرُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى فِعْلِ الطَّاعَاتِ وَ صُوتُوهَا عَنْ دَسِّ السَّيِّئَاتِ تَجِدُوا حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ.» (1)

«نفوس خود را بر عبادت و اطاعت خدا پایدار بدارید و از پلیدی گناهان نگهداریدشان تا از شیرینی ایمان بهره مند شوی

دعا کلید رهایی از بلاست

رهایی از بلا، مخصوصاً از بیماری، به برکت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و به وسیله دعا و تضرع به درگاه آن بزرگواران فراهم می شود. با کمی تأمل موحد به این باور می رسد که فقط با چشیدن طعم شیرین رضایت و تسلیم است که انسان به آرامش می رسد؛ چراکه درمی یابد پروردگاری که ملکوت همه چیز در قبضه قدرت اوست خیر بنده مومنش را اراده فرموده است. این تسلیم برای اهل معرفت نه از باب ناچاری؛ بلکه از شوق وصول به دریای بیکران رحمت الهی است. چنان که

ص: 120

1- عیون الحکم و المواعظ، لثی، 305؛ غرر الحکم و درر الکلم، 424؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 283.

«إِذَا ضَاقَ الْمُسْلِمُ فَلَا يَشْكُونَ رَبَّهُ وَ لَكِنْ يَشْكُو إِلَيْهِ فَإِنَّ بِيَدِهِ مَقَالِيدَ الْأُمُور.» (1)

«هنگامی که مسلمانی در تنگنا قرار می گیرد نباید از خداوند نزد دیگران شکایت کند؛ بلکه باید از سختی ها به خدا شکایت کند؛ چراکه کلید امور در دست اوست.»

شکایت کردن نزد خداوند متعال یعنی دعا و درخواست برای نجات و خلاصی از گرفتاری ها. یکی از حکمت های ابتلائات رسیدن به نقطه ای است که انسان در آن بر اثر گرفتاری ها به خداوند متعال رو کند. در اهمیت دعا برای رفع گرفتاری ها روایات زیادی نقل شده است. قرآن نیز رفع سختی را در انحصار درخواست عافیت از خداوند متعال معرفی می کند:

«قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (2)

«اگر دعای شما نبود پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نداشت.»

این گدایی، عاقبت، انسان را به منزلت رفیعی می رساند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ أَكْثَرُهُمْ لَهُ مَسْأَلَةٌ.» (3)

«داناترین مردم به خداوند کسی است که بیش از همه از او خواهش و درخواست داشته باشد.»

پس انسان خردمند کسی است که با تضرع و ناله به درگاه خدا پناه ببرد. چنان که فرموده اند:

«هر کس دری را بکوبد عاقبت باز خواهد شد.»

امام حسن مجتبی (علیه السلام) عبدالله بن جعفر را دیدند و به او فرمودند:

ص: 121

1- تحف العقول، 114؛ الخصال، 2، 624؛ بحار الأنوار، بیروت، 10، 102.

2- سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه 77.

3- عیون الحکم و المواعظ، لیثی، 122؛ غرر الحکم و درر الکلم، 209؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 192.

«ای عبدالله، چگونه مؤمن مؤمن است ولی رزقش را کم و اندک می شمارد و منزلت خود را حقیر می داند و حال آن که حاکم او خداست؟ ای عبدالله، هر کسی در قلبش رضایت نباشد، چون دعا کند، خداوند متعال دعای او را اجابت می کند؟» (1)

گره های سخت و به هم پیچیده بلاها به وسیله دعا و تضرع باز می شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دعا قضا و بلا را همان طور که رشته نخ از هم باز می شود؛ اگرچه به سختی به هم تابیده شده باشند.» (2)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمودند:

«به سوی خداوند متعال در حاجت های خود فزع کنید و در وقت درماندگی به او رو بیاورید.» (3)

امام صادق (علیه السلام) خطاب به هشام بن سالم فرمودند:

«درازی و کوتاهی بلا را می شناسی؟»

هشام بن سالم جواب داد: «خیر.»

حضرت فرمودند:

«هر گاه یکی از شما به دعا کردن اهتمام ورزید، بداند که بلا کوتاه شده است.» (4)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهمیت دعا کردن در هنگام بلا فرمودند:

«آیا به سلاحی که شما را از دشمن نجات می دهد و روزی شما را پی در پی می رساند راهنمایی تان نکنم؟»

ص: 122

1- کافی، 622؛ بحار الأنوار، 69، 335.

2- کافی، 2، 269.

3- ترجمه عدة الداعی، 92.

4- ترجمه عدة الداعی، 92.

عرض کردند: «بلی.»

حضرت فرمودند:

«خدای خود را شب و روز بخوانید. پس به درستی که سلاح مؤمن دعا کردن است.» (1)

از رحمت و اسعۀ خدای مهربان است که چنین درب دعا و توسل را باز گذاشته است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْلَا إِلْحَاحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ لَنَقَلَهُمْ مِنَ الْحَالِ الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ أَضْيَقَ مِنْهَا.» (2)

«اگر مؤمنین برای طلب روزی نزد خدا اصرار نمی ورزیدند خداوند متعال آن ها را از آن حال به تنگ دستی بیشتری منتقل می کرد.»

طبق سنت الهی باید از طریق اسباب برای رسیدن به مقصد استفاده کرد و آن واسطه ها نیز مغایرتی با توکل به خدا ندارند. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِالسَّبَبِ.» (3)

«سنت الهی بر آن قرار گرفته که خداوند متعال همه امور را با اسباب انجام دهد.»

همچنین خداوند در قرآن می فرماید:

(وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (4)

«با وسیله به نزد او بیایید.»

نقل است که:

ص: 123

1- کافی، 2، 468.

2- کافی، الإسلامية، 2، 261؛ الوافی، 5، 785؛ وسائل الشیعة، 7، 59؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9، 358؛ بحار الأنوار، بیروت، 69، 9؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام)، 20، 809.

3- کافی، الإسلامية، 2، 467؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 2، 312؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 90 و 168.

4- سوره مبارکه مائده، آیه شریفه 35.

«حضرت موسی (علیه السلام) عرض کرد که خداوند، درد از کجاست؟ خدا فرمود که از من. گفت که پس دوا کجاست؟ خداوند فرمود که آن نیز از من است. عرضه داشت که پس اطبا چه کاره هستند؟ خداوند فرمود (اسبابی هستند) که تا بندگان مرا خوش دارند تا یا بهبودی من نصیب آن ها شود یا آنان را قبض روح کنم.»

به دارو و دکتر و... باید به دید وسیله نگریت: اگر خداوند بخواهد دارو و دکتر تأثیر می کند، وگرنه اگر تمام عالم جمع شوند محال است غیر از اراده خدا بتوانند کسی را نجات دهند:

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.» (1)

«همه حرکت و توان ها به دست خداست.»

صدقه؛ بهترین وسیله نجات

از مهمترین اسباب برای رفع بلا بعد از تضرع و انابه به درگاه خداوند متعال، صدقه است که مکمل دعا و تضرع است پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره اهمیت پرداخت صدقه می فرمایند:

«بهترین راه درمان بیماری صدقه دادن است.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«صدقه دارویی مؤثر است.» (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مستحب است بیمار به دست خود صدقه ای به سائل بدهد و از او

ص: 124

1- تحفة الأولیاء، 4، 439؛ البضاعة المزجاة، 2، 122.

2- نهج البلاغه، حکمت 7.

بخواهد که برای وی دعا کند.» (1)

مردی به امام کاظم (علیه السلام) از این نالید که نان خور زیادی دارم و همگی شان هم بیمار هستند. امام کاظم (علیه السلام) به او فرمودند:

«آنان را با صدقه درمان کنید؛ زیرا هیچ چیز به اندازه صدقه به اجابت نزدیک نیست و هیچ چیز بیش از صدقه برای بیمار منفعت در پی ندارد.» (2)

همچنین حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای رفع فقر فرموده اند:

«إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.» (3)

«هرگاه تهی دست شدید با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.»

نقش دعا و توسل

مؤمن برای دوری از آفت و پربارنمودن میوه های درخت تسلیم و رضا باید به دعا پردازد و در عین تسلیم به قضای الهی، از استغاثه و تضرع دست برندارد. دعا هم امید گشایش از تنگناست و هم باعث قرب و دریافت عنایات ویژه خداوند است. امام سجاد (علیه السلام) در باب دعا هنگام بیماری چنین تعلیم فرمودند:

«خداوندا، بر سلامت تنم که پیوسته با آن به کار خویش پرداخته ام تو را سپاس می گویم. همچنین بر آن بیماری که بر تنم عارض کردی تو را سپاس می گویم. اکنون ای خدای من، نمی دانم کدام یک از این دو حال برای سپاس گزاردن تو بهتر است. همچنین نمی دانم کدام یک از این دو وقت برای شکر تو سزاوارتر است: زمان تن درستی که در آن روزهای پاک خویش را گوارایم ساختی و مرا به آن ها برای جستن خشنودی و فضل خود شور و نشاط بخشیدی و با برخورداری از آن ها بر آن طاعت ها

ص: 125

1- الکافی، 2، 2.

2- طب الائمه (علیهم السلام)، 33.

3- نهج البلاغة، صبحی صالح، 513؛ غرر الحکم و درر الکلم، 283؛ وسائل الشیعة، 9، 372؛ بحار الأنوار، بیروت، 93، 133 و 134.

که توفیقش را ارزانی ام داشتی، توانا ساختی؛ یا زمان بیماری که مرا با آن آزمودی. همان زمانی که نعمت هایی را به من عطا فرمودی تا مایه سبکی گناهانی شود که پشتم را سنگین کرده اند.»

تمامی امتحان ها و ابتلائات برای رساندن مؤمن پس از مقام رضا و تسلیم به مرتبه اظهار شکر و عبودیت است. بنابراین چه خوب است که مؤمنین بیمار برای کسب مقام رضا و شکر، هر روز این دعا را به پیشگاه خداوند عرضه بدارند. دعا برای رفع امراض دیگران نیز برای اظهار هم دردی و تسلی دل بیمار لازم است. وظیفه عیادت کنندگان آن است که دست به دعا برداشته و به فرموده امام معصوم (علیه السلام) هفت بار بخوانند:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ.» (1)

«از خداوند بزرگ که پروردگار عرش عظیم است تقاضا دارم تو را شفا دهد.»

وظیفه شخص گرفتار و مریض آن است که یقین پیدا کند به وسیله توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) می توان هر قفل بسته ای را باز کرد. شرط اول؛ دعا کردن از سویدای دل و استغاثه است. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ.» (2)

«هرگاه دعا کردی با حالت توجه و اقبال دعا کن. آن گاه یقین به اجابت داشته باش.»

سپس باید با همان حالت تضرع و توبه خدا را به نام های مقدسش صدا زد و

ص: 126

1- المصباح، کفعمی، 152؛ بحار الأنوار، بیروت، 59، 301 و 78، 224 و 92، 17؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 90 و 151.

2- الکافی، الإسلامية، 2، 473؛ الوافی، 9، 1483؛ وسائل الشیعة، 7، 54؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم)، 12، 24؛ بحار الأنوار، بیروت، 90، 305 و 323.

اسم های بزرگ و مبارک خداوند متوسل شد. امام رضا (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه (وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا) (1) فرمودند:

«هرگاه گرفتاری به شما روی آورد به واسطه ما از خداوند کمک بجوید؛ زیرا مراد از سخن خداوند متعال همین است.» (2)

امام محمد باقر (علیه السلام) نیز چنین فرمودند:

«مَنْ دَعَا اللَّهَ بِمَا أَفْلَحَ.» (3)

«هر کس خداوند را به واسطه ما بخواند (نجات پیدا می کند و) رستگار می شود.»

همچنین امام معصوم (علیه السلام) می فرمایند که خداوند متعال فرموده است:

«وَ لَكِنَّهُ حَتَمَتْ عَلٰی نَفْسِيْ اَنْ لَا يَسْأَلَنِيْ عَبْدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّ اَهْلِ بَيْتِهِ اِلَّا غَفَرْتُ لَهُ مَا كَانَ بَيْنِيْ وَ بَيْنِهِ.» (4)

«بر خویش لازم گردانیده ام که هر کس مرا به حق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان او (علیهم السلام) بخواند، از هر چه بین من و اوست چشم بپوشم و او را بیامرزم.»

نماز مجموعه ای است که دعا و تضرع را با ذکر اصیل ترین مفاهیم توحیدی ارائه کرده است. نماز چنان که در ذیل آیه 132 از سوره مبارکه طه (5) امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«وقتی امر معاش بر اهل بیت (علیهم السلام) سخت می شد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن ها می فرمود که نماز به جا بیاورید؛ چراکه پروردگار مرا به نماز امر فرموده

ص: 127

1- سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه 180.

2- تفسیر عیاشی، 2، 42؛ بحار الأنوار، 94، 6.

3- الأمالی، طوسی، 172 و 814 و 842؛ بشارة المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) لشیعة المرتضی (علیه السلام)، القدیمة، 2، 97؛ وسائل الشیعة، 7، 103؛ بحار الأنوار، بیروت، 23، 102 و 91، 2.

4- الأمالی، صدوق، 672؛ الأمالی، مفید، 219؛ بشارة المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) لشیعة المرتضی (علیه السلام)، القدیمة، 2، 210؛ وسائل الشیعة، 7، 98؛ بحار الأنوار، بیروت، 8، 282 و 91، 1؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 5، 229.

5- تفسیر قمی، 2، 67؛ الوافی، 7، 15؛ بحار الأنوار، بیروت، 16، 195 و 47، 299؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 2، 416.

شرط دیگر اجابت دعا ناامیدی از تمامی اشیاء هستی است. در داستان ابتلائات حضرت ایوب (علیه السلام) نقل است که وقتی آن بزرگوار همسرش (علیها السلام) را که تنها پرستار وی بود به دلیلی از خود راند، تنها و بی کس، بدون غذا و مونس، همه درها را بسته دید. آن گاه صورت را بر زمین نهاد و چند مرتبه با آه و ناله و تضرع گفت: (أَنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ) (1) ناگهان صدایی شنید: «ای ایوب، سر از سجده بردار که خدایت دعای تو را به اجابت رسانده است.» (2)

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

شرایط استجاب دعا

یکی از شرایط استجاب دعا امید به برآورده شدن حاجت هاست. خداوند بهتر می داند که حاجت شخص را چه روزی برآورده کند. آنچه مهم است دعا و تضرع بندگان است؛ اما اجابت دعا، براساس حکمت الهی، در ساعتی مقرر به اجرا درخواهد آمد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«هرگز از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش؛ زیرا بخشش الهی به اندازه نیت است. گاهی در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر شود. گاهی درخواست می کنی اما پاسخی نمی بینی؛ زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی یا در وقت مشخصی به تو خواهد رسید.» (3)

عجله برای برآورده شدن حاجت مغایر با مقام تسلیم و رضاست. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 128

1- سوره مبارکه انبیا، آیه شریفه 83.

2- تفسیر جامع، 4، 449؛ بحار الأنوار، 12، 356 تا 372.

3- نهج البلاغه، نامه 31.

«تا هنگامی که بنده مؤمن بی صبری نکرده و مأیوس نشود و دعا را ترك نکند، پیوسته در خیر و راحتی و رحمت الهی به سر می برد.» (1)

گاهی حاجتی به نفع مؤمن نیست؛ بلکه به ضرر اوست. لذا خداوند آن را به تأخیر می اندازد. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

(وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (2)

«چه بسا آنچه شما ناپسند می دارید، برای شما خیر باشد و چه بسا آنچه دوست می دارید، برای شما شرّ باشد. خداوند می داند و شما نمی دانید.»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«خدای متعال می فرماید که بنده مؤمن از من درخواستی می کند؛ ولی من برای نفع او از آن حاجت مانع می شوم.» (3)

شخصی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: «مگر خداوند متعال در قرآن نمی فرماید دعا کنید تا برای شما اجابت کنم؟ حال آن که افراد مضطری را می بینم که دعا می کنند؛ ولی به اجابت نمی رسد و مظلومانی را می بینم که از خدا پیروزی بر دشمنان شان را می طلبند؛ ولی واقع نمی گردد.» امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وای بر تو! خدا درخواست همه را اجابت می کند. دعای ظالم تا پیش از توبه مردود است. اما هنگامی که مظلوم دعا کند خداوند اجابت می فرماید و بلا را از او برطرف می سازد، به طوری که گاه خود او نیز نمی فهمد، یا آن را به صورت پاداش های فراوانی برای روز نیازش ذخیره می کند. خداوند از برآورده کردن آنچه به ضرر فرد است خودداری می کند.» (4)

ص: 129

1- چرا مرا آفریدند، 95؛ بحار الأنوار، 93، 374.

2- سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 216.

3- مستدرک الوسائل، 2، 94.

4- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، 97؛ تفسیر صافی ذیل آیات 60 تا 63 از سوره مبارکه مؤمن (غافر).

امام صادق (علیه السلام) میفرماید:

«چون قیامت برپا گردد، خداوند متعال [به بنده مومن] می گوید که چنین و چنان خواسته ای از من داشتی و من آنها را عقب انداختم و در [مقابل] ثواب تو را چنین و چنان قرار دادم. در این هنگام مؤمن در آن حال آرزو می کند که ای کاش هیچ موقع در دنیا دعایش مستجاب نشده بود.» (1)

در سخن ارزش مندی که ممکن است به یکی از اهل بیت (علیهم السلام) منتسب باشد آمده است:

«چه بسا دعای شخص مستجاب نمی شود؛ چراکه مصلحت بنده نیست. خداوند متعال کریم است؛ لکن گاهی نهایت آن چیزی که فرد می خواسته به او نمی رسد. مثلاً چه بسا شخصی از خداوند فرزند صالحی می خواهد که در امور دیگری به او کمک کند؛ اما خداوند این را به صلاح او نمی داند. پس قادر حکیم به او دوستی صمیمی روزی می کند که در امور دنیایی کمک او باشد. لذا مقصود بنده با همین دوست حاصل می شود. یا این که بنده ای از خداوند در کار خاصی وسعت روزی می خواهد؛ اما خداوند روزی او را در کار دیگری قرار می دهد. بنده هم خیال می کند که دعای او مستجاب نشده.» (2)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

«مردی از بنی اسرائیل سه سال از خداوند متعال درخواست پسری می کرد. چون دید خداوند متعال دعای او را مستجاب نمی کند، گفت که پروردگارا، آیا از تو که صدای مرا می شنوی دور هستم یا نزدیکم؟ چرا

ص: 130

1- ترجمه المؤمن، 67؛ جامع الأخبار، 369؛ بحار الأنوار، 93، 378.

2- یکصد و چهل حدیث اربعین، 150؛ اربعین هاشمیه، 397.

جواب نمی دهی؟ در عالم رؤیا به او گفته شد که تو سه سال است خدا را با زبانی فحاش و دلی سرکش و نیتی دروغ می خوانی. نخست فحش دادن را ترك كن و دلت را برای ارتباط با خدا پاك كن و نیت خود را نیکو گردان؛ سپس دعا کن.» (1)

باید توجه داشت که انجام فرائض دینی موجب استجاب دعاست. به عنوان نمونه یکی از مصادیق موانع استجاب دعا، به فرموده امام صادق (علیه السلام)، داشتن مظلومه بر گردن است:

«کسی که بر گردنش مظلالم عباد است دعایش مردود است.» (2)

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی مهم ترین مانعی که برای برآورده شدن دعا وجود دارد را ذکر فرموده اند. راوی می گوید: «به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم که در کتاب خداوند متعال دو آیه است که تأویل آن ها را نمی فهمم. حضرت فرمودند که آن دو آیه کدام است؟ گفتم این فرموده خداوند متعال که گفته است مرا بخوانید تا اجابت تان کنم. اما من خدا را می خوانم و اجابتی نمی بینم! حضرت فرمودند که آیا می گویی خداوند تبارك و تعالی در وعده خود تخلف می نماید؟! گفتم که نه. حضرت فرمودند که آیه دیگر را بگو. گفتم این که خداوند متعال می فرماید که هر چه در راه خدا اتفاق کنید خداوند جای آن را پر می کند و او بهترین روزی دهندگان است. ولی من اتفاق می کنم و جایگزین آن را نمی یابم! حضرت فرمودند که آیا گمان می کنی خداوند متعال خلف وعده می کند؟! گفتم که نه. حضرت فرمودند که پس چه می گویی؟ گفتم که نمی دانم. سپس حضرت فرمودند که اینک به خواست خداوند تعالی تو را آگاه می سازم. بدانید که اگر اطاعت خدا را می کردید و بعد او را می خواندید اجابت تان می فرمود. لکن او را نافرمانی می کنید، پس اجابت تان نمی کند. اما این که می گویی

ص: 131

1- دعا عامل پیشرفت یا رکود، 271.

2- روزه درمان بیماری های روح و جسم، 226.

انفاق می کنید و جایگزین آن را نمی یابید! اگر شما مال را از راه حلال آن به چنگ می آورید و در راه های شایسته انفاق می کردید، خداوند جایگزین آن را به شما بازپس می داد. با همه این احوال اگر خداوند را از راهش بخوانید، هر آینه، اجابت تان می کند. اگرچه گناہانی هم بر دوش شما باشد!

سپس گفتم که راه دعا کدام است؟ حضرت فرمودند که چون نماز واجب خود را به جای آوردی به تمجید و تعظیم خداوند می پردازی و هرچه می توانی او را ستایش می کنی و بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با تمام توان خود درود می فرستی. آن گاه، پس از حمد و ثنای الهی و درود بر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، نعمت ها و احسان های خداوند را به یاد می آوری و بر آن شکر را به جای می آوری. بعد به تکرار گناہانت یا آن هایی که به یاد می آوری اعتراف می کنی و بقیه را که از خاطر برده ای به طور اجمال یاد کرده و از همه آنها توبه می کنی و قصد می کنی که دیگر به آنها باز نگردی.

سپس با ندامت، صدق نیت، خوف و امید از آنها استغفار می کنی و می گویی که خداوند، از تو پوزش می خواهم و از تو طلب غفران می کنم و به سوی تو باز می گردم. تو خود مرا بر طاعت خود کمک کن و بر انجام اعمالی که بر من واجب کرده ای و تو را از من راضی می کند موفق گردان. همانا من هرگز کسی را ندیده ایم که بدون کمک و نعمت تو طاعتت را به جا آورد. پس بر من به نعمتی منت نه که با آن به رضایت و خشنودی و بهشت تو دست یابم. (1) بعد از این دعا نیز حاجت خود را می طلبی. امیدوارم خداوند به مشیت خود ناامیدت نفرماید.» (2)

ص: 132

1- بحار الأنوار، بیروت، 90، 320؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 5، 213؛ فلاح السائل و نجاح المسائل، 39؛ ادب حضور، 88.

2- چرا مرا آفریدند، 74؛ فلاح السائل 39.

یکی دیگر از موانع اجابت دعا امید به مخلوقات است. در این باره فرموده اند:

«هرگاه خواستید دعای تان به اجابت برسد، نباید در دلتان کسی جز خدا باشد.»

از پایه های اصلی توکل، قطع امید از خلاق است. امام معصوم (علیه السلام) درباره معنای واقعی توکل فرموده اند:

«توکل آن است که شخص مطمئن باشد که به جز خواست خدا کسی نمی تواند نفع و ضرری به او برساند یا او را از رسیدن به چیزی منع کند یا به او چیزی بدهد. پس به طور کلی باید از مخلوقات مأیوس شود.» (1)

در قرآن کریم این گونه می خوانیم:

﴿وَإِنْ يَسْأَلْكَ اللَّهُ بَصْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بَخِيرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (2)

«اگر خدا به تو زبانی برساند آن را برطرف کننده ای جز او نیست. اگر هم برای تو خیری بخواهد بخشش او را ردکننده ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند. او آمرزنده مهربان است.»

یا این که فرموده اند:

﴿فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَنْفَعُوا بِأَمْرِ لَمْ يَكْتِبَهُ اللَّهُ لَكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ﴾ (3)

«اگر تمام مردم کوشش کنند تا آنچه خداوند متعال مقدر نفرموده به تو برسد، اثر و فایده ای نخواهد داشت.»

مؤمن با داشتن چنین اعتقادی از قوی ترین مخلوقات خواهد شد و به عالی ترین مقام بندگی، یعنی توکل، دست پیدا خواهد کرد. مؤید چنین اعتقادی کلام امام

ص: 133

1- تفسیر جامع، 3، 304؛ تفسیر برهان، 2، 245.

2- سوره مبارکه یونس، آیه شریفه 107.

3- من لا يحضره الفقيه، 4، 413؛ مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، 20؛ الوافی، 26، 161؛ بحار الأنوار، بیروت، 67، 183؛ تفسیر نور الثقلین، 2، 518.

سجاده (علیه السلام) است:

«رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.» (1)

«تمامی خیر را در قطع طمع از آنچه در دست مردم است دیدم.»

باید توجه داشت که توکل زمانی به جایگاه خود می رسد که با تلاش همراه گردد؛ اما گاهی ممکن است فرد تلاش لازم را داشته باشد ولی خداوند صلاح او را در به ثمرنشدن آن تلاش نمی بیند. امام حسن (علیه السلام) در این باره به شخصی فرمودند:

«يَا هَذَا لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْعَدُوِّ وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدْرِ اتَّكَالَ الْمُسْتَسْلِمِ فَإِنَّ إِنْشَاءَ الْفَضْلِ مِنَ السُّنَّةِ وَالْإِجْمَالَ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعِفَّةِ وَ لَيْسَتْ الْعِفَّةُ بِدَافِعَةٍ رِزْقًا وَلَا الْحِرْصُ بِجَالِبٍ فَضْلًا فَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ وَ اسْتِعْمَالُ الْحِرْصِ اسْتِعْمَالُ الْمَأْثَمِ.» (2)

«تلاشت در طلب رزق چنان نباشد که گویی با دشمن جهاد می کنی (کنایه از این که آن قدر زیاده روی نکن که جانت را برای مال دنیا به مخاطره بیاندازی). از طرفی اعتقاد به تقدیر موجب نشود که از تحرک باز بمانی....»

آنچه بسیار حائز اهمیت است فهم دقیق حقیقت توکل است. با فهم صحیح آن پایه های اعتقادی توحیدی شکل واقعی خود را می یابد. توکل یعنی واگذار کردن امور به دست خدا و رضایت از تصمیم های حق تعالی. شخصی از امام کاظم (علیه السلام) درباره آیه شریفه (وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) (3) سؤال کرد. حضرت (علیه السلام) در پاسخ فرمودند:

«توکل بر خداوند متعال دارای درجاتی است: به خداوند در همه امور

ص: 134

1- الکافی، الإسلامية، 2، 148 و 2، 320؛ وسائل الشیعة، 9، 449 و 16، 24؛ بحار الأنوار، بیروت، 70، 171 و 72، 110

2- بحار الأنوار، 100، 35.

3- سوره مبارکه طلاق، آیه شریفه 3.

اطمینان داشته باشی. یعنی هرچه با تو انجام می دهد به آن راضی باشی و بدانی که خداوند متعال به تو جز خیر عطا نمی کند. همچنین بدانی که حکم کردن تنها از آن خداوند است. پس تمام امور را به خدا بسپاری و بر او توکل کنی.» (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اسْتَخِرْ وَلَا تَتَخَيَّرْ فَكَمْ مَنْ تَخَيَّرَ أَمْرًا كَانَ هَلَاكُهُ فِيهِ.» (2)

«از خدا طلب خیر کن و بدون آن کاری را انتخاب نکن؛ زیرا چه بسیار کسانی که [بدون طلب خیر از خدا] کاری را انتخاب کرده اند که موجب نابودی شان شده است.»

در روایتی درخواست خیر از خدا را این گونه آموزش داده اند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِ لِي بِالْخَيْرَةِ.» (3)

«خدایا، از دانش تو طلب خیر می کنم. پس بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) درود بفرست و برای من خیر را تقدیر کن.»

مؤمن با این عقیده از هر شر و بلائی مصون خواهد بود؛ زیرا فرموده اند:

«هیچ مؤمنی نیست که از خداوند طلب خیر کند، مگر اینکه خدا هم به او خیر می دهد؛ هرچند پیش آمد ناخوشایندی برای او رخ دهد. زیرا باز خیری در آن حادثه نهفته است.» (4)

ائمه هدی (علیهم السلام) و در رأس آنان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دائماً بر تسلیم بودن در برابر قضای الهی تأکید نموده اند. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«ای گروه تهی دستان، آسوده باشید و از جان و دل از خدا خشنود شوید

ص: 135

1- چرا مرا آفریدند، 106؛ التمهیص، 62؛ بحار الأنوار، 68، 153.

2- عیون الحکم و المواعظ، لیشی، 83؛ غرر الحکم و درر الکلم، 137؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، 196.

3- الصحیفة السجادية، 154؛ البلد الامین و الدرع الحصین، 162؛ بحار الأنوار، بیروت، 88، 269.

4- بحار الأنوار، 91، 244.

تا این که خداوند متعال در مقابل فقرتان پاداش تان دهد. اگر این کار را نکنید ثوابی نخواهید داشت.»

با این دستور هر مؤمنی باید یقین کند که مصیبت ها بهترین هدایای پروردگار است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مصائب هدایای خداوند متعال است.» (1)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مقرب ترین حالت بنده در نزد خداوند این است که طالب درهمی باشد؛ لکن به آن دست نیابد.» (2)

آنچه در آخرالزمان بیشتر از همه مردم را درگیر می کند و طبق روایات عذاب کوچک قلمداد می شود، گرانی اجناس است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ مِنْكُمْ زَمَانٌ لَا يَكْتَبُ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ مُبْتَلَى بِهِمَّ الْمَعَاشِ.» (3)

«زمانی بیاید که بر فرد (مومن) گناهی نوشته نشود. این اتفاق در زمانی می افتد که امر معاش او را در غم ها فروبرد.»

البته خداوند در برابر این سختی ها پاداشی را برای فرد در نظر گرفته است. امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود فرمودند:

«آیا به بازار نمی روی و نمی بینی که میوه و چیزهایی را که دوست داری می فروشند؟»

وی گفت: «بله.»

حضرت فرمودند:

ص: 136

1- کافی، 2، 260؛ بحار الأنوار، 69، 8.

2- چرا مرا آفریدند، 198؛ التمهیص، 45؛ بحار الأنوار، 69، 49.

3- بحار الأنوار، بیروت، 70، 157؛ راه زندگی و حیات جاویدان، 81؛ سفینه البحار، باب دهم.

«به راستی در مقابل هر چیزی که ببینی و نتوانی آن را خریداری کنی برای تو حسنه ای خواهد بود.» (1)

صبر بر شدائد

شخصی برای امام رضا (علیه السلام) نامه ای نوشت و در آن از پریشان حالی و قرض خود شکایت کرد. حضرت در جواب نوشتند:

«اگر می خواهی پاداش داشته باشی صبر کن. اگر صبر نکنی پاداشی نخواهی داشت. جلوی قضا و تقدیرات الهی را هم نمی توانی بگیری.» (2)

باید دانست که با تسلیم در برابر امر خدا و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) عنایت های خاص الهی شامل حال مؤمن گرفتار خواهد شد. از نشانه های تسلیم شاکر بودن در تمام حالت هاست: چه در عافیت و چه مریضی؛ چه در غنا و چه فقر. چه بسا فردی که سال ها در تن درستی و رفاه زندگی نموده است، پس از مدتی به بلایی گرفتار آید. در این شرایط مومن باید همان طور که در سلامت و ثروت شکر الهی را می گذاشته، اکنون نیز شکرگزار باشد. همسر جناب ایوب نبی (علیه السلام) به آن حضرت عرضه داشت:

«ای کاش دعا می کردی تا خدا شفایت دهد.»

حضرت ایوب (علیه السلام) فرمود:

«وای بر تو، هفتاد سال از لطف پروردگار در رفاه و نعمت بودم. اینک بگذار تا همان اندازه در سختی و محنت و بلا باشم.» (3)

از این سخن حضرت ایوب (علیه السلام) دیری نگذشته بود که خدا ایشان را شفا داد!

از مجموع این مبحث درمی یابیم که یکی از فضیلت های ارزنده اخلاقی و اعتقادی صبر است. صبر در حوادث بسیار ناگوار و موج های سهمگین دریای بلا همانند کشتی بسیار امنی برای سرنشینانش خواهد بود. همه مؤمنین، در راه رسیدن

ص: 137

1- کافی، 2، 264؛ بحار الأنوار، 69، 25.

2- بحار الأنوار، 15، 184.

3- مجموعه ورام، 1، 93.

به مقام عبودیت، باید برای محفوظ ماندن از غرق شدن در دریای بلا و حوادث سوار بر کشتی صبر شوند. سرور و پرچم دار بزرگ مصائب کربلا، امام سجاد (علیه السلام)، فرمودند:

«وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.» (1)

«آن کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.»

صابران که همان صاحبان کرامت و فضیلت هستند با صبرکردن بر مصائب به ترفیع در ایمان دست خواهند یافت. شخصی در محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) سخن از کرامت به میان آورد. اصحاب از ایشان پرسیدند که بزرگوارترین و گرامی ترین انسان ها چه کسانی هستند؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ.» (2)

«آن کسی که چون نعمتی به وی عطا شد شکر به جای آورد و هرگاه بلا و آزمایشی بر او فرود آید صبر پیشه کند.»

از امیرالمؤمنین (علیهما السلام) پرسیدند که خالص ترین عمل خیر چیست. ایشان فرمودند:

«الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفَ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ.» (3)

«خیر خالص آن است که بر نعمت های خدا شکرگزار باشی و در برابر مصیبت ها صبر کنی.»

شکر و صبر فقط با ازدیاد عقل انسان محقق می شود و در نهایت پایه های ایمان

ص: 138

-
- 1- صحیفة الإمام الرضا (علیه السلام)، 81؛ الکافی، الإسلامیة، 2، 89؛ تحف العقول، 281؛ الوافی، 4، 333؛ وسائل الشیعة، 3، 258؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 8، 129؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 114 و 66، 376.
 - 2- التمهیص، 68؛ تحف العقول، 364؛ بحار الأنوار، بیروت، 67، 68 و 53 و 75، 247؛ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام))، 20، 719 و 827.
 - 3- تحف العقول، 234؛ بحار الأنوار، بیروت، 75، 106.

را تشکیل می دهند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در اهمیت تعقل به شخصی به نام شمعون فرمودند:

«فَتَشَعَّبَ مِنَ الْعَقْلِ الْحِلْمُ» (1)

«صبر از عقل سرچشمه می گیرد.»

کاربرد دیگر صبر کناره گیری از مردم فاسد و مشغله های بیهوده و گریز از دنیا و دنیا طلبان است. اسوه صبر و مظهر کامل و بی نظیر مقاومت، حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)، که سال ها در سیاه چاله های تاریک بر تنهایی و آزار بی شمار دشمنان صبر نمودند، به یکی از صحابه خود به نام هشام فرمودند:

«يَا هِشَامُ الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةٌ قُوَّةِ الْعَقْلِ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالرَّاعِيْنَ فِيهَا» (2)

«ای هشام، صبر در برابر تنهایی نشان قدرت عقل است. هر کس بر مبنای معیارهای الهی بیاندیشد از دنیا و دل باختگان دنیا کناره می گیرد.»

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ فَأَوْلُهَا الْعَقْلُ وَعَلَيْهِ بُنِيَ الصَّبْرُ» (3)

«ارکان استوار اسلام هفت چیز است: اول آن ها عقل است و زیر بنای آن صبر.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينُ الْإِيمَانُ كُلُّهُ» (4)

ص: 139

1- تحف العقول، 15؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، 9؛ بحار الأنوار، بیروت، 1، 117.

2- الکافی، الإسلامیة، 1، 17؛ تحف العقول، 387؛ وسائل الشیعة، 5، 331 و 15، 354؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 1، 58؛ بحار الأنوار، بیروت، 1، 137 و 75، 301.

3- تحف العقول، 196؛ بحار الأنوار، بیروت، 65، 381.

4- مجموعه ورام، 1، 40؛ شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، 1، 319؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، دیلمی، 1، 127.

«شکیبایی نصف ایمان است و یقین تمام ایمان.»

جایگاه بسیار والای صبر از آن جا معلوم می گردد که همهٔ ایمان؛ بلکه زیربنای ایمان صبر گردد. در واقع بدون صبر ایمان به سرنگونی محکوم خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند که ایمان چیست؟ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«ایمان یعنی صبر.» (1)

بنابراین ایمان از دو بخش تشکیل شده است: صبر و تسلیم در برابر بلا؛ شکر بر نعمت ها. سردمدار بزرگ ایمان، وجود مبارك حضرت ختمی مرتبت، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، می فرمایند:

«خدایا، روزی سیرم کن تا شکرگزار تو باشم و دیگر روز گرسنه ام نگاه دار تا در پی درخواست از تو برآیم.» (2)

یکی از زیباترین مظاهر صبر رضایت کامل از پروردگار است که انسان را به ایمانی حقیقی می رساند:

«رَاضٍ عَنَّهُ فِي كُلِّ حَالَتِهِ.» (3)

«مؤمن در تمام حالت ها از پروردگارش راضی است.»

ص: 140

1- المحججه البيضاء، 1، 117.

2- الأمالی، مفید، 124؛ بحار الأنوار، 67، 318.

3- الكافی، الإسلامیة، 2، 230؛ الوافی، 4، 155؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 9، 219؛ بحار الأنوار، بیروت، 64، 366؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 11، 182.

در راستای رضایت به قضای الهی و تسلیم بودن در برابر تقدیرات الهی اشاره ای خواهیم داشت به تسلیم و رضای حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در روز عاشورا و در لحظاتی که امام حسین (علیه السلام) در محاصره منافقین خون خوار، یکه و تنها، با هشتاد و چهار زن و فرزند داغ دیده و لب تشنه، با بدنی خونین، در برابر چشمان گریان مخدرات و خردسالان، ایستاد تا با هر کدام وداعی داشته باشد.

این وداع در حالی بود که داغ عزیزانش قلب مجروح او را خونین تر کرده بود و طاقت را از کفش ربوده بود. ضعف خستگی که از تشنگی فراوان و گرد و غبار جنگ برخاسته بود نور را از چشمانش گرفته و رمق را از پاهایش ربوده بود. با قلبی پر از مهربانی از کودکان تشنه لب جدا می شد. چون دشمن کافر آن گرمی را ضعیف و تنها پنداشت، همانند کفتاری گرسنه بر بدن نازنیش تاختند. با جراحت بی شماری که بر پیکر نازنیش وارد کرده بودند، در لحظات آخر تمامی هستی اش را، همان آخرین قطرات خون مطهرش بود، به خدای متعال تقدیم نمود و عبودیت خداوند منان را در برابر تمامی موجودات هفت آسمان و زمین به نمایش گذاشت. او عظمت پروردگار خویش را در آن لحظاتی که گونه بر شن های تفتیده صحرا می کشاند این گونه ارج می نهاد:

«إِلَهِي رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ.» (1)

«پروردگارا، به قضای تو رضی ام و تسلیم امرت هستم.»

هر مؤمنی در عصر غیبت با پندآموزی از روز عاشورا و به پیروی از اصحاب امام حسین (علیه السلام) باید در حوادث و بلاها روح تسلیم و صبر خویش را بارور کند؛

ص: 141

زیرا در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جولان ستمگران باعث اشاعه کفر و الحاد و فساد شده و ظلمت و تباهی بر همه جا مستولی گشته است. در چنین شرایطی، حفظ ایمان، صبر مضاعفی می طلبد.

امام زمان در عصر غیبت از دیده عموم مردم ناپیداست. همه در حال غرق شدن هستیم. به هر طرف که می نگریم چشمان گناهکارمان ریسمان الهی را نمی بیند. بردباری در برابر طوفان بلاهای عصر غیبت نه بدان معناست که انسان بی نیاز از پناهگاه است؛ چراکه شدت تهاجم حوادث و بلاهای زمینی و آسمانی آن چنان کوبنده خواهد شد که زبردست و دقیق ترین انسان ها نیز از پای در خواهند آمد.

امتحان اصلی در زمان غیبت و بلکه یکی از علل اصلی غیبت موضوع تمحیص می باشد. تمحیص به معنای گداخته شدن و تصفیه شدن است؛ همان گونه که طلا را برای جدا شدن از ناخالصی ها در کوره می گذارند. مدعیان حق و حق طلبی باید در دوران غیبت در فتنه های فکری و عقیدتی ماهیت شان آشکار شود تا معلوم شود صادق کیست و کاذب کدام است. البته صادق کسی است که در منهج فکری تابع وحی بوده و آینه ادراک خود را به خورشید ولایت سپرده است.

تمحیص متوجه کسانی است که ادعای پیروی از ثقلین را دارند. بر هر شیعه ای واجب است که با کسب معرفت کافی از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) راه را برای ظهور ایشان هموار سازد. اگر به تبلیغات و آنچه از زمان های قدیم تاکنون وجود داشته توجه کنیم، و به خصوص وضعیت اعتقادی و طرز فکر شیعه را در دو قرن اخیر بازنگری کنیم، در خواهیم یافت که چه بزرگان بسیاری از تحت لوای ائمه (علیهم السلام) جدا شدند و از دایره فرقه ناجیه خارج گردیدند. به عنوان نمونه افرادی که هم اکنون آشکارا از افکار افلاطون دفاع می کنند و توهمات افرادی مثل محی الدین را در طعام علمی خود قرار

عده ای هم عصمت الهی را برای غیر معصوم جایز شمرده اند! اگر به کنه مطلب توجه کنیم، میان همه این مدعیان نقطه اشتراکی وجود دارد: آنان مقام های معصومین (علیهم السلام) را بر نمی تابند یا می خواهند خود را شریک آنان قرار بدهند. در حالی که در زیارت جامعه می خوانیم که خداوند این وجود های مقدس را برگزیده است و اگر دیگران هم شایسته این جایگاه بودند، آن ها را نیز انتخاب می فرمود.

باید توجه داشت که فهم اسرار آفرینش از دایره عقل بیرون است و هرچقدر باریک بین و تیز نگرتر بوده باشیم میل مان به ولایت بر دیگران افزایش پیدامی کند. نتیجه این نظریه پردازی های مکرر آن است که این افراد در مواقعی حتی کلام معصوم (علیهم السلام) را هم زیر سؤال می برند. حدیثی که در ادامه نقل می شود یکی از فرمایش های ائمه (علیهم السلام) است که در آن به مردود بودن دو گروه بطانه و ولیجه و اتباع شان اشاره شده است. در این روایت می خوانیم که این افراد در جریان تمحیص دورریخته می شوند. این فتنه آن قدر باید ادامه پیدا کند تا هیچگونه ناخالصی باقی نماند:

«لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةً يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةٍ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ كَانَ يَشُقُّ الشَّعْرَ بِشَعْرَتَيْنِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا.» (1)

پناهگاهی به نام امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

عقل هر کسی که با مراجعه به فرموده های معصومین (علیهم السلام) شکوفا و بارور گردیده باشد، به او می گوید که باید برای دوران غیبت و روز واپسین خود پناهگاه محکمی مهیا سازد. از آن جا که هیچ پناهگاهی از حصن حصین محمد و آل محمد (علیهم السلام) امن تر نیست، مؤمنین آن را به عنوان مأمن خود برمی گزینند. همان پناهگاهی که مأمن اولیا

ص: 143

1- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، 1، 23؛ الکافی، الإسلامية، 1، 370؛ الوافی، 2، 434؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 4، 185؛ بحار الأنوار، بیروت، 2، 194 و 52، 115؛ إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1، 241؛ غیبت نعمانی، 202.

و انبیای الهی نیز بوده است. در دنیای وانفسای امروز، یگانه کشف حصین و جایگاه امن، ساحت مقدس وجود گرامی مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

درب کرم آن امام همام (علیه السلام) به روی تمامی مضطربین و درماندگان است. هر عقل سلیمی حکم می کند که برای محفوظ ماندن از حوادث ناگوار آخر الزمان باید به پناهگاهی امن رفت. این پناهگاه قطعاً مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. بنابراین پیش از آن که مامور مرگ به سراغ مان آید، بیاییم به سوی مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رفته و به پناهگاه امن او پناه ببریم. درب این حصن حصین، که باب الله است، برای همگان، همیشه باز است.

وقتی در وادی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قدم می گذاری دلت را از محبت و اندوه حسینی (علیه السلام) لبریز می کنند. وقتی دل به یاد اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می تپد و اشک برای او جاری می شود روح انسان به مراتبی عالی صعود می کند و به برکت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) تمام غصه ها و تاریکی ها و سختی ها به شادی و نور و آرامش مبدل می گردد.

بدیهی است که سوختن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) و دعا برای ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مکمل یکدیگرند. هر مؤمنی باید خواستار آمدن امام زمانش (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده و برای ترویج امام شناسی و دعا برای فرج تلاش کند. ظهور امام عصر ارواحنا فداه به اراده و اذن خداوند بستگی دارد و دست بشر از آن کوتاه است؛ اما قطعاً دعا و اضطرار مردم نیز در اراده خداوند بر ظهور حضرت مؤثر است. شاید این آیه شریفه به همین مطلب اشاره داشته باشد:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ) (1)

«سرنوشت هر قومی در گرو تصمیم های خودشان است.»

ص: 144

1- سوره مبارکه رعد، آیه شریفه 11.

دعا برای ظهور می تواند قیام حضرتش را نزدیک تر کند. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

(قُلْ مَا يَعْجُبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ) (1)

«اگر دعای شما نبود پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کرد.»

مومن فقط با استغاثه و تضرع می تواند زمینه ظهور مولایش را فراهم آورد. نمونه ای از این درخواست دعای قوم حضرت موسی (علیه السلام) بود که از شدت فشارها و تجاوزها و ستم های فرعون (لعنت الله علیه) به ستوه آمده بودند. آنان سر به بیابان ها گذاشته و از سویدای دل ظهور حضرت موسی (علیه السلام) را برای رهایی از منجلاب گرفتاری ها خواستار شدند. خداوند متعال هم بر اساس قولی که به بندگان داده بود، قبل از وقت موعود، به دعای بندگان ستمدیده اش، فرمان خروج و قیام حضرت موسی (علیه السلام) را صادر کرد. امام صادق (علیه السلام) نیز برای پندآموزی از آن قوم به شیعیان دستور داده اند که:

(هَكَذَا (2) أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ. (3)

«اگر شما شیعیان هم این عمل را انجام دهید، خداوند متعال قطعاً گشایش را می رساند. اما اگر انجام ندهید این امر به نهایت حد خود خواهد رسید.»

با استناد به فرمان امام صادق (علیه السلام) و ماجرای قوم حضرت موسی (علیه السلام) استنباط می شود که مؤثرترین عامل برای تعجیل در ظهور مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آماده کردن جامعه و هدایت قلب های محبین اهل بیت (علیهم السلام) به سوی یاد و دعا برای ظهور حضرت است.

ص: 145

1- سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه 77.

2- دقیقاً مانند قوم حضرت موسی (علیه السلام).

3- بحار الأنوار، بیروت، 4، 118؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب، 6، 200؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 5، 239؛ إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1، 416.

البته تمام شرایط دعا باید رعایت گردد تا دعا به اجابت برسد. دعای حقیقی و مقرون به اجابت آن است که همراه با آه و ناله و انقطاع کامل از غیر خدا انجام بگیرد. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ.» (1)

«همیشه با توجه و اقبال قلبی دعا کن. آن گاه یقین به اجابت داشته باش.»

نقش گریه بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)

یکی از مهم ترین وقایعی که دل را می شکند و در انسان سوز و گداز و تضرع ایجاد می کند تفکر در مصیبت سیدالشهداء (علیه السلام) است. مصیبت تشنگان صحرای کربلا دل را می سوزاند و اشک را جاری می سازد و انسان را به قرب الهی می رساند. وقتی دل شکسته و صیقلی شد ابواب اجابت به روی انسان گشوده می شود. آن گاه است که باید وقت را غنیمت شمرد و فقط ظهور منتقم کربلا را از خدا خواست.

چه خوب است که منتظران ظهور به این مسأله اهمیت دهند و هر روز وقتی را برای این امر مهم اختصاص بدهند و با ندبه و زاری برای فرج مولا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کنند و دل شکسته خویش را روانه آستان یوسف زهرا (علیها السلام) نموده، ندای یاصاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سر دهند و سلام و ارادتی به محضر آن بزرگوار تقدیم کنند. از آنجا که او «عین الله» و «اذن الله» است جواب سلام هر عاشق دلباخته ای را هم خواهد داد.

در مقابل، کاهلی در دعا برای فرج مولا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمایان گر بی توجهی و بی اعتنایی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. دعانکردن برای ظهور مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پیامد بسیار

ص: 146

1- الکافی، الإسلامية، 2، 473؛ وسائل الشیعة، 7، 54؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، 12، 24.

سنگینی دارد. کسی که همتی برای دعا مولایش ندارد در روز قیامت و در صحرای محشر باید سال ها زیر آفتاب سوازن بر سر و سینه بزند و «واحسرتا» بگوید.

در عصر غیبت دعا به عنوان تکلیفی به عهده همگان است و به منزله امتحانی برای مؤمنان. سعادت مند آن عده ای از مؤمنین هستند که مصیبت بزرگ غیبت و اهمیت ظهور را به خوبی درک کرده اند و برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و گرفتن انتقام از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و احیای دین حقیقی دعا می کنند. این دسته از نجات یافتگان خواهند بود. به واسطه این عمل عبادی در هنگام مرگ با آرامش کامل به خانه قبر خواهند رفت. همچنین در روز قیامت در جوار محمد و آل محمد (علیهم السلام) با آسودگی در بهشت برین سکنی می گزینند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده اند که:

«مؤمن همیشه از عاقبت خود می ترسد و یقین ندارد که تا هنگام مرگ مشمول رضایت خدا واقع می شود یا نه. آدمی تا در آن شدت درد ملك الموت را ببیند بسیار متأثر می شود که اکنون از خانواده و اموال خود جدا می شود، با این که به آرزوهایش نرسیده است. ملك الموت به او می گوید که آیا عاقلی برای ثروتی که فایده ندارد غصه می خورد، با این که خداوند متعال به جای آن چندین هزار برابر به او داده است؟ آن فرد می گوید که نه. ملك الموت اشاره می کند که به بالا نگاه کن. وقتی فرد به بالا می نگرند قصرهای بهشت و درجه های آن را که از حدود آرزوهای او هم خارج است می بینند. ملك الموت به او می گوید که اینجا منزل توست و این ها را خداوند به تو عنایت کرده است و افراد صالح خانواده ات با تو در اینجا ساکن می شوند. آیا راضی هستی که در عوض ثروت دنیا این مقام را به تو بدهند؟ شخص می گوید که آری. به خدا قسم راضی هستم. (1) سپس می گوید که دوباره نگاه کن. وقتی توجه می کند حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان ارجمند

ص: 147

1- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (علیه السلام)، 239؛ بحار الأنوار، بیروت، 6، 176.

ایشان را در اعلیٰ علیین می بیند. ملك الموت می گوید که این ها هم نشین تو هستند. آیا راضی نیستی به جای کسانی که در این جهان از آن ها مفارقت می کنی، این ها با تو باشند؟ مومن می گوید که چرا. به خدا قسم راضی هستم. این تفسیر آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (1)).» (2)

بی تردید این جایگاه بهشتی از آن شیعیان منتظر و با اخلاص و پرهیزگار مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد. کسانی که برای ظهور دعا نکرده اند و به سوی حجت خدا اقبال قلبی نداشته اند و در برابر «جنب الله»، که امام وقت است، کوتاهی کرده اند، در عرصه قیامت مصداق این آیه شریفه قرار خواهند گرفت:

(يا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (3)

«واحسرتا که درباره جنب الله سستی کردم.»

بنابراین برای رسیدن به منازل قرب و خشنودی حق تعالی و سکنی گزیدن در رضوان الهی و قدم گذاشتن در جاده سعادت و خوشبختی در دو جهان، از همین امروز خود را به دعاهای فراوان برای تشریف فرمایی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عادت بدهیم و از سویدای دل فریاد بزنیم:

ص: 148

-
- 1- سوره مبارکه فصلت، آیه شریفه 30: «بر کسانی که می گویند خداوند متعال خالق ماست و سپس در این راه استقامت می ورزند، ملائکه نازل می شوند و می گویند که ترسید و محزون نشوید. شما را به آن بهشتی که وعده داده شده اید بشارت می دهیم.»
 - 2- داستان ها و پندها، 1، 73.
 - 3- سوره مبارکه زمر، آیه شریفه 56.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

ص: 149

1. چرا مرا آفریدند، حسن میلانی، انتشارات حضرت علی، چاپ اول.
2. تفسیر جامع، حاج سیدابراهیم بروجردی، انتشارات انصار المهدی، چاپ اول.
3. میزان الحکمة، محمد ری شهری، انتشارات دار الحدیث، چاپ اول.
4. نمونه معارف اسلامی، حجة الاسلام فصیحی، انتشارات خاطره.
5. ثواب الأعمال، شیخ صدوق، انتشارات راز توکل، چاپ اول.
6. ترجمه کتاب المؤمن، مرتضی حسینی نجومی، انتشارات بوستان کتاب، قم.
7. یک صد و چهل اربعین، اسماعیل رسول زاده، انتشارات کتابخانه صدر، تهران.
8. داستان های صاحب دلان، محمدمهدی اشتهازدی، انتشارات جامعه مدرسین.
9. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
10. بلا و بیماری رحمت است نه عذاب، رضا جاهد، مشهد، سنبله.
11. مشکاة الأنوار، ابوالفضل علی بن حسن بن فضل طبرسی.
12. یاد مهدی آرام دل، فقیه ایمانی.
13. نسیم هدایت، سیدصادق حسینی شیرازی، انتشارات برگ رضوان، چاپ اول.
14. کیش پارسایان، مجتبی تهرانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
15. مکارم الأخلاق، یک جلدی، ترجمه لطیف راشدی، چاپ افق.
16. یک صد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ

17. طب الاثمه (عليهم السلام)، شيرعبدالله، ترجمه: لطيف راشدى، انتشارات حضور، چاپ اول.
18. روزه درمان بيمارى هاى روح و جسم، سيدحسن موسوى راد، انتشارات جامعه مدرسین.
19. راه زندگى و حيات جاودان، سيدمحمد سيد موسوى، انتشارات عروج اندیشه، چاپ اول.
20. كافى، محمد بن يعقوب كلينى، انتشارات اسوة، چاپ يازدهم.
21. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسى، مؤسسة الوفاء، بيروت.
22. مجموعه ورام، ورام بن ابى قزاس، انتشارات مكتبة فقيه، قم.
23. كتاب التوحيد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگى و ارشاد اسلامى.
24. عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، شيخ صدوق، مؤسسة انصاريان، قم.
25. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانى، مؤسسة انتشارات اسلامى، چاپ دوم.
26. كمال الدين، شيخ صدوق، انتشارات دار الكتب الاسلامى، قم، چاپ دوم.
27. لئالى الأخبار، شيخ محمدنبي بن احمد تويسركانى.
28. امالى طوسى، شيخ طوسى، انتشارات دار الثيقاف، قم.
29. الإحتجاج على أهل اللجاج، شيخ طبرسى.
30. الإحتجاج، احمد بن على طوسى، نشر مرتضى، مشهد مقدس.
31. مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسى، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
32. غرر الحكم، ترجمه: محمدعلى انصارى، انتشارات امام عصر (عليه السلام)، چاپ هشتم.
33. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاينده.
34. مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نورى، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، قم.
35. النخصال، صدوق، انتشارات فكر آوران.
36. نور الثقلين، عبدالعلى بن جمعة الحويزى، مؤسسة مطبوعات اسماعيليان، قم.

37. وسائل الشيعة، حرعاملی محمدبن حسن، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، قم.
38. عدة الداعي، حلّی بن فهد، انتشارات دار الكتب الإسلامی، چاپ اول.
39. علل الشرايع، محمد بن علی بن حسین بن بابويه، انتشارات مكتبة الوری، قم.
40. التمهيص، سيدبن طاووس رضی الدين.
41. كنز الفوائد، ابوالفتح كراچکی، انتشارات دار الذخائر، قم.
42. اثبات الهدی.
43. عين الحياة، محمدباقر مجلسی.
44. كشف الغمة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى اربلي، مصحح: سيداحمد حسيني.
45. ترجمه جامع الأخبار، قمی، مترجم: شريف الدين، چاپ اسلامية، رقعی، چاپ پنجم.
46. الأعلام، شيخ مفيد، چاپ كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.
47. ينابيع الحكمة، ابوالحسن بن محمدكاظم جاجرمی.
48. منهاج السرور يا يك صد و ده حكایت، علی قرنی گلپایگانی، مصحح: محمدرضا اعدادی، كتاب فروشی

جعفرى.

49. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات اسلامية، چاپ سوم.

50. تفسير عياشى، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى، مكتب علميه اسلامى، تهران.

ص: 152

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

